

# ره‌ما



ویژه‌نامه قدس به مناسبت  
سخنرانی نوروزی رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

## بازخوانی گفتمان راهبردی رهبر معظم انقلاب اسلامی در طراحی نقشه پیشرفت کشور



سعدالله زارعی، کارشناس مسائل جهان اسلام

### نگاه راهبردی به موقعیت ایران در دنیای آینده



حجت‌الاسلام احمد هدار  
عضو هیئت علمی دانشگاه باقر العلوم (ع)

### ریل گذاری برای پیشرفت کشور



علاءالدین بروجردی، رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس

### دیپلماسی هوشمند و مدیریت جهادی اولویت ایران در دوران گذار جهانی



سید یاسر جبرائیلی، رئیس مرکز ارزیابی  
و نظارت راهبردی اجرای سیاست‌های کلی نظام

### احیای اقتدار حکمرانی اقتصادی فوری‌ترین نیاز کشور



محسن باک آیین، سفیر پیشین ایران در کشورهای  
زامبیا، ازبکستان، تایلند و جمهوری آذربایجان

### جهان اصالت‌ملت‌ها



سید محمد حسین علم الهدی  
مدرس دانشگاه و تحلیلگر رسانه

### مردم؛ رکن اصلی قدرت ملی در نگاه امامین انقلاب اسلامی



طلال عترسی، استاد دانشگاه بیروت

### تجربه یک انقلاب فرهنگی بار هبری دینی



رادی شکیری، تحلیلگر انگلیسی

### ایران اسلامی ظرفیت نقش آفرینی جهانی





ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۲

## مردم رکن اصلی قدرت ملی در نگاه امامین انقلاب اسلامی

از اندیشه امام(ره) بود. در ابعاد فرهنگی نیز همین مبنا وجود داشت، حتی در عرصه‌های نظامی نیز چنان بود؛ تا جایی که امام راحل با اتکا به قدرت توده‌های مردم و در اتفاقی کم‌نظیر، در یک جنگ نظامی علیه ایران، خاک وطن را حفظ کرد و اجازه کوچک‌ترین تعرضی به ایران را نداد؛ موضوعی که در حکومت‌های قبلی به‌ویژه پهلوی با وجود شعار «ایران‌گرایی» رخ داد.

پس از امام راحل، رهبر معظم انقلاب نیز همچنان اندیشه و سیره امام را تداوم بخشیدند و «مردم» را به عنوان مهم‌ترین رکن قدرت‌آفرین ملی و مبدأ و منشأ اقتدار و ثبات قرار دادند. توجه ایشان به جایگاه و نقش مردم، به پیش از دوران رهبری و حتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد؛ حضور مؤثر ایشان در دوران مبارزه و توجه به آگاهی‌بخشی عمومی و مبارزات فکری و اعتقادی در پرونده قطور رهبر معظم انقلاب در سازمان بدنام و مخوف ساواک و شکنجه‌های صورت گرفته و تبعیدهای ایشان کاملاً مشخص است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شخصیتی هستند که محل تبعید خود یعنی ایرانشهر را به مثابه «ایرانشهر» به مکانی برای ترویج معارف انقلاب قرار دادند و در شرایطی که حکومت پهلوی تصور می‌کرد ایشان را به شهری فرستاده که به دلیل اختلافات مذهبی، رنج و عذابی مضاعف برای ایشان ایجاد خواهد کرد؛ ایشان از این مکان و زمان خاص تبعید، ایده «هفته وحدت» و انسجام مسلمین را استخراج کردند، زیرا دغدغه اصلی رهبر معظم انقلاب که برآمده از مکتب بلند امام بوده و هست، «مردم» است حال با هر مذهب، زبان و نژادی. شاید یکی از مظاهر این نگاه را بتوان در پیام‌های ایشان به سایر ملت‌ها جست‌وجو کرد.

زمانی که مردم، مهم‌ترین رکن حکمرانی رهبر یک نظام سیاسی شدند؛ برخی مفاهیم و عناوین جایگاه و اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند مانند گفتمان‌سازی، فرهنگ عمومی و... و ابزارهای مختلفی نیز برای این موارد به‌کار گرفته می‌شود. یکی از ابعاد مردم‌سالاری در اندیشه امام و رهبر معظم انقلاب تأیید هویت ملی ایرانیان و تأکید بر توسعه عناصر متعالی آن است. توجه امامین انقلاب به آداب و سنت ایرانیان از جمله نوروز یکی از مصادیق این موضوع است. همچنان‌که از سال ۱۳۴۲، نوروز در مبارزات نهضت امام، نقش بسیار مهمی داشت تا اینکه در دوران رهبری هم امام و هم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با پیام‌های نوروزی درصدد بیان معارف دینی و انقلابی و توجه به آداب و سنت ملی بودند

نظام‌های سیاسی و اجتماعی در جهان، تفاوت‌های عمده‌ای با یکدیگر دارند که در ساختار حکمرانی آن‌ها نمود و بروز پیدا می‌کند. از ابعاد مهم این تفاوت‌ها، منشأ و مبدأ قدرت است؛ اینکه حکومت‌ها مشروعیت و اقتدار خود را بر چه اساسی پایه‌گذاری می‌کنند و سرمایه‌گذاری اصلی سیاسی و اجتماعی خود را در چه بخشی قرار می‌دهند. مثلاً حکومت‌های پادشاهی که متأسفانه در کشور ما نیز سابقه طولانی داشتند مبتنی بر خودکامگی رأس هرم شکل گرفته و سرمایه‌گذاری اصلی را نیز در اقشار خاص نزدیک به دربار و وفادار به شخص شاه و همچنین نظامیان انجام می‌دادند. درخصوص نظامیان نیز حفظ اقتدار و منافع ملی مطرح نبود بلکه تنها اولویت، حفظ منافع شخص شاه بود. از این رو در دوران پراختناق پهلوی با وجود سرمایه‌گذاری‌های عظیم در حوزه نظامی که مهم‌ترین هدف آن باید حفظ خاک میهن باشد شاهد جدایی بخش‌هایی از سرزمین ایران بودیم. امام خمینی(ره) از ابتدای نهضت تا پایان عمر شریف خود، بیشترین سرمایه‌گذاری را روی «مردم» انجام دادند و نه تنها در دوران مبارزه که ایشان توسط خاندان پهلوی دستگیر و تبعید شدند بلکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به عنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز مهم‌ترین رکن در منظومه فکری و سیره عملی ایشان، مردم بود؛ از این رو بیش از هر واژه‌ای در کلام و بیان امام از لفظ «مردم» و مشتقات آن استفاده شده است. جایگاه و اهمیت «مردم» در اندیشه امام راحل نه صرفاً یک شعار جذاب در مقابل حکومت دیکتاتوری شاه بلکه باور عمیق قلبی ایشان بود، به همین دلیل در تمامی عرصه‌های مدیریتی نیز بیش از هر مؤلفه‌ای به نقش مردم توجه داشتند. پس از پیروزی انقلاب، به واسطه حضور و نقش‌آفرینی مردم و از بین رفتن حکومتی خودکامه و دیکتاتور، به رهبری امام راحل، ایشان در شرایطی بودند که می‌توانستند هر نوع و مدل حکومتی را به تشخیص خود اعلام کنند ولی این موضوع را به انتخاب همان محور کانونی اندیشه امام، یعنی مردم واگذار کردند. برگزاری همه‌پرسی در ابتدای ماه‌های پیروزی انقلاب و در شرایطی که حکومتی نوپا هنوز تثبیت نشده بود، استاندارد و حد نصاب جدیدی از «مردم‌سالاری» در تاریخ انقلاب‌های بشری ثبت و ضبط کرد. ایجاد نهادهای انقلابی در سال‌های ابتدایی مبتنی بر نقش‌آفرینی مردم مانند «بسیج مستضعفین»، «جهاد سازندگی» و... بعد دیگری از نقش اجتماعی و فرهنگی مردم در نظام سیاسی برآمده

سرمقاله

سید محمدحسین علم الهدی

مدرس دانشگاه

و تحلیلگر رسانه

پس از امام راحل،  
رهبر معظم انقلاب  
نیز همچنان اندیشه  
و سیره امام را تداوم  
بخشیدند و «مردم»  
را به عنوان مهم‌ترین  
رکن قدرت‌آفرین ملی  
و مبدأ و منشأ اقتدار و  
ثبات قرار دادند. توجه  
ایشان به جایگاه و  
نقش مردم، به پیش  
از دوران رهبری و حتی  
پیش از پیروزی انقلاب  
اسلامی برمی‌گردد.



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۳



بیش از پیش به این مقولات و توجه جدی مردمی به آن‌هاست. همه آحاد ملت ایران به‌ویژه جوانان و نخبگان انقلابی باید خود را مخاطب اصلی شعار و نام سال بدانند و برای ایفای وظیفه در راستای تحقق آن برنامه‌ریزی مدونی داشته باشند. مهم‌ترین راهبرد امامین انقلاب برای دوران مبارزه، پیروزی، جنگ نظامی، جنگ اقتصادی، جنگ نرم، جنگ ادراکی و شناختی؛ گفتمان‌سازی و ارتقای فرهنگ عمومی است ولی به نظر می‌رسد متأسفانه با نام‌گذاری‌های صورت گرفته از سوی رهبر معظم انقلاب در این راستا تعامل و برخورد نشده و لازم است طراحی‌های نوین در این راستا صورت پذیرد.

بعد دیگری از این نام‌گذاری که تا حدی مغفول مانده توجه به «مفهوم‌سازی»‌های صورت گرفته از سوی معظم‌له است؛ در بیشتر موارد، مفاهیم مرسوم و معمول اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی مذهبی برای نام‌گذاری سال و یا تعیین شعار در نظر گرفته نشده بلکه از مفهوم‌سازی‌های جدید استفاده شده است. این عناوین و ترکیب‌های جدید استفاده شده را می‌توان هم در راستای تغییر واژگان برای توجه بیش از پیش به نام عنوان شده در نظر گرفت و هم اینکه مفاهیم مطرح شده، نسبت به مفاهیم قبلی، ارتقا یافته و ابعاد جدیدی را نیز دربر گرفته است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار «کارآفرینان، تولیدکنندگان و دانش‌بنیان‌ها» در ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۱ نکته‌ای را فرمودند که بعد دیگری از این نام‌گذاری را آشکار کرد؛ یعنی فرایند و سازوکار انتخاب نام و شعار. ایشان اظهار کردند: «من امسال شعار سال را این قرار دادم: «تولید؛ دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین»؛ این شاید تا حدودی متأثر بود از اظهارات دوستان در آن جلسه‌ای که سال گذشته داشتیم». حتماً در این مورد مانند سایر موارد، رهبر معظم انقلاب از نظرات و پیشنهادهای مطرح شده استفاده می‌کنند ولی این نام‌گذاری‌ها مبتنی بر واقعیات جامعه، با نگاهی آینده‌پژوهانه نسبت به مسیر حرکت کشور، آسیب‌های موجود و طراحی‌های دشمنان است آن هم نه مبتنی بر گزارش‌های کاغذی صرف، بلکه مشاهدات عینی و ارتباطات مستقیم رهبر فرزانه انقلاب؛ بنابراین همه افراد به‌ویژه نخبگان و افراد مرجع جامعه باید بیش از پیش به این نام‌گذاری‌ها توجه کنند و آن را در راستای اعمال رهبری و یکی از ابزارهای الگوی حکمرانی از سوی رهبر معظم انقلاب بدانند.

و به مرور از این پیام‌ها در راستای گفتمان‌سازی و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه نیز بهره بردند. ایجاد نام‌گذاری سال از سوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز دقیقاً در همین راستا تحلیل می‌شود. ایشان در سال‌های ابتدایی رهبری در پیام نوروزی به برخی مفاهیم و عناوین توصیه می‌فرمودند و شعاری را برای سال در نظر می‌گرفتند مانند «وجدان کاری و انضباط اجتماعی»، «مقابله با اسراف» و... ولی در سال ۱۳۷۸ که مصادف با صدمین سال ولادت امام راحل بود، فرمودند: «جا دارد که این سال را سال امام خمینی (ره) بدانیم و بنامیم» و سال را با عنوانی خاص نام‌گذاری کردند که در سال‌های بعد نیز تداوم پیدا کرد. برخی سال‌ها مزین به نام اهل بیت (ع) بودند، مانند پیامبر اعظم (ص)، امام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) و عزت و افتخار حسینی و گاهی ناظر به مفاهیم خاص سیاسی و اجتماعی مانند خدمتگزاری، پاسخ‌گویی، همبستگی ملی و مشارکت عمومی، اتحاد ملی و انسجام اسلامی و... بود. ولی از ابتدای دهه ۹۰ که دغدغه معظم‌له در زمینه شرایط اقتصادی به دلیل وجود برخی دولت‌ها بیشتر شد، نام و شعار سال بیشتر به سمت مسائل اقتصادی رفت، مانند جهاد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی اقدام و عمل؛ اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال، حمایت از کالای ایرانی، رونق تولید، جهش تولید، تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها و در سال ۱۴۰۱ نیز «تولید دانش بنیان و اشتغال آفرین» مطرح شد. نکته حائز اهمیت این است نام‌گذاری و تعیین شعار سال نه یک حرکت فرمالیته و نمایشی بلکه در راستای حکمرانی و مدل مدیریتی امامین انقلاب است، یعنی هر حرکت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در صورتی موفق خواهد شد که مردم در آن نقش‌آفرین باشند بنابراین رهبر معظم انقلاب چند بار از برخوردهای نمایشی و شوآف‌های صورت گرفته از طرف برخی در زمینه شعار سال گلایه کردند. برخی نیز مطرح می‌کنند بهتر است شعار سال در زمانی که بودجه کشور تدوین نشده، مطرح شود تا در بودجه دولت مورد توجه قرار گیرد، این درحالی است که شعار اقتصادی هم اگر مطرح می‌شود از جنس «اقتصاد مقاومتی» یعنی «اقتصاد مردم‌محور» است. نه اینکه قوای سه‌گانه و بخش‌های مختلف حاکمیت وظیفه‌ای در مقابل این نام‌گذاری ندارند بلکه این نام‌گذاری‌ها را باید در راستای اصول سیاست‌های کلی و اسناد بالادستی ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب تحلیل کرد که همه مسئولان با اصل این ایده‌ها آشنا بوده و وظیفه دارند و این تأکیدات برای توجه

**نکته حائز اهمیت این است که نام‌گذاری و تعیین شعار سال نه یک حرکت فرمالیته و نمایشی بلکه در راستای حکمرانی و مدل مدیریتی امامین انقلاب است، یعنی هر حرکت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در صورتی موفق خواهد شد که مردم در آن نقش‌آفرین باشند.**



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

مروری بر تبیین نظرات و آرای امام خمینی (ره) از منظر رهبر معظم انقلاب  
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چگونه این مسیر را ادامه دادند؟

## امتداد امام (ره)

از منظر رهبر معظم انقلاب نخستین ویژگی مکتب فکری امام خمینی (ره) این است که «متکی و مبتنی بر یک جهان بینی است که این جهان بینی عبارت است از توحید. همه فعالیت و همه منطوق او مبتنی بود بر توحید که زیربنای اصلی همه تفکرات اسلامی است».

«انقلاب اسلامی» تاریخ معاصر ایران را آنچنان تحت تأثیر قرار داد که سرمنشأ حرکتی عظیم و غیرقابل پیش‌بینی در عصر حاکمیت تمدن غرب بر جهان شد. وجود چنین نقطه عطفی در تاریخ ایران با رهبری بی‌کم و کاست امام خمینی (ره) محقق شد. از این رو بود که امام نه تنها امام روزهای پیش از رحلت خویش بود، بلکه امام روزها و سال‌های آینده نیز شد. امری که با رهبری و زعامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مقام نظر و عمل ادامه یافت و ایشان در جایگاه رهبری امت اسلامی، در فرصت‌های مختلف به تبیین اندیشه و راه امام راحل پرداخته و همچنان نیز می‌پردازند.

پس از رحلت امام خمینی (ره) آنچه برای ادامه راه ایشان ضرورت داشت، جلوگیری از تحریف خط مشی امام (ره) بود.

رهبر معظم انقلاب بارها عنوان کرده‌اند نخستین حربه دشمن، به فراموشی سپردن امام (ره) است.

ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «یک وقت هست که یک شخصیت را به کلی پامال می‌کنند. یعنی ذکر و یاد او را و اسم او را انساء می‌کنند؛ بعدها درباره یک انسانی، توطئه سکوت به وجود می‌آورند؛ درباره او حرف نمی‌زنند، از او سخنی نقل نمی‌کنند، از زیبایی‌ها و شگفتی‌های زندگی او مطلبی را یادآوری نمی‌کنند» بنابراین، بایستی مدام این توطئه شوم را خنثی کرد.

می‌توان به این مسئله اشاره کرد که رهبر معظم انقلاب از رهگذر تبیین مکتب امام خمینی (ره)، نقشه کلان منظومه فکری و عملی انقلاب اسلامی را ترسیم می‌کنند. رهبر معظم انقلاب با بیان ابعاد مختلف مکتب امام خمینی (ره)، مخاطب را پای درس ایشان آورده و در جایگاه یک شاگرد ممتاز، به تبیین این مکتب برای مخاطبان می‌پردازند.

شایان ذکر است رهبر معظم انقلاب، این اقدام را در راستای مقابله با دومین حربه دشمن که عبارت از تحریف و ایجاد انحراف در مکتب امام خمینی (ره) است انجام می‌دهند؛ ایشان در خصوص تحریف الگوها و اسوه‌های یک ملت می‌فرمایند: «پس ببینید که واقعاً این شیوه دشمن گرفته و ما امروز در مقابل یک تحریف چندین قرنی قرار داریم، ما در مقابل یک چنین انبوه مترامی از دروغ قرار داریم. بایستی از لابه‌لای این همه دروغ‌ها، این همه ظلمت‌های مترام، حقیقت منور را و حقیقت درخشان را کشف کنیم و بیرون بیاوریم. کار مشکلی هم هست، اما شدنی است».

### ■ تبیین مکتب امام خمینی (ره) از منظر رهبر معظم انقلاب

در مسیر مقابله با انحراف از شناخت مکتب امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب از زاویه‌های متعددی به تبیین این مکتب پرداخته‌اند.

تبیین اصول مکتب سیاسی امام (ره)، شاخصه‌های مکتب امام (ره)، اشاره به ابعاد سه‌گانه «عقلانیت»، «معنویت» و «عدالت» در مکتب امام خمینی (ره)، اشاره به اصول امام خمینی (ره) در ابعاد سیاست داخلی، سیاست خارجی، فرهنگ و اقتصاد، بیان اصول هفت‌گانه مکتب امام خمینی (ره)، ذکر مواردی نظیر «شخصیت قوی»، «صراحت در بیان»، «صداقت»، «ایمان» و «توکل» در بیان جذابیت‌های شخصیتی و «اسلام ناب»، «استقلال»، «آزادی»، «عدالت»، «سلطه‌ناپذیری»، «مردم‌سالاری»، «خودباوری» به عنوان جذابیت‌های شعار امام (ره) و... نشان‌دهنده اهمیت پرداختن به مکتب امام خمینی (ره) و توجه دائم به آن است.

مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب امام خمینی (ره) را می‌توان در چند محور بیان کرد که نشانگر نیاز همیشگی ملت به تمسک به این مکتب برای رشد و پیشرفت در عرصه‌های مختلف است. از منظر رهبر معظم انقلاب نخستین ویژگی مکتب فکری امام خمینی (ره) این است که «متکی و مبتنی بر یک جهان‌بینی است که این جهان‌بینی عبارت است از توحید. همه فعالیت و همه منطوق او مبتنی بود بر توحید که زیربنای اصلی همه تفکرات اسلامی است».

دومین ویژگی مکتب فکری امام خمینی (ره)، به‌روز بودن است؛ از نگاه رهبر معظم انقلاب، این مکتب «مسائل مورد ابتلای جوامع بشری و جامعه ایرانی را مطرح می‌کرد و مخاطبان، آن را حس می‌کردند». سومین و آخرین ویژگی مکتب امام خمینی (ره)، پویا، پرتحرک و عملیاتی بودن آن است؛ از منظر رهبر معظم انقلاب، این مکتب «مثل بعضی از اندیشه‌پردازی‌ها و تئوری‌سازی‌های روشنفکرانه نبود که در محفل بحث، حرف‌های زیبا و قشنگی است، اما در میدان عمل کارایی ندارد؛ منطوق امام، فکر امام، راه امام، عملیاتی بود؛ قابل تحقق در میدان عمل بود؛ به همین دلیل هم به پیروزی رسید و پیش رفت؛ این حرکت، مسیر تاریخ کشور ما را عوض کرد».

### ■ تلاش برای «حرکت جامعه در خط امام (ره)»

همچنین رهبر معظم انقلاب به تبیین عناصر برجسته‌ای از مکتب امام خمینی (ره) و تفصیل آن‌ها می‌پردازند که به نوعی، ارائه خوانشی جدید و به‌روز از اصل مورد نظر و تعیین راهبرد مقابله با مشکلات بر اساس اصل مذکور است. مؤلفه‌ای که در پرتو آن تلاش می‌شود، جامعه در مواجهه با چالش‌ها و مسیرهای مشقت‌بار، همواره در خط امام حرکت کرده و از مسیر اصلی منحرف نشود. به عنوان نمونه اشاره به دو آسیب جدی در خط امام (ره) با عنوان «تجحر و انفعال» در خرداد سال ۷۶، تبیین «شاخصه‌های



ویژه‌نامه قدس  
به مناسبت  
سخنرانی نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۵



احساس در سراسر وجود انسان بیشتر و عینی‌تر می‌شود که وجود ایشان همان خمینی است با اقتضائات جدید و با مسائل نوپدید که در زمان زعامت امام(ره) وجود نداشت.

بسیاری از اندیشه‌های امام خمینی(ره) در فرصت کوتاه رهبری ایشان فرصت تبدیل شدن به نظام پیدا نکرد. این مهم در دوران زعامت رهبر معظم انقلاب عملی شد. فلسفه سیاسی امام در قالب مردم‌سالاری دینی عرضه شد و در عمل هم تمام توان به کار رفت تا آسیب نبیند. صدور انقلاب که در آن زمان به کندی و تا حدودی بدون برنامه پیش می‌رفت، در این سه دهه نظام‌مند شد و با هزاران ساعت نفر مشاوره با استراتژیست‌های متخصص و جهادی تدوین و قدم به قدم در حال پیشروی و پیاده شدن طبق برنامه تعریف شده است. طرح بحث تهاجم فرهنگی و مبارزه با فساد از سه دهه پیش، طرح بحث موضوع علوم انسانی اسلامی، طرح نظریه اقتصاد مقاومتی و پیگیری‌های مجدانه حضرت ایشان از دیگر موضوعات بنیادی و کلیدی است که در سطح جامعه در راستای نظام‌سازی اسلامی مطرح کرده‌اند.

بیانیه مهم، مبتکرانه، متفکرانه و دوراندیشانه گام دوم در این راستا تهیه و ابلاغ شده است. امروز این قدرت نظام‌سازی رهبر معظم انقلاب تحسین دوست و دشمن را برانگیخته و دقیقاً مثل زمان امام دیگر بزرگی نمانده که در قبال عظمت و کاردانی ایشان سر تسلیم فرود نیابد.

#### منابع:

تحلیل بر بیانات ۱۴ خرداد/سید مصطفی موسوی پژوهشگر هسته مکتب امام(ره) در مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)  
امام خمینی از دیدگاه مقام معظم رهبری/قدرت الله بهرامی (کارشناس ارشد علوم سیاسی)  
آیت الله خامنه ای امتداد شکوهمند امام خمینی/حجت الاسلام دکتر محمد عرب صالحی

حضور در مکتب امام(ره)» پس از وقایع سال ۸۸، اشاره به مسئله «تحریف شخصیت امام خمینی(ره)» در خرداد سال ۹۴ همزمان با ارائه روایت‌های متضاد و متناقض از مکتب و سیره امام(ره)، تبیین «منطق مقاومت» در اندیشه امام خمینی(ره) همزمان با اوج مذاکرات هسته‌ای پس از بدعهدی آمریکا در برجام در سال ۹۸، ترسیم «امام تحول» و رویکرد تحول‌خواهی امام(ره) در سال ۹۹ و در طلیعه گام دوم انقلاب اسلامی، همه و همه نشان‌دهنده ارائه روش حرکت و مقابله با چالش‌های موجود از جانب رهبر معظم انقلاب به امت اسلامی در راستای امتداد حرکت در خط امام(ره) است. مؤلفه دیگری که می‌توان در بیانات رهبر معظم انقلاب ملاحظه کرد، نگاه تمدنی به امام خمینی(ره) و تأثیر ایشان بر آینده بشریت است. در درجه اول، نسبت امام خمینی(ره) با جهان اسلام و در درجه دوم نسبت ایشان با جامعه جهانی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. ارائه تحلیل‌های گسترده در خصوص مسائل پیرامون مراسم رحلت امام خمینی(ره) مؤیدی بر وجود نوعی پیوند میان مکتب امام خمینی(ره) به عنوان مکتبی زنده و بالنده با مسائلی آن سوی مرزهای جمهوری اسلامی است.

#### ■ تئوریزه کردن اندیشه‌های امام خمینی(ره) و نظام‌سازی برای آن

برای بسیاری باورکردنی نبود پس از امام خمینی(ره) آن یگانه دوران با آن عظمت مثال‌زدنی کسی بتواند جای خالی ایشان را پر کند اما امروز پس از گذشت بیش از سه دهه از زعامت این حکیم فرزانه و ورود به دهه چهارم با یک نگاه به گذشته به نظر می‌رسد شخصیت عظیم ایشان هم مثل امام خمینی(ره) نیاز به بازخوانی و مطالعه جدی‌تر و عمیق‌تر دارد. امتداد امام خمینی(ره) در تمام صحنه‌های سخت تصمیم‌گیری و اداره کشور، مهار بحران‌های داخلی و خارجی، به خاک انداختن تمام رقیبان پرمدعا و دشمن مستکبر و... با همان صلابت و استواری و شکوه، با همان حکمت و حلم و دوراندیشی دیده می‌شود. هر چه در این سه دهه به این سو حرکت کنیم این

هر چه در این سه  
دهه به این سو حرکت  
کنیم این احساس در  
سراسر وجود انسان  
بیشتر و عینی‌تر  
می‌شود که وجود  
ایشان همان خمینی  
است با اقتضائات  
جدید و با مسائل  
نوپدید که در زمان  
زعامت امام(ره) وجود  
نداشت.



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۶



ویژگی‌های خاص سخنرانی‌های نوروزی رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی در گفت‌وگو با احمد رهدار

# ریل‌گذاری برای پیشرفت کشور

کسی نمی‌تواند منکر اهمیت و شدت تأثیرگذاری سخنرانی‌های نوروزی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر جامعه در مکانی قدسی و منتسب به حضرت امام رضا (ع) در جمع مردم باشد. سخنرانی‌ای که تشریح و تفصیل شعار سالی می‌شود که در پیام کوتاه نوروزی ایشان به‌عنوان یک راهبرد کلی به همه دستگاه‌های ذیل ساختار جمهوری اسلامی در همان لحظه شروع سال ابلاغ می‌شود. اهمیت این دیدار و سخنرانی رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر رضوی در نخستین روز سال خورشیدی ما را بر آن داشت که درباره ویژگی‌های این مراسم با حجت‌الاسلام دکتر احمد رهدار، عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم (ع) گفت‌وگو کنیم. مشروح این گفت‌وگو و شنود را در ادامه می‌خوانید.

گفتن و یکی دو پاراگراف حرف زدن یک میزبان در ابتدای همایش باشد.

■ خود مواجهه با ملت در شروع سال جدید، چه وجه متمایزی از بقیه سخنرانی‌ها و خطابه‌های رهبری دارد؟

این یک نکته مهم است که این بداعت و خلاقیت را صرفاً به لحاظ شکلی و کلماتی لحاظ نکنیم؛ به اصطلاح یک تجربه منحصر به فرد در الگویی از الگوهای دینی برای هدایت جامعه است. به تعبیر دیگر بگویم یک تکه از پازل الگوی مدیریت بومی در تجربه مدیریت اسلامی یا به طور خاص مدیریت شیعی است. حتی می‌شود در خصوص این اتفاق تأمل نظری کرد و آن را تئوریزه کرد، مصادیق زمانی و مکانی آن را استخراج و آن را به یک الگو و نظریه قابل تعمیم بدل کرد؛ ارزش این خلاقیت و بداعت به این است که این استعداد و کیفیت را دارد که بدل به یک نظریه شود و به‌عنوان یک الگو همه کشورها از آن

■ نگاه شما به سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب در نخستین روز سال، آن هم در جمع مردم چیست؟

به نظرم این رویکرد، یک رویکرد بدیع و منحصر به فرد در سراسر جهان است. ما هیچ موردی نداریم که یک رهبر عالی در یک جامعه در اول سال همان کشور که حالا میلادی یا قمری باشد، در بیاناتی آگاهانه و به صورت برنامه‌ریزی شده و مسبوق به تدبیر و تأمل و جهت‌دار، نکاتی را به ملتش بگوید و در واقع با این نکات، ریل‌کلیان پژوهشی، برنامه‌ریزی، تخصیص بودجه‌ای و امثالهم را رقم بزند. معمول در دنیا این است که رجال سیاسی، رئیس‌جمهور وقت یک کشور یا حتی ممکن است پادشاه یک کشور - در کشورهایی همچون برخی کشورهای اروپایی که سیستم پادشاهی دارند - پیام خیلی کوتاهی به این اندازه و مضمون می‌دهند که مثلاً امیدواریم سال نو شما سال خوبی باشد. در واقع صرفاً یک پیام تبریک است و در نهایت شاید به طول و تفصیل خیرمقدم

گفت‌وگو

محسن فاطمی‌نژاد

این رویداد یک تکه از پازل الگوی مدیریت بومی در تجربه مدیریت اسلامی یا به طور خاص مدیریت شیعی است. حتی می‌شود در خصوص این اتفاق تأمل نظری کرد و آن را تئوریزه کرد، مصادیق زمانی و مکانی آن را استخراج و آن را به یک الگو و نظریه قابل تعمیم بدل کرد.



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

V

**کسی اگر به عناوین  
انتخاب شده هر سال  
توسط حضرت آقا  
مراجعه کند به وضوح  
متوجه می‌شود که  
ایشان با یک ذوق و  
عنایتی مسبوق به  
مشورت‌ها و کارهای  
کارشناسی شده،  
عناوین را انتخاب  
کردند.  
این نام‌گذاری‌ها  
کاملاً نقطه‌زنی‌های  
مناسب با نیاز کشور  
در آن سال و هم در  
راستای پروژه توسعه و  
پیشرفت کشور بودند.**

■ یک مسئله، مقوله شعار سال است. ما می‌بینیم خود این مقوله در اول سال جزو پرسش‌ها و گفت‌وگوهای معمول بین مردم است. چه مشخصه‌ای انتخاب شعار سال و سخنرانی نوروزی رهبری را تا این حد برجسته و تأثیرگذار می‌کند؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت سخنرانی رهبر معظم انقلاب در ابتدای هر سال با این وصف که ایشان یک رهبر عالی و ثابت در نظام سیاسی جمهوری اسلامی هستند، اهمیت پیدا می‌کند. در پاسخ به پرسش اول اشاره کردم چه بسا رئیس‌جمهور یک کشوری نیز در اول سال بیاید و یک تبریکی بگوید و آرزوی خوشبختی برای ملتش بکند و یکی دو کلام هم حرف بزند.

در بهترین شرایط این افراد می‌توانند در چنین پیام‌هایی، برنامه‌ریزی ۸ یا ۱۰ساله داشته باشند. در حالی که بنده اگر اشتباه نکنم، از سال ۷۸ بود که رهبر معظم انقلاب این ابتکار را به خرج دادند و آن سال را سال امام خمینی (ره) و سال بعدی‌اش را سال امام علی (ع) نام‌گذاری کردند. از همان سال‌ها، هر سال حضرت آقا عنوان سال انتخاب می‌کردند و سخنرانی‌ها همین مدلی بود. به عبارتی ما بیست و چند سال است که تجربه اینکه در آغاز هر سال کلام نورانی ایشان را با یک عنوان و تیتیر دریافت می‌کنیم داریم. کسی اگر به عناوین انتخاب شده هر سال توسط حضرت آقا مراجعه کند به وضوح متوجه می‌شود که ایشان با یک ذوق و عنایتی مسبوق به مشورت‌ها و کارهای کارشناسی شده، عناوین را انتخاب کردند. مثلاً در سال‌هایی که کشور ما بیشتر گرفتار تشدید تحریم‌های ظالمانه جبهه استکبار بود، نوعاً عناوین سال را با عناوین اقتصادی نام‌گذاری کردند؛ یا عناوینی که خروجی آن‌ها، کارآمدی نظام را به نفع ملت بالا می‌برد؛ از سالی که به عنوان «وجدان کاری» نام‌گذاری شد تا سالی که «حمایت از تولید ملی» شد تا سالی که حرف از دانش‌بنیان‌ها شد و بحث «جهش تولید» و ...

این نام‌گذاری‌ها کاملاً نقطه‌زنی‌های مناسب با نیاز کشور در آن سال و هم در راستای پروژه توسعه و پیشرفت کشور بودند. این نقطه‌زنی‌ها انگار نقشه مهندسی پیشرفت کشور را نشانه می‌روند. کسی می‌تواند روی این نقشه برنامه‌ریزی کند که یک دوام و ثباتی در جریان مدیریتی خودش داشته باشد. این الگوی ولایت فقیه و منصب ولایت فقیه که امام (ره) به ما هدیه دادند، از این امتیاز برخوردار است که عالی‌ترین سطح مدیریت جامعه ما، از دستگاه ثابت مدیریتی به اسم ولی فقیه برخوردار است که حسب قانون و حسب برداشت رسالتش تنظیم ریل‌های اساسی، مبانی حرکت و افق‌های پیش روی ملت است. ایشان در این جایگاه دارند نزدیک به بیست و چند سال عناوینی را برای ملتشان تنظیم می‌کنند که آن عناوین، عناوین جهت‌بخش و امیدوارکننده است.

■ به یاد دارم در نشست گفتید «ما باید پیوستگی تاریخی‌مان را در مفهومی از جنس «امام» پیگیری کنیم» این حضور و ارتباط امام و امتی در مکانی منسوب و متعلق به یک امام یعنی حضرت رضا (ع) را از این منظر چگونه باید تحلیل کرد؟

آن مفهوم برای من مهم است؛ یعنی آن «پیوستگی تاریخی» که تاریخمان را به منزله یک بافتار ببینیم و به صورت گسست نبینیم. برای همین است نکته اخیری که گفتم رهبر عالی دینی در عالی‌ترین سطح آن هم از جایگاه مدیریتی ثابت، نقشه مهندسی پیشرفت کشور را تنظیم و مطابق با نیاز سال آن را طراحی می‌کنند، یعنی واقعاً همان دغدغه‌ای که آگاهانه دارد پیوستار تاریخی ایران را مدیریت می‌کند و به جای گسست دارد آن پیوستگی را رقم می‌زند؛ از این جهت واقعاً حائز اهمیت است.



استفاده کنند.

نکته بعدی این است که به گمان من در بین همه اجتماعاتی که در طول سال در کشور خودمان داریم - که کم هم نیستند و از این دست اجتماعات زیاد داریم - مثل اجتماع‌های سیاسی، مذهبی و اقتضایی، اگر بخواهیم روی مناسبتی انگشت بگذاریم که اجتماع آن مناسبت به معنی دقیق کلمه، چکیده کل ملت ایران باشد، به دو مورد منحصر به فرد می‌رسیم؛ یکی مراسم ۱۴خرداد در حرم امام خمینی (ره) است و یکی مراسم روز اول نوروز در مشهد. ویژگی مشترک این دو مراسم این است که از همه صنوف، همه اقشار قومی، سیاسی، مذهبی و فکری حضور دارند؛ یعنی شما نمی‌توانید بگویید در مشهد و در مراسم روز اول سال شمسی مثلاً فقط خانم‌ها هستند و آقایان نیستند یا برعکس؛ یا فرض بفرمایید بگویید فقط تحصیلکرده‌ها هستند و غیرتحصیلکرده‌ها نیستند و... ما صنوف مختلف از کل کشور را در سخنرانی نوروزی رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر می‌بینیم و در مراسم ۱۴خرداد هم همین طور است. این در حالی است که شما در هیچ مجلسی، حتی در مجالسی که در دفتر حضرت آقا در تهران برگزار می‌شود نمی‌توانید مدعی باشید از همه صنوف هستند؛ اقتضا و شرایط آن مکان هم چنین امکانی را ندارد. برای مناسبت‌هایی چون روز جهانی قدس، ۲۲بهمن و ۱۳آبان هم چون شهر به شهر برگزار می‌شود، شما نمی‌توانید مدعی باشید از جای‌جای کشور در یک شهر برای اجتماع جمع شده باشند.

بنابراین سخنرانی نوروزی از این جهت، مراسم ویژه‌ای است؛ به عبارتی آنجا حرف‌های رهبر معظم انقلاب دارد برای چکیده ملت گفته می‌شود. حتی عکس‌العملی که نسبت به بیانات ایشان نشان داده می‌شود، شعاری که داده می‌شود و تأیید و لبیک‌هایی که گفته می‌شود، به تعبیر دقیق کلمه در آن مراسم، تأیید ملت تلقی خواهد شد.

■ خود انتخاب یک فضای قدسی همچون حرم مطهر امام رضا (ع)، حامل چه تأثیر و پیامی غیر از حضور اقشار و صنوف مختلف در این سخنرانی است؟

مهم‌ترین و بزرگ‌ترین سرمایه معنوی ما ایرانی‌ها، امام رئوف (ع) ماست. اینکه مثلاً آغاز سال جدید خودمان را با پیام سرشار از معرفت، نشاط، امید و جهت‌بخشی رهبر معظم انقلاب از آنجا آغاز می‌کنیم به وضوح بیانگر این نکته نیز هست که اگرچه تهران رسماً پایتخت سیاسی ماست، ولی بی‌شک پایتخت فرهنگی و معنوی و حتی پایتخت علمی ما مشهد است. من سراغ ندارم و نشنیده‌ام که کسی حالش با آن پیام و سخنرانی حضرت آقا در اول سال در مشهد جا نیاید و به مذاقش خوش نیامده باشد. این خوش آمدن اگر چه بخشی مرهون آن ایام است - در هر حال ایرانی‌ها اول سال شمسی خودشان را خوش هستند - ولی بخشی مربوط به محتوایی است که خود رهبری در آن سخنرانی مطرح می‌کنند.

بخشی مربوط به آن فضایی است که به ملکوت حرم حضرت رضا (ع) برمی‌گردد؛ یک حسی است که نمی‌شود خیلی آن را توضیح

داد ولی همه ما این را احساس می‌کنیم و خیلی نیاز به توضیح نیست. این خودش نعمتی است که خیلی از کشورها از داشتن آن محروم هستند؛ آن‌ها احتمالاً ارزش نکته‌ای که عرض کردم را بهتر درک می‌کنند. ما از زمانی که چشم‌هایمان را باز کردیم، سر سفره علی بن موسی الرضا (ع) بودیم و این نعم و نعمت ادامه پیدا کرده است و سر سفره سال نو ما نام علی بن موسی الرضا (ع)، کانونش، فضا و حال و هوایش آمده و مضاعف شده است؛ این یک نعمت خاص و ویژه است و الحمدلله ما هر ساله از آن بهره می‌گیریم.



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۸

گفت‌وگو

محسن فاطمی‌نژاد

# نظام امام و امت بر مدار قدرت منطق شکل می‌گیرد نه منطق قدرت



گفت‌وگو با مهدی ناظمی اردکانی، دبیر کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره نقش مردم در نقشه مدیریت کلان جمهوری اسلامی

در تحلیل نگاه راهبردی و مدیریتی رهبر معظم انقلاب، بررسی نقشی که ایشان برای مردم قائل هستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شاید مخاطب قرار دادن عموم مردم برای تفصیل راهبردهای تعیین شده حول شعار محوری ابتدای سال و تشریح آنچه کشور در یک سال گذشته از سر گذرانده است، آن هم در نخستین روز سال، حامل معنایی از همین جنس باشد. به همین جهت، نقش مردم در نقشه مدیریت کلان جمهوری اسلامی را محور گفت‌وگو با دکتر مهدی ناظمی اردکانی، دبیر کارگروه مدیریت کلان دستگاه‌های فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) قرار دادیم که در ادامه می‌خوانید.

مقابل جبهه استکبار توانسته از مرزهای تقوا، علم، فضیلت و ولایت دفاع کند.

از انقلاب اسلامی درس‌آموخته‌های فراوانی وجود دارد؛ از بهمن ۵۷ تا امروز. این درس‌آموخته‌ها هم برای دوستان و طرفداران انقلاب اسلامی و هم برای دشمنان انقلاب اسلامی کاملاً جای توجه و تأمل است. هر چقدر به این درس‌آموخته‌ها توجه و تأمل بیشتری داشته باشیم، راه انقلاب اسلامی را می‌توانیم هموارتر بسازیم. رهبر معظم انقلاب با بیانیه گام دوم، این آموخته‌ها را به ما عرضه کردند و محورهای اساسی‌اش را متذکر شدند؛ پس جا دارد که بیش از پیش به تبیین و تحلیل آن و عمق‌کاوی این بیانیه بیشتر بپردازیم.

می‌خواهیم روی همین مسئله تمرکز کنیم؛ یعنی نقش و ارتباط مردم در نظامی مبتنی بر رابطه امام و امت. این ارتباط چطور می‌تواند در نظامات اداری و اجرایی مبتنی بر دولت - ملت مدرن، موجبات کارآمدی را فراهم کند؟

برای پاسخ به این پرسش خوب است به این مسئله رجوع کنیم که اساساً موجبات پیروزی انقلاب اسلامی چه بود؟ امروز اگر می‌بینیم دشمنان انقلاب اسلامی دوباره در پی احیای نظام سلطنتی هستند - همان‌هایی که ادعای دموکراسی آن‌ها گوش دنیا را کر کرده است - در واقع دارند خودشان را رسوا می‌کنند. خود مردم ما به خوبی دریافته‌اند نظام سلطنتی، نظامی نیست که بتواند دنیا و آخرت آن‌ها را بسازد و پیروی از یک شخص جاهل، شهوت‌ران و فاسد نمی‌تواند

■ یک مسئله مهم در نقشه مدیریت کلان جمهوری اسلامی، نقشی است که برای مردم در آن تعریف می‌شود؛ به عبارتی، مردمی که در حدوث انقلاب نقش داشتند، چطور می‌توانند نقشی مستمر در ادامه آن و به‌خصوص نظامات شکل گرفته پس از انقلاب داشته باشند؟

باید به این موضوع توجه داشت که انقلاب اسلامی اصولاً آمده است تا مردم را برای حل مسائل - نه تنها مسائل خودشان بلکه مسائل جهان - به عرصه آورده و مشارکت دهد، از این جهت به عنوان «دولت مردمی» می‌رسیم یعنی دولتی که همه مردم در آن مشارکت دارند. الگوی به اصطلاح اسلامی و انقلابی دولت، چنین دولتی است.

گام دوم انقلاب اسلامی با بیانیه‌ای که رهبر معظم انقلاب مرقوم فرمودند و به ملت عرضه داشتند در راستای چنین امر مهمی است. تا زمانی که دولت جمهوری اسلامی که باید در خدمت مردم باشد و بتواند همه مسائل و مشکلات را حل کند، به سمتی حرکت نکند که مردم را در حل همه مسائل - کلان و خرد - مشارکت دهد، نمی‌تواند به صورت کامل از عهده خدمتگزاری بر بیاید. یعنی انقلاب اسلامی استمرارش بر این است که مردم را به صورت کامل به عرصه بیاورد؛ مردمی که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش داشتند و بر اساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی جهاد کردند، در مقابل دشمنان اسلام با پاکی و صفا و صمیمیت و تقوا و حکمت ایستادند و تا امروز انقلاب اسلامی به برکت چنین ایستادگی در

اصلی‌ترین دلیل  
پیروزی انقلاب  
اسلامی، پیروی امت  
از امام بود و استمرار  
انقلاب اسلامی هم  
در گرو همین اصل  
بی‌بدیل است. نظام  
جمهوری اسلامی  
در صورتی پایدار و  
منسجم خواهد بود  
و می‌تواند در دنیا  
به‌عنوان یک الگوی  
الهام‌بخش تلقی شود  
که این اصل اساسی  
پیروی امت از امام را به  
خوبی نشان دهد





ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

**انقلاب اسلامی  
رویکرد نوینی دارد و  
نظامات جدیدی ارائه  
می‌کند؛ بنابراین اگر  
بخواهیم ماهیت  
انقلاب اسلامی را  
درک کنیم، برخاسته  
از مقابله با زر و زور و  
تزویر است؛ یعنی اگر  
نظامات و سازوکارها  
و قوانین و مقرراتی بر  
اساس زر و زور و تزویر  
تنظیم شده باشد،  
انقلاب اسلامی با آن  
سازگاری ندارد.**

در فقر و ناداری و مشقت زندگی نکنند. جامعه به گونه‌ای نباشد که بخشی از افراد جامعه منزلت‌های اجتماعی بسیار بالا و بی‌حساب و کتاب داشته باشند و بخشی از افراد جامعه شأن انسانی‌شان رعایت نشود؛ یا برای مثال در حوزه فرهنگی، عقاید و باورهای انسانی و الهی، در جایگاه خودش قرار نگیرد و عقاید و باورهای حیوانی و پست و مبتذل بر جامعه حاکم باشد.

این امور به هر حال باید در داخل این نظامات به خوبی تنظیم شود و اداره‌کنندگان جامعه بر اساس این نظامات عمل کنند. این نظامات امروز در دنیا بر اساس فرهنگ و ارزش‌هایی طراحی شده و امور انسان‌ها به گونه‌ای تنظیم شده است که حتی انسان‌هایی که در کشورهای غربی هم زندگی می‌کنند، از این وضعیت رضایت لازم را ندارند؛ چرا که امور بر اساس نظاماتی است که با فطرت و طبیعت انسانی سازگاری ندارد. شاهد خیلی از مسائل و مشکلات اخلاقی امروز در جوامع هستیم که اسم تمدن را همراه خودشان دارند و به عنوان جوامع و کشورهای توسعه یافته تلقی می‌شوند؛ وقتی که به این جوامع نگاه می‌کنیم، انسان‌ها از آرامش لازم برخوردار نیستند.

انقلاب اسلامی رویکرد نوینی دارد و نظامات جدیدی ارائه می‌کند؛ بنابراین اگر بخواهیم ماهیت انقلاب اسلامی را درک کنیم، برخاسته از مقابله با زر و زور و تزویر است؛ یعنی اگر نظامات و سازوکارها و قوانین و مقرراتی بر اساس زر و زور و تزویر تنظیم شده باشد، انقلاب اسلامی با آن سازگاری ندارد. انقلاب اسلامی مبتنی بر فهم انسان‌ها، آگاهی انسان‌ها، عدالت در جامعه، اخوت و همدلی و مواسات بین همه جوامع است بنابراین با زر و زور و تزویر مخالف است و در عرصه‌های مختلف خودش را نشان داده که چگونه دارد با این ویژگی فرهنگ و تمدن غربی و نظامات برخاسته از آن مقابله می‌کند. منطق انقلاب اسلامی، منطق قدرت نیست؛ یعنی قدرت آخرین حرف را نمی‌زند. اکنون در دنیا و تمدن غرب، قدرت آخرین حرف را می‌زند و قدرت هم به معنای صرفاً قدرت نظامی و تسلیحاتی نیست. وقتی قدرت گفتیم، یعنی اختیار تصمیم‌گیری؛ یعنی اختیار تصمیم‌گیری به مجامع و جایگاه‌هایی سپرده می‌شود که این دولت‌ها صلاحیت‌های فکری و اخلاقی لازم را ندارند، مصالح انسان‌های جامعه را درک نمی‌کنند و منبعث از وحی نمی‌توانند تصمیم بگیرند؛ منطقی که امروز در دنیا آمریکا به‌عنوان شیطان بزرگ و قدرت‌های اروپایی به تبع آن، به دنبال اعمال آن در جهان هستند. می‌گویند چون ما قدرت برتر نظامی و قدرت اقتصادی هستیم، باید تصمیم ما را بپذیرید؛ یعنی تصمیم‌گیری متمرکز که پشتوانه‌اش را قدرت اقتصادی و نظامی قرار داده‌اند. وقتی جمهوری اسلامی را تحریم می‌کنند دارند از منطق قدرت حرف می‌زنند؛ یعنی می‌گویند چون ما منابع اقتصادی دنیا را به گونه‌ای در اختیار داریم، بر نظام بانکداری جهانی مسلط هستیم، پس باید به تصمیمی که ما می‌گیریم، عمل کنید؛ و پشت آن هم صهیونیسم بین‌المللی و جنایتکارانی هستند که بشریت و انسانیت برایشان موضوعیت ندارد و حاضرند از هر وسیله‌ای استفاده کنند و هر گونه تجاوز، زور و جنایت را انجام دهند تا تصمیماتشان را بر جهان حاکم کنند؛ بنابراین نظامات موجود که چه بسا خود ما هم تقلید و در کشورمان مستقر کردیم، بر منطق قدرت استوار هستند.

■ پرسش اینجاست که چه سازه‌ای قرار است جایگزین این «منطق قدرت» باشد؟

ما در مقابل باید خودمان را به «قدرت منطق» مجهز کنیم. انسان با قدرت منطق رشد می‌کند و به موجب همین قدرت منطق است که نظام ولایت شکل می‌گیرد. پیروی از امام با آگاهی، هوشیاری و درایت است، پس نظام امام و امت را بر منطق قدرت نمی‌توان

برای آن‌ها زندگی دنیایی و زندگی اخروی بسازد؛ بنابراین آن‌ها پیروی از یک انسان فاضل، عالم، انقلابی، مصلح و متقی چون امام را در دستور کارشان قرار دادند و پیروزی انقلاب اسلامی حاصل پیروی امت از امام بود. امامی که دشمن‌شناس بود، منافع ملی را می‌شناخت، عاشقانه ملت را دوست داشت و عالم به راه بود. امامی که علم خود را، دل خود را و ذهن خود را به خدا سپرده بود و در راه اصلاح امت و ملت خودش از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. بنابراین اصلی‌ترین دلیل پیروزی انقلاب اسلامی، پیروی امت از امام بود و استمرار انقلاب اسلامی هم در گرو همین اصل بی‌بدیل است. نظام جمهوری اسلامی در صورتی پایدار و منسجم خواهد بود و می‌تواند در دنیا به‌عنوان یک الگوی الهام‌بخش تلقی شود که این اصل اساسی پیروی امت از امام را به خوبی نشان دهد. الحمدلله تاکنون مردم ما در پیروی از این اصل آزمون‌های خوبی دادند ولی دولت‌های ما بعضاً در این آزمون به موفقیت نرسیدند. امیدواریم دولت کنونی، این اصل را به خوبی رعایت کند و موجبات استمرار و پیروزی انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف را فراهم آورد.

■ در مورد خود نظامات اداری چطور؟

انقلاب اسلامی اصولاً حرکتی است که در سازوکار و نظامات اداره امور جامعه تغییر ایجاد می‌کند. امروز دنیا، نظاماتی دارد و سازوکارهایی برای اداره جوامع و جهان مدنظرش است. سازمان ملل و شورای امنیتی درست کرده تا جهان را اداره کنند. همچنین سازمان‌های مختلفی در حوزه اقتصادی مثل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ایجاد کرده‌اند یا در نظامات اجتماعی، سازمان‌هایی مثل یونسکو و کمیسیون‌های تابعه را ایجاد کردند. در حوزه‌های فنی و علمی هم به ظاهر مجموعه‌هایی با عناوینی همچون خلع سلاح یا تدابیری نظیر آن ایجاد کرده‌اند که این نظامات امروز در جهان حاکم است. انقلاب اسلامی اما به دنبال این است چه در سطح جهانی و چه در سطح ملی، تحول ایجاد کند؛ بنابراین رهبری انقلاب اسلامی برای استمرار این انقلاب، تحول در این نظامات و سازوکارهای جامعه را مدنظر قرار داده و این تحول هم مبتنی بر معارف دینی است که رهبری انقلاب از قرآن و سنت استنباط کرده‌اند.

بنابراین برای استمرار انقلاب اسلامی باید در این نظامات و سازوکارها تغییر ایجاد شود؛ البته به موازات تغییر در این نظامات و سازوکارها، تحول و تغییر در انسان‌هایی که در این نظامات و براساس این سازوکارها هم عمل می‌کنند، ایجاد می‌شود؛ این دو لازم و ملزوم همدیگر هستند.

■ به طور مشخص، این نظامات چه حوزه‌هایی را در برمی‌گیرند و چه تغییراتی باید در آن‌ها اعمال شود؟

ما چهار نظام را می‌توانیم مدنظر قرار دهیم: نظام فرهنگی، نظام سیاسی، نظام اقتصادی و نظام اجتماعی؛ این نظامات هستند که امور مردم و جامعه را تنظیم می‌کنند. نظام اقتصادی بحث تولید، توزیع و مصرف و نیازهای افراد یک جامعه را در ارتباط با طبیعت تنظیم می‌کند. نظام سیاسی ارتباط قدرت را در سلسله مراتب آن، نظام اجتماعی ارتباط انسان‌ها با همدیگر را و نظام فرهنگی هم رابطه انسان‌ها را با خود و خدا تنظیم می‌کند. مهم این است که این نظامات چگونه و بر چه اساسی باید شکل بگیرند تا این تنظیم امور در جامعه به گونه‌ای باشد که دست‌کم نیازهای همه انسان‌ها به صورت جامع و متعادل تأمین شود. نتیجه این تنظیم‌گری باید این باشد که در یک جامعه، قشری از آن، آن قدر ثروت نداشته باشند که ندانند چه باید بکنند و از آن طرف هم بخشی از جامعه



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۱۰

استوار کرد؛ باید بر قدرت منطق استوار شود که همین گونه نیز بوده است. حضرت امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، سال‌های سال تلاش کردند پیروان خودشان را با معارف اسلامی آشنا کنند و دشمنان اسلام و انقلاب را به آن‌ها بشناسانند. همین که حضرت امام (ره)، دشمن اصلی اسلام و انسانیت را در دنیا، شیطان بزرگ یعنی آمریکا می‌دانند و اعلام می‌کنند همین هدف‌گیری شیطان بزرگ به عنوان مظهر منطق قدرت در جهان، موجب پیروزی انقلاب اسلامی می‌شود؛ یعنی باید اول «بت بزرگ» را زد تا شیاطین کوچک و بت‌های کوچک نیز قدرت خودشان را از دست بدهند. هدف انقلاب اسلامی اصولاً رشد و تکامل انسان‌هاست یعنی انقلاب اسلامی آمده است و استمرار پیدا می‌کند تا نظاماتی را شکل بدهد که در آن، انسان‌ها به رشد و تکامل لازم برسند.

نظامات مبتنی بر منطق قدرت موجبات رشد و تکامل انسان‌ها را فراهم نمی‌کند و انسان‌ها را به آسایش و آرامش لازم نمی‌رساند؛ بنابراین انقلاب اسلامی باید این نظامات را از جمهوری اسلامی دفع کند و به جای آن نظاماتی را مستقر کند که وقتی مردم در نسبت با این نظامات و سازوکارهای موجود در آن زیست کردند، به رشد و تکامل برسند. نظاماتی که مبتنی بر منطق قدرت شکل گرفته و امروز تمدن غرب مبتنی بر آن است، مردم را از عرصه خارج می‌کند و نقش مردم را در ساخت سرنوشت انسانی خودشان از آن‌ها می‌گیرد و تصمیم‌گیری‌ها را به قطب‌های قدرت و ثروت واگذار می‌کند ولی نظاماتی که بر اساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی باشد، درست برعکس، مردم را به عرصه می‌آورد و آن‌ها را در سرنوشت خودشان دخیل می‌کند و به توانایی‌های لازمی که خداوند مقرر کرده است، می‌رساند.

#### ■ برای چنین تجربه‌ای آیا شاهد مثالی وجود دارد که بشود به آن ارجاع داد؟

به صورت واضح و روشن، ما نمونه‌اش را در دوران دفاع مقدس دیدیم. در دوران دفاع مقدس، مردم جامعه و مستضعفین به عرصه آمدند و بر اساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی خودشان و در نظام امام و امت حماسه‌هایی آفریدند که در طول تاریخ خیلی از ملت‌ها، بی‌نظیر است؛ ما باید همان مسیر را دنبال کنیم. اگر مردم در عرصه باشند، هم انقلاب اسلامی استمرار پیدا می‌کند، هم مسائل و مشکلات پیش روی مردم در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حل می‌شود و هم الگوی الهام‌بخشی برای دیگر ملت‌ها و کشورها خواهیم بود اما متأسفانه به این مسئله توجه کمی شده است؛ ما در دولت‌های بعد از دفاع مقدس، دیدیم به این مهم توجه جدی نشده است و مردم عملاً از عرصه خارج شدند. وقتی مردم از عرصه خارج شوند، درست است که دولت‌هایی مثل دولتی که در کشور ما مستقر می‌شود - منابع و پشتوانه‌های عظیم، خدادادی و نفتی دارند - به وکالت از مردم شروع به کار می‌کنند ولی مهم این است که این کارها توسط خود مردم انجام شود؛ انجام کارها توسط مردم به این معناست که در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان، عموم مردم شرکت کنند. درست است که دولت‌های غربی هم حرفشان بر اساس دموکراسی این است که ما هم به اکثریت مردم توجه داریم و مدعی‌اند نظریه دموکراسی به دنبال همین حرف است که اکثریت مردم در تصمیم‌گیری‌ها شرکت داشته باشند و در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرند ولی این ظاهر قضیه و قصه است؛ دموکراسی آن طور که مطرح می‌شود، اعمال نمی‌شود.

الگوی جدی مشارکت در دفاع مقدس؛ دفاع از مرزهای کشور و ایستادگی در برابر دشمن بود و در سال‌های پس از آن نیز شواهدی

وجود داشته است؛ درست است که مردم ما در عرصه حل مسائل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه از طرف دولت‌ها نقش جدی پیدا نکردند ولی در نهادهای دینی که سرمایه عظیمی برای این ملت است، حضور داشتند و در بزنگاه‌هایی خودشان را به عرصه رساندند و از انقلاب اسلامی و کشور دفاع کردند. به خصوص در عرصه‌های جنگ نرم، اگر این مردم حضور جدی نداشتند، چه بسا دشمن به پیروزی‌های زیادی دست پیدا می‌کرد و با نفوذ خودش در ارکان مختلف کشور، امروز به ظاهر جمهوری اسلامی داشتیم ولی در باطن همان منویاتی که دشمنان انقلاب اسلامی پیگیری می‌کردند را شاهد می‌بودیم؛ کما اینکه در بعضی از مواقع شاهد هستیم که چطور دشمنان انقلاب اسلامی موفق شدند برنامه‌های خودشان را در برخی از عرصه‌های سیاسی و اقتصادی، به نحوی توسط مدیران و تصمیم‌گیران ما به عمل برسانند.

پس کار انقلاب اسلامی این است که به مردم در همه عرصه‌ها حضور حداکثری ببخشد؛ یعنی بیشتر امور توسط مردم انجام شود و خودشان تصمیم بگیرند مگر آن دسته از اموری که امکان واگذاری و تصمیم‌گیری در آن را نمی‌شود به مردم واگذار کرد. حضور مردم در همه عرصه‌ها صرفاً به این معنا نیست که ما هر چند وقت یک بار انتخاباتی شکل بدهیم و بگوییم اکثریت مردم به افرادی رأی دادند و آن‌ها مسئولیت بپذیرند البته بخشی از حضور مردم در همین است ولی نه همه آن. بنابراین باید در نظامات موجودی که مانع حضور مردم هستند، تغییر ایجاد کرد، باید سازوکارهایی دیده شود که نه تنها مانع حضور مردم نباشد، بلکه عامل حضور و مشارکت مردم باشد. رهبر معظم انقلاب بارها بر این مهم تأکید داشتند؛ همان گونه که حضرت امام(ره) پیشتر به آن توجه می‌دادند که انقلاب اسلامی و نظام امامت و ولایت یکی از پایه‌های اصلی‌اش همین مردم انقلابی، مؤمن و متدین هستند که به دنبال اطاعت از اوامر الهی‌اند. رهبر معظم انقلاب بر شکل‌گیری گروه‌های جهادی، حلقه‌های میانی و بسیج بارها و بارها تأکید داشتند؛ بسیج یعنی مشارکت و حضور مردم در همه عرصه‌ها. بسیج صرفاً معنای سازمانی ندارد که بگوییم بسیج یعنی یک سازمان خاص. بسیج به معنای حضور و مشارکت منسجم همه مردم در حل مسائل خودشان است؛ حتی آن دسته از مردمی که ممکن است انقلاب اسلامی را درک نکرده و نپذیرفته باشند، با معارف اسلامی هنوز آشنا نیستند و ممکن است به آن پایبند نباشند ولی همه مردم آمادگی و علاقه دارند و می‌توانند در حل مسائل و زندگی خودشان با مشارکت همدیگر مسائل را حل کنند.

#### ■ اکنون مسئله این است که راهکار اصلی کدام است؟ چکار کنیم که چنین اتفاقی بیفتد؟ وقتی می‌خواهیم به سراغ راه حل برویم، نمی‌توانیم به سراغ همان راهکارهایی برویم که در کشورهای دیگر معمول است و امروز و تاکنون نیز بخش زیادی از امور در کشور ما با این مدل اداره شده است.

بخش زیادی از امور مردم توسط خود مردم در واحد محله، قابل حل است؛ بنابراین باید نظامات را بر اساس و محور محله شکل بدهیم. محله یعنی مجموعه‌ای از خانواده‌هایی که در یک محدوده مشخص و معین که همدیگر را می‌شناسند، جمع می‌شوند و زندگی می‌کنند. یک مکان مشخص و معینی است که مردم بیشترین حضور را در آنجا دارند و بخش زیادی از مسائل خودشان را در آن محل می‌توانند با مشارکت همدیگر حل کنند؛ بنابراین ما باید به سمتی حرکت کنیم که اختیارات را تا سطح محلات ببریم و در سازمان‌های بزرگ متمرکز نکنیم تا مردم به واسطه آشنایی با همدیگر و به خاطر سلاقی و علاقی مشترک، بروند و در سطح محله، مسائل خودشان را حل کنند و

در دوران دفاع مقدس، مردم جامعه و مستضعفین به عرصه آمدند و بر اساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی خودشان حماسه‌هایی آفریدند که در طول تاریخ خیلی از ملت‌ها، بی‌نظیر است؛ ما باید همان مسیر را دنبال کنیم



مراتب نظام امامت و ولایت در سطح ملی و حتی در سطح جهانی شکل بگیرد.

■ یعنی شکل‌گیری دولت نیز از این مسیر، میسر است؟

بله، دولتی که به این ترتیب شکل بگیرد، دولت مردم است. درست است امروزه دولت‌های ما خیلی تلاش می‌کنند که مردمی باشند، مشارکت مردم را مدنظر قرار دهند و به وکالت از مردم، امورشان را خوب اداره کنند، ولی اگر دولتی باشد که دولت مسجدی باشد، دولتی باشد که بخش زیادی از امور را تلاش می‌کند که به مردم محول کند، این دولت دیگر دولت مردم است یعنی خود مردم دولت می‌شوند و نیازی نیست بخش زیادی از افراد جامعه در دستگاه‌های مختلف اداری مستقر بشوند و بخواهند به وکالت از مردم این کار را انجام دهند. قطعاً نیاز است که دستگاه‌های نظام اداری وجود داشته باشند ولی گستردگی و اختیارات آن‌ها محدود خواهد بود. حتی ما در تجربه جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی نشان دادیم نیروی مسلح نیز می‌تواند با مشارکت مردم از مرزها دفاع کند. درست است بخشی از امور نظامی را باید به صورت متمرکز سامان داد و الزامات آن را مستقر کرد که این کار در جمهوری اسلامی به خوبی انجام شده است ولی وقتی به کل جامعه نگاه می‌کنیم، همه مردم نیز از موضع خودشان می‌توانند دفاع کنند و نفس اینکه مردم چنین آمادگی و توانایی دفاع و دفاع همه جانبه از کشور را داشته باشند، دشمنان در عمل دیگر قصد تجاوز نمی‌توانند داشته باشند و اگر خدای نکرده تجاوزی نیز به مرزهای چنین کشوری داشته باشند، ناکام خواهند ماند.

■ در پایان نکته‌ای اگر هست، بفرمایید.

بالاخره باید تلاش کنیم به این سمت حرکت کنیم و انتظارمان از دولت سیزدهم این است که با توجه به هماهنگی و انسجامی که بین قوای سه‌گانه وجود دارد و تلاش، بصیرت و حکمتی که در این دولت می‌بینیم، در این مسیر قدم‌های شایسته‌ای برداشته شود و زمینه‌های به ثمر رساندن گام دوم انقلاب اسلامی به خوبی فراهم شود.

اگر مسئله‌ای قابل حل نبود، به سطوح بالاتر مدیریتی و سازمانی ارجاع بدهند. به این طریق، سازمان‌های متمرکز ما، وزارتخانه‌های عریض و طویل ما و اداره‌هایی که با کارکنان زیاد و هزینه‌های زیاد شکل گرفته‌اند، تعدیل خواهند شد. این سازمان‌های بروکراتیک و دیوان‌سالار معمولاً براساس منطق قدرت عمل می‌کنند و دنبال این هستند قوانینی را تصویب و اعمال کنند که این قوانین را خودشان معمولاً پیشنهاد می‌دهند. در خصوص این قوانین نیز دیده‌ایم که اکثراً با حسن اجرا روبه‌رو نبوده و نه تنها تسهیلات لازم را پیش روی مردم نگذاشته بلکه مانع‌تراشی هم کرده است؛ بنابراین مردم به خوبی می‌توانند بنا بر شرایط و مقتضیات خودشان، در محلات بخش زیادی از کارها را حل کنند. این محلات هم زمانی که با محلات دیگر در کنار هم قرار بگیرند و اداره امورشان را با محلات بعدی اتصال بدهند، اداره امور شهر نیز به نحو بهتری انجام خواهد گرفت و به همین ترتیب، اداره امور در سطوح بالاتر بهبود پیدا خواهد کرد. به هر حال، نکته مهم این است که در نظام جمهوری اسلامی و در انقلاب اسلامی، این امور باید بر اساس سازوکارهای دینی و اسلامی و مطابق با شرع مقدس عمل شود. این نکته مهم و اساسی و نقطه تمایز با آن‌هاست که در کشورهای دیگر وجود دارد. آن‌ها نیز به دنبال این هستند که مردم را در نهادهای مردمی متشکل و سازماندهی کنند و این بروکراسی و نظام اداری را تعدیل کنند ولی اینجا در فرهنگ ما و در اسلام و در جمهوری اسلامی، مردم باید بر محور فرهنگ و ارزش‌های اسلامی مساعدت، مشارکت، حضور و همکاری داشته باشند. اگر این نگاه باشد محله ما یک محور پیدا می‌کند؛ محوری به اسم مسجد. وقتی محور محله، مسجد باشد بالطبع محله نیز عنوانش، محله اسلامی است. محله‌ای است که بر محور خانه‌ای بر پایه «أَسَسَ عَلَى التَّقْوَى» شکل می‌گیرد؛ مسجدی که باید یک مدیر شایسته، بایسته، پرتلاش، جهادی و انقلابی به اسم «امام مسجد» داشته باشد. بنابراین نظام امت و امام به این ترتیب شکل می‌گیرد. مساجد ما محور محلات، محور جمعیت‌های مشخص و محدود باشند و شهرهای ما نیز بر محور امام شهر ادامه پیدا کند تا سلسله

**نکته مهم این است  
که در نظام جمهوری  
اسلامی و در انقلاب  
اسلامی، این امور باید  
بر اساس سازوکارهای  
دینی و اسلامی و  
مطابق با شرع مقدس  
عمل شود. این نکته  
مهم و اساسی و نقطه  
تمایز با آن‌هاست که در کشورهای  
دیگر وجود دارد**



بررسی رویکرد رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره نظم جدید بین‌المللی در گفت‌وگو با علاءالدین بروجردی  
رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس و رئیس انجمن دوستی ایران و چین

## دیپلماسی هوشمند و مدیریت جهادی

### اولویت ایران در دوران گذار جهانی

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی یازدهم آبان‌ماه ۱۴۰۱ به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی، داده‌ها و واقعیت‌هایی را مطرح کردند که سه ویژگی تغییر نظم نوین جهانی را نشان می‌دهند؛ این سه ویژگی عبارت‌اند از انزوای ایالات متحده آمریکا، انتقال قدرت به آسیا، گسترش ایدئولوژی مقاومت و توسعه میدان‌های آن. نظریه کلاسیک در روابط بین‌الملل اشاره می‌کند در دوره‌های «انتقال قدرت» بین ملت‌ها، خطرات زیادی وجود دارد که منجر به بحران‌ها و درگیری‌های جدی در نظام بین‌الملل می‌شود. رهبر معظم انقلاب خطوط روشنی را تعریف کردند که می‌توان براساس آن‌ها درباره شکل‌گیری نظم نوین جهانی و ضرورت اهتمام به قرار گرفتن کشورمان ایران در جایگاه مناسبی از این نقشه صحبت کرد. در این راستا می‌توان با بررسی چند شاخص تجربه شده در عرصه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، پیشینه خطوط گسترده‌ای را که رهبر معظم انقلاب درباره آن صحبت کردند، تحلیل کرد. برای بررسی رویکرد ایشان به تغییرات آینده نظم جهانی و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ایران اسلامی در تحولات پیش‌رو، با دکتر علاءالدین بروجردی رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی که هم‌اکنون ریاست انجمن دوستی ایران و چین را برعهده دارد به پرسش و پاسخ نشستیم که در ادامه این نوشتار مطالعه می‌کنید.

کشور مستقلی مانند جمهوری اسلامی یا کشورهای مشابهی مانند چین و روسیه وجود دارند که این زورگویی آمریکایی‌ها را برنمی‌تابند؛ در واقع دنبال نظام چندقطبی هستند که عملاً این نظریه امروز محقق شده است.

امروز جهان قطعاً تک‌قطبی نیست و قدرت‌های بزرگی مانند چین، روسیه و جمهوری اسلامی ایران در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا ایستاده‌اند و ما باید با جدیت این سیاست را ادامه دهیم. خوشبختانه در عرصه نظامی باوجود تمام سختی‌ها بسیار موفق عمل کردیم و در حالی که در دوران جنگ برای دفاع از شهرهایمان موشک نداشتیم، امروز از قدرت‌های موشکی دنیا هستیم، آن هم از

■ در گام نخست این گفت‌وگو سراغ تعریف رویکرد رهبر معظم انقلاب به تغییرات کلان در سطح جهانی به‌ویژه در زمینه جابه‌جایی قدرت‌ها و همچنین جایگاه ایران اسلامی در تسریع تغییر در موازنه جهانی برویم؛ نظر شما در این زمینه چیست؟

رویکرد رهبر معظم انقلاب درباره تحولات امروز ایران و جهان یک امر ثابت شده است؛ دنیا در حال یک تحول بنیادین است و البته آمریکایی‌ها پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با این ذهنیت که می‌توانند کدخدای دهکده جهانی باشند و جهان تک‌قطبی شود از ظرفیت خودشان استفاده کردند و تمام تلاش این بود که بقیه هم تبعیت کنند، ولی واقعیت این است که در جهان امروز،

واقعیت این است  
که در جهان امروز،  
کشور مستقلی مانند  
جمهوری اسلامی یا  
کشورهای مشابهی  
مانند چین و روسیه  
وجود دارند که این  
زورگویی آمریکایی‌ها  
را برنمی‌تابند؛ در واقع  
دنبال نظام چندقطبی  
هستند که عملاً این  
نظریه امروز محقق  
شده است



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۱۳

**رهبر معظم انقلاب  
نشانه‌های متعددی  
از انزوای آمریکا را  
مشخص می‌کنند؛  
از جمله مشکلات  
اقتصادی آمریکا،  
اشتباه محاسباتی‌اش  
در مسائل جهانی  
مانند افغانستان و  
عراق و شکست‌های  
مکرر در شرق آسیا.**

به عنوان مثال، به جای اینکه گندم را از پاکستان و کشورهای دیگر همسایه که دارای این امکان هستند وارد کنیم، می‌رویم از هزاران کیلومتر دورتر، از استرالیا خریداری می‌کنیم؛ یا مثلاً در زمینه مواد غذایی دام‌پایه، گوشت را به جای اینکه از همسایگانی مثل افغانستان و با قیمت مناسب و اقتصادی بخریم و در این خرید با رعایت استاندارد بهداشتی، امنیت خاطر کشور را تأمین کنیم، متأسفانه می‌رویم ۲۰ هزار کیلومتر آن طرف‌تر و از برزیل وارد می‌کنیم. باید این سیاست‌ها را پویا کنیم و برخی را تغییر دهیم. دولت سیزدهم و رئیس‌جمهور محترم باید جرئت قدم گذاشتن در این عرصه را داشته باشند، زیرا بدون تغییر اساسی نمی‌توانیم روابط با کشورهای منطقه را به یک رابطه مطلوب برسانیم؛ در این رابطه، اقتصاد نقش کاملاً محوری را بازی می‌کند.

ما امکانات زیادی برای انتقال به کشورهای همسایه داریم؛ خدمات فنی و مهندسی ما بسیار قابل توجه است و بسیاری از محصولات و تولیداتمان را می‌توانیم به راحتی به این کشورها صادر کنیم و بازار خوبی برای ما فراهم خواهد شد تا به‌طور متقابل نیازهایمان را از این بازارها تأمین کنیم. باید این نکته را بگویم ما به صورت سنتی درگیر یک کج‌راهی هستیم که سال‌هاست در آن قرار داریم.

■ **با توجه به تأکید رهبر معظم انقلاب درباره روابط با کشورهایایی مانند چین، توافق ۲۵ ساله تهران - پکن را می‌توان بخشی از برنامه جمهوری اسلامی برای نقش‌آفرینی در جهان آینده که به سمت چند قطبی شدن در حال حرکت است دانست. رویکرد دولت به این مسئله را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

سفر اخیر رئیس‌جمهور و مقامات ارشد ایران به چین بسیار مهم و خوب بود. در این سفر ۲۰ سند همکاری ویژه امضا شده است. با این وصف، دولت باید یک کارگروه ویژه و جدی برای پیگیری تحقق توافقات صورت گرفته در نظر بگیرد و از ظرفیت مجموعه نیروهای باتجربه استفاده کند.

یکی از اشکالات دولت سیزدهم دایره‌ای است که دور خودش ایجاد کرده و خیلی از ظرفیت‌ها استفاده نمی‌کند، به همین خاطر، کارها و پروژه‌ها پیش نمی‌رود یا کند پیش می‌رود. ما در عرصه‌های مختلف به راحتی می‌توانیم از وزیران سابق یا رئیس‌ان‌جمهور سابق - جدا از تفکر و سلیقه سیاسی‌شان - به‌عنوان اتاق فکر استفاده کنیم. بنابراین باید از همه ظرفیت‌ها استفاده کرد و با جدیت سندهای امضا شده را به طرف تحقق و اجرا برد.

■ **شراکت راهبردی با روسیه و چین در آینده چه تأثیری بر موازنه منطقه‌ای و جهانی به نفع جمهوری اسلامی خواهد داشت؟**

در هر صورت، جمهوری اسلامی یک قدرت منطقه‌ای است و چین و روسیه به‌عنوان دو عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل و دو قدرت اتمی در دنیای امروز از قدرت و امکانات جدی برخوردار هستند. این آرایش جدید نظم جهانی با همکاری این کشورها می‌تواند در واقع محقق شود و ما می‌توانیم ظرفیت‌های بالقوه خودمان را بالفعل کنیم و تحولی در عرصه اقتصاد رقم بزنیم.

در مقطع زمانی فعلی برای تسهیل امور باید رابطه اقتصاد کشور را با دلار کاهش دهیم و با چین براساس یوان و روسیه براساس روبل معامله کنیم. باید دستگاه بانکی و ارزی کشور در برابر اقدامات غرب و تحریم‌ها مصون‌سازی شود و از ظرفیت کشورهای دوست در عرصه فناوری‌های نوین بهره بگیریم. نکته بعدی، مسئله خودکفایی و کاهش سطح وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی است که اگر چنین اتفاقی بیفتد به مرور شاهد کاهش نقش دلار در میدان اثرگذاری بر اقتصاد کشور به‌خصوص در دوران گذار جهان به نظم جدید خواهیم بود.

نوع موشک‌های نقطه‌زن و عملاً سیاست بازدارندگی محقق شده و دشمنان انقلاب اسلامی جرئت نمی‌کنند مقابله کنند؛ برای همین تمام فشارهای خودشان را در جنگ اقتصادی به‌کار گرفتند تا بتوانند جمهوری اسلامی ایران را تضعیف و اهداف خودشان را محقق کنند. بنابراین مهم‌ترین مسئله امروز کشور، مسئله اقتصاد است و باید مانند دوران جنگ تحمیلی نظامی، با جدیت بایستیم و توطئه‌ها را خنثی کنیم؛ از ظرفیت داخلی خودمان با تکیه بر اقتصاد مقاومتی بهره بگیریم و بتوانیم همانند جنگ نظامی در این عرصه هم پیروز شویم. با توجه به ظرفیت‌های بالای جمهوری اسلامی این اتفاق می‌تواند بیفتد، البته سختی‌های خاص خودش را هم دارد.

■ **رهبر معظم انقلاب در بیاناتشان درباره تغییرات گسترده در فرایندهای جهان آینده، به سه محور مهم «انزوای آمریکا»، «انتقال قدرت به آسیا» و «گسترش ایدئولوژی مقاومت» اشاره کرده‌اند. برای درک بهتر این سه محور چه مواردی باید مدنظر ما باشد؟**

نخستین موردی که باید به آن اشاره کنم کاهش نقش ایالات متحده آمریکا به‌عنوان بازیگر اصلی در عرصه بین‌المللی است که از مهم‌ترین روندهای کلی نظم نوین بین‌المللی و نخستین نشانه تغییر است.

رهبر معظم انقلاب نشانه‌های متعددی از انزوای آمریکا را مشخص می‌کنند؛ از جمله مشکلات اقتصادی آمریکا، اشتباه محاسباتی‌اش در مسائل جهانی مانند افغانستان و عراق و شکست‌های مکرر در شرق آسیا. با توجه به مشکلات اقتصادی در آمریکا می‌توان گفت در چند سال گذشته، افزایش قابل توجهی در حجم بدهی‌ها مشاهده شده است.

دومین روند و نشانه در تغییر نظم نوین جهانی بر اساس دیدگاه رهبر معظم انقلاب، انتقال قدرت به آسیاست. با توجه به مهم‌ترین عوامل در بررسی اقتصاد سیاسی کشورها که رشد اقتصادی را نشان می‌دهد، جهان شاهد تغییر قدرت اقتصادی از غرب سرمایه‌داری مبتنی بر هژمونی به سوی شرق است؛ شرقی که اکنون به رهبری چین، روسیه و ایران به مدل‌های اقتصادی جدیدی رسیده است. اساساً این مدل‌های جدید موقعیت این کشورها در عرصه بین‌الملل، الزامات مردم و منافع حیاتی آن‌ها را در نظر می‌گیرد؛ آن هم بدون اینکه سیاست استعماری توسعه‌طلبانه‌ای مانند غرب داشته باشند؛ امری که در دو قرن گذشته از سوی غرب افزایش یافته بود.

امروز نشانه‌هایی از افزایش چندقطبی در جهان وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها ظهور یک قدرت غیرغربی در دهه‌های آینده است که جایگاهی معتبر در اقتصاد جهانی بدست خواهد آورد؛ همین امر در مورد سایر قدرت‌های منطقه‌ای در حال ظهور از جنوب نیز صادق است، زیرا آن‌ها دامنه فعالیت و برش جهانی خود را افزایش می‌دهند.

■ **موضوعی که رهبر معظم انقلاب به آن توجه دارند، مسئله منطقه‌گرایی جمهوری اسلامی ایران و تمرکز روی ظرفیت‌های بسط و توسعه سیاست همسایگی است. اوضاع ما در این زمینه به چه شکل است؟**

محوری‌ترین مسئله عرصه سیاست خارجی که ما راه زیادی تا تحقق آن داریم، به ضرورت استحکام بخشی روابطمان با کشورهای همسایه برمی‌گردد. رهبر فرزانه انقلاب در مسئله سیاست همسایگی بر دیپلماسی هوشمندانه و مدیریت جهادی مبتنی بر تحلیل صحیح و دقیق تأکید دارند، ولی به نظر من به دلیل مسائلی، هنوز این ریل‌گذاری‌ها عملاً صورت نگرفته است. ما نیازمند دقت و هوشمندی در ارتباط با کشورهای همسایه هستیم.

سعدالله زارعی در گفت‌وگو با قدس به کارویژه‌های کشورمان  
برای حضور مؤثر در نظم جدید جهانی با محوریت آسیا می‌پردازد

# نگاه راهبردی به موقعیت ایران در دنیای آینده

«ما در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستادیم»؛ این بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در ۲۲ مهرماه ۱۴۰۱ ضمن دیدار با جمعی از مسئولان نظام و شرکت‌کنندگان در سی و ششمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در آن دیدار با اشاره به وضوح تغییر در نقشه سیاسی دنیا و اینکه یک قطبی بودن و زورگویی کردن یک قدرت یا دو قدرت بر کشورها و ملت‌ها مشروعیت خودش را از دست داده و ملت‌ها بیدار شدند، می‌فرماید: «نظام تک‌قطبی مطرود شده است، به تدریج دارد مطرودتر می‌شود». ایشان تأکید می‌کنند: «تسلطی که استکبار جهانی بر کشورها و بر ملت‌ها و بر مناطق گوناگون داشته، به تدریج دارد تغییر می‌کند، درست مثل تغییری که در دوران نهضت‌های ضداستعماری در نیمه دوم قرن ۲۰ اتفاق افتاد که پشت سر هم کشورها قیام کردند در میانه قرن ۲۰ علیه استعمار مستقیم». حساسیت این قسمت از بیانات رهبر فرزانه انقلاب آنجا محسوس‌تر می‌شود که ایشان با طرح این سؤال که «امت اسلامی در این دنیای جدید جایگاهش کجاست؟» در پاسخ به آن می‌فرماید: «اتفاق و اتحاد بین ملت‌های اسلامی ممکن است؛ منتها کار لازم دارد. ما حالا از سیاستمداران و زمامداران و حکمرانان کشورهای اسلامی هم ناامید نیستیم اما بیشترین امیدمان به خواص دنیای اسلام است؛ به علمای دین، به روشنفکران، به اساتید دانشگاه، به جوانان روشن‌بین، به فرزندان، به ادبا، به شعرا، به نویسندگان، به گردانندگان مطبوعات، امید ما به این‌هاست. این‌ها احساس استقلال و احساس مسئولیت و احساس وظیفه کنند. وقتی خواص در یک راهی وارد شدند، افکار عمومی را به آن سمت حرکت می‌دهند. وقتی افکار عمومی در یک کشوری شکل گرفت، سیاست‌های اداره کشور هم به‌طور قهری به آن سمت حرکت می‌کند».

برای تبیین این بخش از بیانات رهبر معظم انقلاب، با دکتر سعدالله زارعی، استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی و کارشناس مسائل جهان اسلام گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

غرب آسیا تغییرات بنیادینی را در سطح بین‌المللی رقم زده است. اصلاً خود اینکه ایران از بلوک غرب خارج شد با توجه به جایگاه جغرافیایی ایران در منطقه که نقطه اتصال شبه‌قاره به منطقه عربی و ترکیه و از این طریق به اروپا بود، بسیار مهم است.

■ رهبر معظم انقلاب همواره تأکید دارند جمهوری اسلامی در مقابل همه قدرت‌های بزرگ ایستاده است؛ آیا مقصود شما اشاره به همین مفهوم است؟

بله؛ انقلاب ملت ایران به دلیل اینکه دین‌محور و مردم‌محور بود توانست به‌عنوان یک مدعی فرهنگی، بسیاری از انگاره‌های غرب را به چالش بکشد و به مبارزه بطلبد؛ از این رو یک نقطه تعارض فرهنگی در سطح کلان شکل گرفته و دلیل آن هم این بود که انقلاب اسلامی با تکیه بر اسلام و تشیع، داعیه جهانی دارد بنابراین توانست عملاً کارآمدی و کفایت فرهنگ و تمدن غرب را به چالش بکشد.

■ لطفاً به نمونه‌ای از شکست تئوری‌ها و برنامه‌های غرب که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت اشاره کنید.

شما نگاه کنید آقای فرانسیس فوکویاما آمد نظریه پایان تاریخ را مطرح کرد، یعنی مدعی شد دموکراسی آمریکایی برترین نوع حکومت و خوش‌نتیجه‌ترین حکومت است و چیزی فراتر از آن اساساً در چنته بشریت وجود ندارد. همین آقای فوکویاما چند سال بعد ناگزیر شد نظریه خودش را پس بگیرد. سؤال این است چه چیزی سبب شد او نظریه پرطمطراق پایان دنیا را پس بگیرد؟ غیر از این است که

■ با توجه به منویات رهبر معظم انقلاب درباره ضرورت جدیت مسئولان و اندیشمندان جهان اسلام و ایران در زمینه فرایند مهم تغییر نظم بین‌الملل و تقویت جایگاه امت اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تحلیل شما درباره رویکرد نهادها و افراد در این مقوله چیست؟

تقریباً در سطح بین‌المللی اجماعی وجود دارد مبنی بر اینکه عمر جوامع قبلی شامل نظام دوقطبی و نظام تک‌بعدی به پایان رسیده یا در حال به پایان رسیدن است و جهان قطعاً در دهه‌های آینده وضعیتی متفاوت از وضعیت امروز را تجربه می‌کند؛ منتها در داخل ایران هنوز این اجماع نظر درباره تغییرات سطح بین‌الملل و نزدیک بودن زمان این تغییرات به وجود نیامده و حتی در داخل دستگاه‌های متولی جمهوری اسلامی هم این نگاه کمتر وجود دارد. یک بخشی از این مسئله هم ناشی از این است که اساساً بعضی از دستگاه‌ها باور نکردند جمهوری اسلامی در سطح بین‌المللی به یک عنصر اثرگذار و تعیین‌کننده در بسیاری از معادلات تبدیل شده است.

■ چرا بعضی‌ها با چنین نگاهی به میدان می‌نگرند؟ مشکل کجاست؟ بعضی‌ها با نگاه به نارسایی‌های اقتصادی که در کشور وجود دارد و بعضی تنش‌های سیاسی که در کشور مشاهده می‌شود نتیجه می‌گیرند جمهوری اسلامی کشور ضعیفی است و از این رو به فرض هم در سطح بین‌الملل جابه‌جایی اتفاق بیفتد این چیزی برای جمهوری اسلامی ندارد و دلیلی ندارد خودمان را با این تغییرات درگیر کنیم! این افراد فراموش کردند انقلاب اسلامی با پیروزی در حساس‌ترین نقطه

تقریباً در سطح  
بین‌المللی اجماعی  
وجود دارد مبنی بر  
اینکه عمر جوامع قبلی  
شامل نظام دوقطبی  
و نظام تک‌بعدی به  
پایان رسیده یا در  
حال به پایان رسیدن  
است و جهان قطعاً  
در دهه‌های آینده  
وضعیتی متفاوت از  
وضعیت امروز را تجربه  
می‌کند

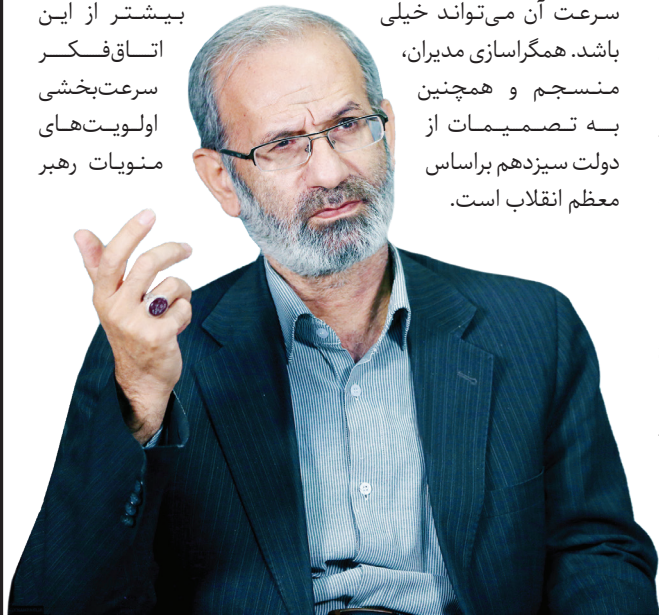
بزنگاه‌هاست. اکنون یکی از بزنگاه‌ها راهبردی کردن رابطه ایران و چین است؛ دو، راهبردی کردن رابطه ایران و روسیه؛ سه، راهبردی کردن رابطه ایران و هند؛ چهار، راهبردی کردن رابطه ایران با حوزه عربی و اسلامی و پنج، ایجاد کنسرسیوم‌ها و موقعیت‌های مشاع بین کشورهای منطقه و فرامنطقه. ایران از جهاتی دارای فرصت‌ها و موقعیت‌های بی‌بدیلی است. روس‌ها و چینی‌ها باور دارند و بیان کردند به لحاظ خط اتصالات بین‌المللی، مسیر ترانزیت کالای ایران برترین موقعیت را در غرب آسیا دارد. داشتن موقعیت سرزمینی، داشتن نیروی کار فراوان و متناسب و همین‌طور پیشرفت‌های علمی و صنعتی که طی دهه‌های اخیر داشتیم؛ اراده سیاسی که در ایران وجود دارد، رهبری خردمند، سطح تحصیلات مردم (نزدیک ۲۰ میلیون ایرانی تحصیلات دانشگاهی دارند) بنابراین ظرفیت عظیم انسانی متخصص در اختیار ایران است؛ این‌ها موقعیت ویژه‌ای برای ما ایجاد کرده و به همین دلیل هم بیش از ما، چینی‌ها، روس‌ها و هندی‌ها به ایجاد رابطه راهبردی اصرار دارند. بنابراین ما باید با توجه به موقعیت‌هایی که داریم به سمت راهبردی کردن موقعیت‌ها و به تعبیر دیگر تثبیت موقعیت خودمان در موقعیت‌های حساس باشیم.

■ قطعاً کارویژه دیگر ما مسئله اصلاح فرایندها و مدیریت داخلی است؛ آیا همین‌طور است؟

همین‌طور است؛ ما باید سازوکارهای داخلی‌مان را اصلاح کنیم. واقعاً دردآور است که توانستیم در بسیاری از زمینه‌های پیچیده به پیشرفت‌های شگرفی برسیم، اما در کنترل اقتصاد داخلی بحران و گرفتاری داریم و این، نتیجه چیزی جز بی‌توجهی به این موضوع حساس در دولت‌های مختلف نیست. با توجه به درآمدهای سالانه، ما می‌توانیم ایران را خیلی خوب اداره کنیم اما سیاست ارزی درست نداریم، بانک درست نداریم، گمرک درست نداریم و این‌ها سبب شده ما در عرصه اقتصادی دچار یک وضعیت شکننده باشیم.

■ به نکته‌ای اشاره کردید و آن هم بحث تعمیق نگاه مدیران و مسئولان کشور به حقیقت تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران به یک قطب اثرگذار در نظام جهانی است. برای اثربخشی و افزایش سرعت سیستم مدیریتی کشور مبتنی بر نگاه جهادی و دیپلماسی دقیق مدنظر رهبر معظم انقلاب اسلامی چه توصیه‌هایی دارید؟

مطلب اول این است که ما نباید احساس ضعف کنیم. بزرگ‌ترین بحران‌های امنیتی منطقه‌ای - بحران اشغالگری توسط آمریکا و انگلیس و... و بحران تروریسم تکفیری - با محوریت جمهوری اسلامی حل شده و این نشان‌دهنده ظرفیت ما برای حل مسائل است. دولت نیاز به جمع کردن مدیران همگرا و همچنین تعیین راهبردهای صحیح دارد. تصمیم‌گیری‌ها باید چابک‌سازی شود؛ اینکه برخی تصمیم‌ها با تأخیر گرفته می‌شود به کشور ضربه می‌زند و مشکل آفرین است. دولت توفیقات زیادی در زمینه سیاست خارجی داشته ولی سرعت آن می‌تواند خیلی بیشتر از این باشد. همگراسازی مدیران، منسجم و همچنین به تصمیمات از دولت سیزدهم براساس معظم انقلاب است.



انقلاب ایران سبب چالش‌های اساسی در جغرافیای تحت سیطره غرب شد و غرب را به مبارزه طلبید؟ غرب در این مبارزه به سمت استفاده از زور و سلاح‌های مخوف رفت و در واقع کشوری که مدعی پایان تاریخ بود و دموکراسی را بیدارترین نقطه زندگی بشریت ارزیابی می‌کرد، به سلاح متوسل شد و افغانستان و عراق را اشغال کرد و در ۱۷ سال، ۹ جنگ در منطقه ما به‌راه انداخت که غربی‌ها همه را با ناکامی پشت سر گذاشتند.

■ با این اوصاف و براساس اندیشه و راهبردهای رهبر معظم انقلاب و امام خمینی (ره)، ایران توانسته ضربه مهلکی به بدنه لیبرال دموکراسی که به دنبال تسلط بر منابع جهان بوده وارد کند.

قطعاً چنین چیزی رخ داده است. کشوری مثل آمریکا که مدعی دموکراسی است، دموکراسی را کنار گذاشت، به جنگ متوسل شد و گمان کرد چون سلاحش برتر و نفرات ارتشش بیشتر است در جنگ برنده می‌شود تا از این مزیت نسبی برای مهار رقبای خود استفاده کند. اما در عمل، رقیب اصلی آمریکا که ایران بود توانست کارت‌های امتیاز افغانستان و عراق را از آمریکا بگیرد و مهاجمان را با شکست روبه‌رو کند. اینجا بود که فوکویاما گفت دموکراسی آمریکایی به دلیل تناقضاتی که در خود دارد نمی‌تواند بماند. به عبارتی، انقلاب ایران از تناقضات ذاتی غرب رونمایی کرد. با وجود این، متأسفانه در داخل ایران بسیاری از دستگاه‌های جمهوری اسلامی و بسیاری از عناصر مؤثر اساساً باور ندارند نظام جهانی در حال تغییر است و منشأ بخش عمده این تغییرات انقلاب اسلامی است و باور ندارند دنیا دارد به سمتی پیش می‌رود که ایران می‌تواند در ابعاد مختلف، موقعیت تثبیت‌شده‌تری داشته باشد.

■ برای تثبیت و توسعه جایگاه ایران در آینده و در نظم جدید منطقه‌ای و جهانی باید چکار کنیم؟

نخستین گام ما در این عرصه باید تلاش برای همگراسازی ذهن‌های مسئولان و متولیان دستگاه‌های مختلف و یکپارچه‌سازی آن‌ها در این اندیشه باشد که جهان در حال گذار است و ایران می‌تواند از این موقعیت، استفاده بسیار اساسی داشته باشد. نکته دوم این است که ما باید برنامه داشته باشیم؛ همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند. ما باید بزنگاه‌های نظام آینده جهانی را شناسایی و از حالا در آن بزنگاه‌ها حضور پیدا کنیم. جهان آینده به میزان زیادی یک جهان آسیایی خواهد بود؛ حالا بعضی‌ها اصرار دارند بگویند یک جهان چینی خواهد بود اما این واقعیت نخواهد داشت بلکه بخش اعظم جهان آینده، جهانی آسیایی است و آسیا فقط چین نیست و قدرت آسیا در چین محدود نمی‌شود؛ بالاخره در آسیا چین هست، روسیه هست، هند هست، ایران هست، کشورهای دیگری هم هستند؛ مجموعه این‌ها میراثداران نظام آینده جهانی خواهند بود نه اینکه یک نظام چین‌محور پدید بیاید.

■ با این اوصاف، نظام بین‌المللی آینده را چندوجهی و دارای اشکال کنشگری متفاوت توصیف می‌کنید؟

به احتمال بسیار زیاد نظام بین‌المللی آینده یک نظام منعطف و چندقطبی خواهد بود، منتها نقطه ثقل این نظام منعطف چندقطبی، آسیا خواهد بود. اکنون آسیا دارد تازه نفس به میدان می‌آید، تکیه به میراث‌های خودش دارد و می‌تواند در این صحنه، تحولات سطح کلان بین‌الملل را مدیریت کند و به سرانجام برساند.

■ شکل‌گیری نظم جدید بین‌المللی یکی از موقعیت‌های حساس تاریخ است؛ برای این مسئله چه تدابیری لازم است؟

همان‌طور که گفته شد کارویژه‌ای که باید انجام دهیم، حضور در



تبیین رویکرد سیاست خارجی رهبر معظم انقلاب اسلامی در گفت‌وگوی قدس با محسن پاک‌آیین

گفت‌وگو

محمدی اصل

## جهانِ اصالتِ ملتها

به خصوص آمریکا، کارآمدترین راه برای تأمین امنیت کشورهاست. در این قرن تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورها اصالت خواهد یافت و قدرت‌های بزرگ قادر نخواهند بود با جنگ و خون‌ریزی، کشورهای ضعیف را تصاحب کنند.

### ■ گریز کشورها از یکجانبه‌گرایی

پاک‌آیین در ادامه ضمن پرداختن به محورهای اساسی نگاه سیاست خارجی رهبر معظم انقلاب می‌گوید: از بیانات رهبر معظم انقلاب می‌توان استنباط کرد انزوای تدریجی آمریکا و کاهش نفوذ یکجانبه‌گرایی موجب تقویت جبهه چندجانبه‌گرایان و انتقال قدرت از غرب به شرق خواهد شد. یک شاخصه، وضعیت آرای مخالف، ممتنع و موافق در رأی‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای تعلیق عضویت روسیه در شورای حقوق بشر بود که نشان داد عمده کشورهایی که می‌توانند محور چندجانبه‌گرایی در نظم آینده باشند، آن‌هایی هستند که به قطعنامه ضدروسی رأی موافق نداده‌اند.

وی با بیان اینکه از میان ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل، فقط ۹۳ کشور حاضر شدند علیه روسیه رأی مثبت بدهند و ۱۰۰ کشور دیگر با آرای منفی، ممتنع و غیبت در رأی‌گیری، عدم همراهی با غرب در مواجهه کنونی با روسیه را نشان دادند، بیان می‌کند: توان مجموع این ۱۰۰ کشور از نظر جمعیت و قدرت اقتصادی و نظامی از اردوگاه آمریکا و ناتو بیشتر است. چهار کشور دارای قدرت رسمی سلاح اتمی (روسیه، چین، هند و پاکستان)، اعضای اتحادیه بریکس و پیمان شانگهای،

«در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملتها و کشورهایی که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های امروز ماست». این بخشی از رویکرد رهبر معظم انقلاب نسبت به دیپلماسی منطقه‌ای فعال است. همگرایی با همسایگان مسئله بسیار مهمی است که اگر در سال‌های گذشته از سوی مسئولان با جدیت دنبال می‌شد، قطعاً توطئه تحریم‌ها خنثی شده بود.

در این ارتباط دکتر محسن پاک‌آیین، سفیر پیشین ایران در کشورهای زامبیا، ازبکستان، تایلند و جمهوری آذربایجان در گفت‌وگو با ما با اشاره به بیانات رهبر معظم انقلاب در یازدهم آبان ماه ۱۴۰۱ درباره علائم تحول در نظم جهانی می‌گوید: پیش‌بینی می‌شود در قرن پیش‌رو نظم جدیدی در جهان حاکم شود که در آن قدرت متکثر شده و مرکز قدرت از غرب به شرق منتقل خواهد شد، انحصار اقتصادی آمریکا شکسته می‌شود و حاکمیت‌های ملی در مقابل سلطه می‌ایستند.

وی می‌افزاید: در این نظم جدید، یکجانبه‌گرایی رویکرد قابل پذیرش نیست و آمریکا به دلیل سلطه‌طلبی، به تدریج قربانی سیاست یکجانبه‌گرایی خود خواهد شد. این نظم نویددهنده جهانی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل است که با ایجاد و تقویت ائتلاف کشورهای جهان برای پیشبرد یک هدف مشترک یعنی مقابله با یکجانبه‌گرایی شکل گرفته و پیش خواهد رفت. در واقع، جهان به تدریج به این جمع‌بندی می‌رسد که تقویت رویکرد چندجانبه‌گرایی و اقدام‌های مشترک کشورهای مستقل علیه قدرت‌های زیاده‌خواه

**این نظم نویددهنده جهانی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل است که با ایجاد و تقویت ائتلاف کشورهای جهان برای پیشبرد یک هدف مشترک یعنی مقابله با یکجانبه‌گرایی شکل گرفته و پیش خواهد رفت**





ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۱۷

**یکی از الزامات  
تمدن نوین اسلامی،  
تفاهم حداکثری  
میان مسلمانان و  
فعال‌سازی دیپلماسی  
وحدت اسلامی در  
چارچوب دیپلماسی  
عمومی کشور است.  
توجه به تداوم بیداری  
اسلامی در میان  
مسلمانان و فاصله  
گرفتن آنان از تمدن  
غرب و حکام مستبد،  
در این روند بسیار  
مهم است**

اشغالی اتفاق می‌افتد و ارتباط مستقیم با روی کار آمدن نتانیاها و دیدگاه‌های افراطی و جنگ‌طلبانه او دارد، موازین و مقررات بین‌المللی را کاملاً نادیده گرفته و حتی همپیمانان و متحدان این رژیم در اروپا هم بارها تذکر داده‌اند و در مقاطعی نیز قطعنامه‌هایی علیه اسرائیل در سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است. به تدریج کشورهای مستقل جهان، جنبش عدم تعهد، سازمان همکاری اسلامی و... هم در سازمان ملل نسبت به این امر اعمال فشار کرده و در جهت حرکت می‌کنند که این رژیم اقدام‌های ضدانسانی خود علیه ملت فلسطین را متوقف کند.

وی می‌افزاید: از سوی دیگر تظاهرات‌ها و مخالفت‌ها علیه کابینه نتانیاها در پی افزایش سطح تنش در اراضی اشغالی و آغاز انتفاضه جدید در کنار اعمال نوعی نژادپرستی و آپارتاید علیه عرب‌تبارهای درون اراضی اشغالی نشان می‌دهد آینده این رژیم، آینده روشنی نیست و زمینه برای تحقق پیش‌بینی رهبر معظم انقلاب و سرعت یافتن روند فروپاشی صهیونیسم در حال فراهم شدن است. به تدریج مردم اراضی اشغالی چه مسلمان، چه مسیحی و چه یهودی برای رها شدن از بی‌ثباتی، برگزاری همه‌پرسی که طرح جمهوری اسلامی ایران هم هست را مطالبه خواهند کرد و همان گونه که عمر آپارتاید در آفریقای جنوبی به ۵۰ سال نکشید؛ عمر صهیونیسم در اراضی اشغالی نیز طولانی نخواهد بود و پیش‌بینی رهبر معظم انقلاب که مبتنی بر واقعیات میدان است، عملی خواهد شد.

■ **بیانیه گام دوم انقلاب و حرکت در مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی**  
این کارشناس ارشد سیاست خارجی با بیان اینکه یکی از اهداف اصلی و شاید مهم‌ترین هدف رهبر معظم انقلاب اسلامی از صدور بیانیه گام دوم انقلاب، توجه دادن ملت بزرگ ایران برای حرکت در مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی است، تصریح می‌کند: یکی از الزامات تمدن نوین اسلامی، تفاهم حداکثری میان مسلمانان و فعال‌سازی دیپلماسی وحدت اسلامی در چارچوب دیپلماسی عمومی کشور است. توجه به تداوم بیداری اسلامی در میان مسلمانان و فاصله گرفتن آنان از تمدن غرب و حکام مستبد، در این روند بسیار مهم است. وی اضافه می‌کند: واقعیت این است که حضور مقتدرانه و نفوذ مشروع ایران موجب ایجاد و تقویت «محور مقاومت» علیه استکبار و صهیونیسم شده و تضعیف حضور نامشروع استکبار در منطقه را در پی داشته است. نگاه رهبر معظم انقلاب به عنوان یک عالم دینی و فقیه برجسته به موضوع مقاومت، یک نگاه اعتقادی و برگرفته از آموزه‌های اسلام ناب است و پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از فلسطین و دیگر اعضای محور مقاومت، در همین قالب اعتقادی معنا پیدا می‌کند.

■ **راهبرد اصولی ایران؛ حضور مقتدرانه در غرب آسیا**  
پاک‌آیین در پایان با بیان اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات خود، اتهام غرب مبنی بر اینکه حمایت ایران از محور مقاومت با رویکرد توسعه‌طلبانه بوده را قویاً رد می‌کنند و علت اصلی این امر را دفاع از مظلوم، مقابله با ظالم و برگرفته از اعتقادات توحیدی می‌دانند، تصریح می‌کند: بر این اساس، حضور مقتدرانه و نفوذ تأثیرگذار ایران در غرب آسیا، با وجود تمامی هزینه‌های مادی و انسانی آن، می‌تواند به عنوان یک راهبرد اصولی در ۴۰ سال دوم انقلاب اسلامی و در نظم نوین جهان، در حوزه سیاست خارجی مدنظر قرار گرفته و کارایی خود در برابر فشارهای منطقه‌ای و جهانی آمریکا و اذتاب آن علیه نظام اسلامی را حفظ و افزایش دهد. تشریح، تبیین و تحلیل نظریه مقاومت به‌عنوان یکی از ملزومات ایجاد تمدن نوین اسلامی باید در ایران مورد توجه صاحب‌نظران در حوزه و دانشگاه قرار گرفته و راهکارهای علمی حفظ و تقویت آن مشخص و معرفی شود.

اکثریت اعضای مهم اوپک و اوپک‌پلاس و اوپک‌گازی، بخش مهمی از گروه ۲۰ و بیشتر اعضای غیرمتعهدها و سازمان همکاری اسلامی، اتحادیه آفریقا و اتحادیه آمریکای جنوبی، در جبهه غرب و علیه روسیه قرار نگرفتند، یعنی غیرمستقیم تمایل خود را به چندجانبه‌گرایی نشان دادند.

■ **استفاده از ظرفیت‌های نظم آینده برای تأمین منافع ملی**  
این دیپلمات با سابقه ادامه می‌دهد: رویکرد ضدروسی رژیم صهیونیستی که این اواخر نیز تشدید شده موجب انزوای بیشتر این رژیم در غرب آسیا شده و می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای چندجانبه‌گرایی و ایران ایجاد کند. آن چیزی که باید برای ایران مهم باشد، استفاده از ظرفیت‌های نظم آینده برای تأمین منافع ملی است. کارشکنی‌های اخیر آمریکا و اروپا در مذاکرات نشان می‌دهد کماکان خصومت‌های غرب علیه ایران پابرجاست و نمی‌توان به این بلوک امید بست؛ بنابراین برنامه‌ریزی برای افزایش همکاری‌های اقتصادی با روسیه و چین و تقویت مناسبات با اتحادیه اوراسیا، سازمان شانگهای و اولویت بخشیدن به افزایش حضور در حوزه اوراسیا می‌تواند موجب تأمین منافع ملی کشورمان شود.

سفیر سابق ایران در زامبیا با اشاره به بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ۲۹ بهمن ۱۳۹۶ می‌گوید: رویکرد نگاه به شرق و تقویت روابط با همسایگان در تنظیم روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران یک راهبرد منطقی و عقلانی است که بر اساس آن، ایران برای ارتباط با کشورهای شرق اولویت قائل می‌شود. از نظر رهبر معظم انقلاب، نگاه به شرق یک رویکرد واقع‌بینانه و به دنبال استفاده از فرصت‌های ارتباطی با کشورهای همسایه و حوزه آسیاست.

وی با بیان اینکه رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، به معنای پذیرش سلطه شرق و مغایر با سیاست «نه شرقی نه غربی» نیست، اضافه می‌کند: جمهوری اسلامی ایران در عین داشتن رابطه حسنه و دوستانه با همسایگان و قدرت‌های شرقی، هرگز سلطه آنان را نمی‌پذیرد و با استقلال کامل، مناسبات خود را با این کشورها تنظیم می‌کند. رویکرد نگاه به شرق که امروز به دلیل رفتار خصومت‌آمیز آمریکا نسبت به ایران و بی‌اعتمادی در مورد سیاست‌های اروپا، در اولویت برنامه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد، به دنبال ارتباط سالم و مبتنی بر منافع طرفین با قدرت‌های شرقی و همسایگان است.

در این رویکرد، اصل سیاسی و زیربنایی «نه شرقی نه غربی» محفوظ و تغییرناپذیر است و افزایش روابط با همسایگان و کشورهای شرق، با هدف تأمین منافع ملی و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و همچنین تقویت جبهه چندجانبه‌گرایی در جهان دنبال می‌شود. به نظر در نظم جدید، دولت‌های اوراسیایی از جمله ایران نقش مهمی در شکل‌دهی به نظام اقتصادی بین‌المللی خواهند داشت. در جهان اسلام نیز کشورهای تأثیرگذار از جمله ایران، ترکیه، مصر و عربستان به تدریج به یکدیگر نزدیک شده و رویکرد مشترکی برای تأمین امنیت منطقه‌ای و مبارزه با صهیونیسم و تروریسم اتخاذ خواهند کرد.

■ **نابودی اسرائیل محقق خواهد شد**  
پاک‌آیین اظهار می‌کند: اگر یادتان باشد رهبر معظم انقلاب اسلامی در شهریورماه ۱۳۹۴ در سخنانی مهم خطاب به صهیونیست‌ها تأکید کردند: «شما ۲۵ سال آینده را، اصولاً نخواهید دید و به فضل الهی، چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت». ایشان در آذرماه ۱۳۹۵ نیز در دیدار «رمضان عبدالله» این جمله را تکرار کرده و فرمودند: «رژیم صهیونیستی به شرط مبارزه همگانی و متحد فلسطینی‌ها و مسلمانان با صهیونیست‌ها در ۲۵ سال آینده وجود خارجی نخواهد داشت». اقدام‌هایی که به تازگی در سرزمین‌های

# تجربه یک انقلاب فرهنگی با رهبری دینی

سایر انقلاب‌ها در این بود که رهبری آن یک رهبری دینی بود و این امر در هیچ انقلابی در دنیا سابقه نداشته است. برای نخستین بار در تاریخ معاصر، انقلابی شکل می‌گیرد که رهبری دینی داشته است و برای نخستین بار دین اسلام به‌عنوان یک حرکت دگرگون‌ساز و انقلابی مطرح می‌شود. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نگاه دنیا به دین، یک نگاه متحجرانه و ارتجاعی بود و دین را افیون ملت می‌دانست اما ایران اسلامی آمد و این نگاه را تغییر داد؛ بدون شک امام خمینی این معادله را رقم زد و دیدگاه متفاوتی از دین و اسلام را مطرح کرد.

موضوع دیگر اینکه انقلاب اسلامی یک ماهیت فرهنگی داشت و بر محوریت استقلال تأکید می‌کرد؛ استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، استقلال دانشگاهی و همه ابعاد و حوزه‌ها را در نظر گرفته بود. این ویژگی، فرق اساسی انقلاب ایران با انقلاب فرانسه بود که بیشتر رنگ و بوی حقوق سیاسی و دموکراسی داشت یا انقلاب بلشویک‌ها در روسیه که بیشتر بر جنبه اقتصادی و حقوق کارگری تأکید می‌کرد تا موضوعات دیگر. انقلاب اسلامی ایران جامع‌تر بود و همزمان با خواسته‌های سیاسی و اقتصادی به دنبال استقلال فرهنگی و ارائه نمونه واقعی از اسلام بود تا نشان دهد اسلام چگونه می‌تواند زندگی انسان‌ها و نهادهای قدرت و جامعه را مدیریت کند. البته باید بگویم مطرح کردن این دیدگاه یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های عصر بود، چرا که الگویی برای مقایسه یا بهره گرفتن از تجربیات آن وجود نداشت؛ به همین دلیل برداشت‌ها و نظرات و مشکلات و چالش‌ها بسیار بزرگ و مهم بود و تجربه خاصی شد که به دین و اسلام و رهبری دینی توجه می‌شد و حس متفاوتی را ایجاد می‌کرد که با تجربه‌های قبلی کاملاً متفاوت بود. با تمام این‌ها، انقلاب اسلامی ایران از تلاش در این زمینه برای پیشرفت بیشتر این الگو و پدیده متوقف نمی‌شود.

ایالات متحده آمریکا از نخستین روز پیروزی انقلاب اسلامی ایران متوجه شد بخش بزرگی از نفوذ و تأثیرش در منطقه را از دست داده است. نگاه آمریکا به ایران پیش از انقلاب صرفاً یک نگاه ابزاری برای حفظ هیمنه و گسترش نفوذ خود بود که آزادانه می‌توانست هرکاری را از طریق ایران انجام دهد و حالا این جایگاه را از دست داده بود. از طرفی، انقلاب ایران از خاستگاه اسلامی خود گزینه‌های راهبردی زیادی داشت اما چون همه گرفتاری‌ها و مصائب خود را زیر سر آمریکا می‌دید، گام اول خود را بیرون آمدن از زیر چتر نفوذ آمریکا تشخیص داد و اعلام کرد دلیل تمام گرفتاری‌های منطقه، رژیم جعلی اسرائیل است.

وقتی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌کند از همه جنبش‌ها و گروه‌های آزادی‌خواه و مردمی حمایت می‌کند، حتماً خشم آمریکا و غرب را برمی‌انگیزد؛ بنابراین از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تا به امروز همه دولتمردان و رئیس‌ان جمهوری آمریکا از هر دو حزب، همواره بر مبنای یک سیاست و اصل ثابت با ایران اسلامی تعامل کردند و آن هم محاصره ایران و تنگ‌تر کردن حلقه‌های فشار برای جلوگیری از پیشرفت و رشد اقتصادی ایران و همچنین فتنه‌انگیزی بین ایران و کشورهای همسایه از جمله تفرقه‌انگیزی مذهبی و نژادی بود. همه این دشمنی‌ها نه فقط به خاطر خروج ایران از دایره نفوذ آمریکا بلکه اعلام سیاست ایستادگی و مخالفت با سیاست‌های استکباری آمریکا بود.

اگر بخواهیم بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌های دنیا مقایسه کنیم، به راحتی می‌توان از ویژگی تکیه و وابستگی دیگر انقلاب‌ها به اتحاد جماهیر شوروی یا آمریکا آن‌ها را بشناسیم اما انقلاب اسلامی ایران با همه این انقلاب‌ها فرق دارد؛ چرا که به هیچ قدرتی در دنیا وابسته نیست و تکیه نکرده است. تفاوت دوم انقلاب اسلامی ایران با



یکی از مهم‌ترین سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب که عمدتاً از ضریب رسانه‌ای فراوانی برخوردار می‌شود، سخنان نوروزی ایشان است که به دلیل نشان دادن جهت‌گیری جمهوری اسلامی ایران در سال پیش‌رو، بسیار مهم است.

یادداشت شفاهی

طلال عترت‌یسی

استاد دانشگاه بیروت



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۱۹



## ایران اسلامی ظرفیت نقش‌آفرینی جهانی

یادداشت شفاهی

رادنی شکسپیر

تحلیلگر انگلیسی

**امروز ایران در  
موقعیتی قرار دارد که  
فرصت دارد رهبری  
دنیا را به دست بگیرد  
و این موضوع هم بر  
بنیان تفکر اسلامی  
میسر است؛ ادامه راه  
باید براساس همان  
بنیان‌ها و ارزش‌های  
انقلاب اسلامی باشد**

نظر فرهنگی. اما یک موضوع مهم وجود دارد؛ ما می‌بینیم در غرب، درباره اسلام تصور اشتباهی ترویج می‌شود که این موجب شکاف میان دنیای غرب و اسلام شده است. این کاملاً واضح است و باید چهره واقعی اسلام ارائه و حقایق گفته شود. اسلام به دنبال عدالت و انصاف است؛ در واقع منظور امام خمینی از گسترش انقلاب، حضور خصمانه نظامی و جنگ‌افروزی نبود، بلکه ایشان درباره صدور اخلاق اسلامی و نظام حکومت‌داری اسلامی صحبت کردند و منظورشان این بود.

من در کتابی با عنوان «پاسخ به نامه رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به جوانان اروپایی و آمریکایی» که در سال ۲۰۱۵ نوشته بود، به این موضوع اشاره کردم که رهبری ایران از جوانان در سراسر دنیا خواستند به پروپاگاندهای ضداسلامی گوش ندهند، بلکه واقعاً خودشان درباره اسلام مطالعه کنند و ببینند حقیقت آن چیست. رهبر ایران نشان داد اسلام برای همه مشکلات کنونی دنیا راه حل دارد. به این موضوع فکر کنید که اکنون دنیا با چه مشکلاتی مواجه است؛ یکی از بزرگ‌ترین مشکلات، بحران فروپاشی اقتصادی است. ما شاهد شکاف جدی طبقاتی میان فقیر و غنی هستیم و نیمی از مردم دنیا با مشکلات جدی اقتصادی مواجه هستند. یکی دیگر از مشکلاتی که اکنون دنیا با آن روبه‌رو است، نابودی محیط‌زیست و تغییرات اقلیمی است که با سرعت بسیار زیادی رو به افزایش است. اکنون بیش از هر زمانی شاهد پیامدهای این موضوع هستیم، اما همان‌طور که رهبر ایران هم در آن نامه توضیح دادند، اسلام برای همه این‌ها پاسخ دارد.

ظلم ایران در دوره پهلوی یکی از ظالمانه‌ترین دیکتاتوری‌ها بود. من خودم آن دوران را به یاد دارم. شکنجه‌های بسیار وحشتناکی وجود داشت. از مردم جاسوسی می‌شد. در واقع شاه قدرت بی‌حدی داشت و هرکاری می‌خواست، انجام می‌داد. دلیلش هم این بود که رژیم شاه ثروت کلانی در اختیار داشت و شکاف میان ثروتمند و فقیر بسیار زیاد بود. شاه به ماهیت ایران که ذاتاً کشوری مستقل بود و همواره فرهنگ خودش را داشت هم اصلاً توجهی نداشت. شاه فقط به دنبال تحقق منافع آمریکایی‌ها بود. من به یاد دارم در آن زمان مرد جوانی بودم و اخبار ایران را دنبال می‌کردم؛ می‌دیدم این نظام استبدادی در واقع دست‌نشانده آمریکاست. رژیم شاه در واقع هیچ نسبتی با هویت فرهنگی، مذهبی و حتی سیاسی ایران نداشت. انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ رخ داد و آمریکا پس از وقوع انقلاب، تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال کرد. آمریکایی‌ها به شکلی ظالمانه از کشورهای مستقل متنفر هستند. این نفرت و بدظینتی آمریکایی‌ها مدام هم بیشتر می‌شود.

اما امروز ایران در موقعیتی قرار دارد که فرصت دارد تا رهبری دنیا را به دست بگیرد و این موضوع هم بر بنیان تفکر اسلامی میسر است؛ ادامه راه باید براساس همان بنیان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی باشد. مردم حالا دیگر می‌دانند در زمانه‌ای که هر کسی براساس سود و زیان عمل می‌کند، کسی به دنبال صلح واقعی نیست، چراکه جنگ‌افروزی و دوری از صلح، درآمد و سود اقتصادی فراوانی دارد. این در حالی است که چنین جنگ‌افروزی‌هایی برای کسب سود اقتصادی، هیچ جایی در اسلام ندارد. اسلام در این مورد مواضع شفاف و روشنی دارد. امام خمینی مفهوم کشور مستقل و استقلال را مطرح کرد. ایشان از نظام سیاسی بر بنیان مذهب و استقلال صحبت کرد. استقلال نه تنها از نظر سیاسی بلکه حتی از





ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۲۰

یادداشت

سعید سیدحسین زاده

تجربیات جهانی و نظریه‌های اقتصادی، اصول و قواعد «اقتصاد مقاومتی» را تأیید می‌کند

# استحکام ساخت درونی کشور عصاره نام‌گذاری‌های اقتصادی

داخلی، فسادستیزی، امنیت اقلام راهبردی و اصلاح الگوی مصرف. تحلیل محتوای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز نشان می‌دهد چهار مفهوم اصلی که سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی روی آن بنا شده عبارت است از: فرهنگ‌سازی، ارتقای تولید ملی، کاهش آسیب‌پذیری و عدالت اجتماعی. می‌توان گفت سایر بندهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به نوعی به این چهار محور بازمی‌گردد. این مفاهیم به نوعی ابعاد مختلف نظریه اقتصاد مقاومتی را نشان می‌دهد اما به نوعی می‌توان تمام این مفاهیم را به یک مفهوم پایه و هسته سخت ارجاع داد. با بررسی مفاهیم و کلماتی که رهبر معظم انقلاب اسلامی در توصیف مفهوم اقتصاد مقاومتی به کار برده‌اند، می‌توان گفت هسته سخت نظریه اقتصاد مقاومتی، «استحکام ساخت درون» است.

بنابراین هر مفهومی که به ارتقای استحکام ساخت درون اقتصاد کمک کند، اقتصاد مقاومتی است و مفاهیمی از جمله درون‌زایی، مردم‌بنیادی، دانش‌بنیانی، اصلاح الگوی مصرف و ارتقای تولید ملی به نوعی مفاهیم و رهنمود ایجابی اقتصاد مقاومتی است. از سویی دیگر مفاهیمی همچون کاهش آسیب‌پذیری، مبارزه با فساد، تاب‌آوری و ضدشکنندگی، مقابله با تهدیدهای اقتصادی به نوعی مفاهیم و رهنمود سلبی اقتصاد مقاومتی هستند که عدم تحقق آن‌ها موجب کاهش استحکام ساخت درون اقتصاد خواهد شد. بنابراین از این منظر اقتصاد مقاومتی، مجموعه رهنمودهای سلبی و ایجابی است که موجب استحکام ساخت درون اقتصاد در هر سطحی (چه سطح ملی و چه سطح سازمانی) در مقابل تکانه‌های برون‌زا و درون‌زاست.

## ■ توجه به استحکام ساخت درون در کشورهای موفق اقتصادی

نگاهی به تاریخ کشورهای موفق اقتصادی مانند آمریکا، آلمان، انگلیس و ژاپن نشان‌دهنده این مهم است که تمام کشورهای موفق بزرگ بدون استثنا، دوره‌ای از ملی‌گرایی اقتصادی و تأکید بر تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ملی خود را در دستور کار داشته‌اند و مؤلفه ملی‌گرایی و درون‌زایی اقتصادی همواره با بسته سیاست‌های هوشمندانه برون‌گرایی جزو عناصر توابع هدف سیاست‌گذاری این کشورها بوده است.

رهبر معظم انقلاب در یکی از سخنرانی‌های خود اشاره داشتند که رمز پیشرفت ۱۵۰ سال اخیر آمریکا، عمل به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. تجربه آمریکا در ۱۵۰ سال اخیر نشان داده است این کشور با ارتقای تولید و صنایع داخلی، توجه به ابداع، فناوری و دانش و همچنین کاهش وابستگی به نفت توانسته است بخشی از آسیب‌پذیری اقتصاد داخلی خود را کاهش داده و به رشد اقتصادی دست یابد. صرف نظر از

انقلاب اسلامی از بدو پیروزی خود تاکنون، با انواع تهدیدهای نظامی، فرهنگی و اقتصادی مواجه بوده است و طبق سنت نبرد دائمی جبهه حق و باطل، این تهدیدها همچنان ادامه دارد و در برهه کنونی جبهه باطل از ابزار تحریم هوشمند و فشار اقتصادی که به‌مثابه یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است، استفاده کرده است. رهبر معظم انقلاب، نظریه «اقتصاد مقاومتی» را برای مقابله با این تهدیدها مطرح کرده و یکی از انگیزه‌های طرح این نظریه را مقابله با «تهدیدهای اقتصادی خارجی» بیان کردند و اقتصاد مقاومتی را به‌مثابه اقتداری درون‌زا که هم کشور را در مقابل تهدیدها مصون و هم شرایط رشد و پیشرفت اقتصادی کشور را تضمین می‌کند، تعریف کردند. همچنین ایشان ریل‌گذاری تحقق این نظریه را با ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی انجام دادند. بنابراین اقتصاد مقاومتی یک برنامه کوتاه‌مدت نبوده، بلکه یک فرایند و راهبرد کلان است و صرفاً یک تاکتیک نبوده و مربوط به دوره تحریم نخواهد بود، بلکه اگر تمام حمله‌ها نیز پایان یابند و البته با لحاظ کردن شرایط مکانی- زمانی، باز هم تمامی عناصری که در سند سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی وجود دارد، جزو برنامه‌های کشور خواهد بود و باید به این سیاست‌ها به عنوان یک راهبرد توجه شود. به عبارت دیگر جریان اقتصاد مقاومتی یک جریان سیاست‌زده کوتاه‌مدت ایدئولوژیک سیاسی نیست.

## ■ مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی؛ یک اصل عقلانی در جهان

اقتصاد مقاومتی مفهومی عقلی است. شاهد بر این مدعا این است که در هر جای دنیا اصل بر استحکام، مقاومت و قوام است و این یک اصل عقلی است. با نگاهی به دیگر نظام‌های اقتصادی دنیا ملاحظه می‌شود که تمام آن‌ها همواره سعی در مقاوم‌سازی بافت‌ها و ساختارهای خویش داشته‌اند و این امر با تکامل دانش، همواره در مسیر خود رو به پیشرفت بوده است، بدین معنا که جهت‌گیری تمام تئوری‌های جدید، نیل به این هدف یعنی قوام و مقاوم‌سازی است. رهبر معظم انقلاب با همین نگاه، اقتصاد مقاومتی به معنای مقاوم‌سازی کشور در مقابل تکانه‌های مختلف را الگویی علمی متناسب با نیازهای کشور و نیز اندیشه تجربه شده و یک اصل پذیرفته شده در دنیا می‌دانند که کشور را در برابر تکانه‌های گوناگون جهانی حفظ خواهد کرد.

رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌های مکرر خود، ابعاد مختلف اقتصاد مقاومتی را برشمردند اما مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی از منظر ایشان به صورت اجمالی عبارت است از: الگوی علمی متناسب با کشور ما، درون‌زایی، مردم‌بنیادی، دانش‌بنیانی، جهادی، عدالت‌محوری و برون‌گرایی، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا، تکیه بر ظرفیت‌های

**اقتصاد مقاومتی یک برنامه کوتاه‌مدت نبوده، بلکه یک فرایند و راهبرد کلان است و صرفاً یک تاکتیک نبوده و مربوط به دوره تحریم نخواهد بود، بلکه اگر تمام حمله‌ها نیز پایان یابند باز هم تمامی عناصری که در سند سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی وجود دارد، جزو برنامه‌های کشور خواهد بود**



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

نتیجه آن ایجاد صناعی رقابت‌پذیر و باکیفیت باشد.

### ■ کنار گذاشتن سیاست‌های نئولیبرالی و عمل به اقتصاد مقاومتی؛ رمز پیشرفت اقتصادی

اگر اقتصاد کشور بخواهد در مسیر پیشرفت قرار بگیرد لازم است سیاست‌های نئولیبرالی را کنار گذاشته و به صورت کامل به رهنمودهای اقتصادی رهبر معظم انقلاب در قالب اقتصاد مقاومتی عمل کند. کاهش نقش دولت در واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، حذف یارانه‌های انرژی و کالاهای اساسی و کاهش سرمایه اجتماعی دولت، مقررات‌زدایی از تمام فعالیت‌ها و حرکت به سمت بازاری‌سازی تمام فعالیت‌های اقتصادی و کاهش نقش دولت از نظارت و تنظیم‌گری، واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی دولت در حوزه آموزش، بهداشت و مسکن به بخش خصوصی، سرمایه‌ای و بورسی کردن کالاهای اساسی نظیر مسکن و خودرو و همچنین مواد اولیه اساسی برای تولید نظیر فولاد و مس و خارج کردن آن از کنترل و قیمت‌گذاری دولت، آزادسازی بازار ارز و تک‌نرخ کردن آن، گرایش به عدم کنترل ورود و خروج سرمایه و قاچاق از کشور، افزایش و گسترش بانکداری خصوصی و افزایش بی‌ضابطه نقدینگی و کاهش توان دولت و بانک مرکزی برای نظارت و جلوگیری از اثرات مخرب آن بر اقتصاد، عدم نظارت بر واردات کالاهای و خدمات و قاچاق سازمان‌یافته و بی‌رویه، همچنین گسترش مناطق آزاد تجاری و نهادینه‌سازی واردات و جلوگیری نکردن از واردات کالاهای لوکس و عدم مدیریت بهینه بر مصارف ارزی کشور، پیگیری نکردن سیاست‌های خودکفایی و تقویت تولید ملی به خصوص در زمینه کشاورزی و در نتیجه ناتوانی اقتصاد در تأمین امنیت غذایی و افزایش وابستگی دولت به واردات کالاهای اساسی نظیر نهاده‌های دامی و... همه و همه سیاست‌هایی است که ضمن ایجاد دولتی غیرمقتدر که توان و اقتدار لازم برای حکمرانی اقتصادی ندارد، زمینه را برای کاهش استحکام ساخت درونی کشور فراهم می‌آورد و حرکت به سمت این سیاست‌ها روز به روز اقتصاد کشور را از پی‌جویی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و همچنین استحکام ساخت درونی کشور دورتر خواهد کرد.

### ■ نقش دولت برای تسهیل مردمی‌سازی اقتصاد

اقتصاد مقاومتی با تکیه بر توان و مشارکت مردمی و با تسهیل‌گری دولت برای ارتقای نقش مردم در اقتصاد محقق خواهد شد، نه با کاهش نقش دولت در اقتصاد و سپردن کامل اقتصاد به بخش خصوصی و کاهش توان و اقتدار دولت در تنظیم‌گیری امور اقتصادی. به عبارتی دیگر، نقش دولت در ایجاد و تأسیس بازار، حفاظت از ایجاد رقابت در بازار و نیز حمایت از مصرف‌کننده نهایی می‌بایست در حکمرانی اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. همچنین نقش دولت می‌بایست بر افزایش مشارکت مردم در اقتصاد متمرکز شود.

این مهم در اقتصاد مقاومتی و کلام رهبر انقلاب تأکید شده است و ایشان مردمی‌سازی اقتصاد را یکی از ارکان و رویکردهای مهم اقتصاد مقاومتی برشمردند. از منظر رهبر انقلاب «اقتصاد مقاومتی، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ یعنی با اراده مردم، سرمایه مردم و حضور مردم تحقق پیدا می‌کند اما اینکه اقتصاد مردمی، دولتی نیست به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا که دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت به عنوان یک مسئول عمومی - نظارت می‌کند، هدایت می‌کند و کمک می‌کند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه دولت است و دولت وظیفه دارد که شرایط را تسهیل کند» (۱/۱۳۹۳). همان طور که در کلام رهبری مشهود است، اقتصاد مردمی به معنای کنار کشیدن دولت از وظایف خود نیست، بلکه در اقتصاد مردمی، دولت وظایف خود را در چارچوب مشخص و در راستای تسهیل روند مردمی‌سازی اقتصاد و نظارت و هدایت آن ایفا می‌کند.

جهت‌گیری‌های ارزشی و نیز پیامدهای ناگوار اجرای سرمایه‌داری در این کشور نظیر افزایش بی‌عدالتی و فاصله طبقاتی و افزایش آمار فقر و جرم و جنایت و آسیب‌های اخلاقی، می‌توان گفت سه تجربه این کشور که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و سخنان رهبر انقلاب نیز بارها مورد تأکید قرار گرفته که از تولید ملی به عنوان ستون فقرات اقتصاد مقاومتی یاد شده و بر رهایی از وابستگی به نفت و اقتصاد دانش‌بنیان تأکید جدی شده می‌توانند به عنوان اصولی تجربه شده، موجبات مقاوم‌سازی بیشتر اقتصاد کشور را فراهم آورند.

### ■ استقلال اقتصادی و قدرت صنعتی در پرتو توجه به اقتصاد مقاومتی

رهبران آمریکا، استقلال اقتصادی و قدرت صنعتی خود را با قوانین تحمیلی جهان که متکی و مبتنی بر قدرت اقتصادی انگلیس بود و کشورها را به تجارت آزاد و باز گذاشتن مرزهای خود به روی کالاهای خارجی دعوت می‌کرد، تعویض نکردند. آن‌ها پس از استقلال از بریتانیا، سیاست حمایت از تولید را که معروف به «نظام اقتصادی آمریکایی» شد، برگزیدند و با اینکه در سال ۱۷۸۹ میلادی اقتصاد جمهوری تازه‌تأسیس آمریکا عمدتاً مبتنی بر کشاورزی بود، با به کارگیری سیاست حمایت از تولید داخلی تا سال ۱۸۶۰ میلادی سومین اقتصاد صنعتی بزرگ جهان در کنار بریتانیا و فرانسه بود. هر چند سیاست حمایت از تولید داخلی که رکن اصلی پیشرفت اقتصاد است در این کشور دارای افت و خیزهایی بوده اما مبانی حمایت از تولید داخلی در این کشور هرگز خدشه‌دار نشده است. حمایت از تولید ملی و ایجاد شغل در آمریکا، با وجود مطرح کردن شعار تجارت آزاد، خط قرمز مسئولان آمریکاست و هر موقع که این مهم با خطر مواجه شود تمامی قوانین تجارت جهانی را زیر پا می‌گذارند.

اجرای آموزه‌های اقتصاد مقاومتی به معنای حمایت همه‌جانبه از تولید ملی طی حدود ۱۵۰ سال پس از استقلال آمریکا سبب شد آمریکا در پایان قرن ۱۹ میلادی و تا زمان جنگ‌های جهانی اول و دوم به سطح بالایی از خودکفایی و پیشرفت صنعتی برسد. از ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰ میلادی یعنی دوره‌ای با مشخصه شکوفایی گسترده اقتصادی در آمریکا، قشر مرفه با نسبتی تقریباً مشابه برای آمریکایی‌های طبقات پایین و متوسط ثروتمندتر شدند. آمریکایی‌ها از کارگر کارخانه گرفته تا مدیر اجرایی دوبرابر شدن درآمد را تجربه کردند. اوج قدرت ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم بود؛ زمانی که این کشور به معنای واقعی کلمه نیمی از ثروت جهان را در اختیار داشت.

### ■ سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی، دشمن پیشرفت اقتصادی کشورها

بررسی تجربه تاریخی کشورها نشان می‌دهد هیچ کدام از کشورها در ابتدا با ایدئولوژی بازار آزاد و سیاست‌های ترویج یافته توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به توسعه دست نیافتند؛ سیاست‌هایی از قبیل کوچک‌سازی دولت، خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی، آزادسازی تجارت، آزادسازی بازار پول و سرمایه و حساب سرمایه بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی، بلکه همه عناصر فوق به طور هوشمندانه کنترل و قاعده‌گذاری می‌شده است تا صنایع داخلی بتوانند کیفیت خود را حفظ و ارتقا دهند و به گونه‌ای درون‌زایی صنایع داخلی شکل بگیرد، پس از این دوران گذار و دست یافتن به قدرت رقابت‌پذیری خارجی اقدام به تبلیغ سیاست‌هایی همچون تجارت آزاد، حذف موانع تعرفه‌ای و عضویت در سازمان تجارت جهانی کردند، به گونه‌ای که در نظام مبادله جهانی ارزش افزوده بیشتری عاید آن‌ها خواهد شد و دست بالا را در تجارت جهانی داشته‌اند. دو کشوری که به عنوان قهرمانان تجارت آزاد معرفی می‌شوند، یعنی انگلیس و آمریکا، نه تنها اقتصادهایی مبتنی بر تجارت آزاد نبودند، بلکه در میان کشورهای ثروتمند، حمایت‌گراترین اقتصادها بودند تا زمانی که هر یک به قدرت صنعتی مسلط تبدیل شوند. یکی دیگر از تجارب کشورهای موفق این بوده که دولت نقشی اساسی و جدی در هدایت و شکل‌دهی به بازار و نیز ایجاد بخش خصوصی کارآمد بازی می‌کرده و به صورت هوشمندانه‌ای سیاست‌های تجاری، صادرات، واردات، یارانه‌ها و... تنظیم شده است تا

**اقتصاد مقاومتی  
با تکیه بر توان و  
مشارکت مردمی و  
با تسهیل‌گری دولت  
برای ارتقای نقش  
مردم در اقتصاد  
محقق خواهد شد، نه  
با کاهش نقش دولت  
در اقتصاد و سپردن  
کامل اقتصاد به بخش  
خصوصی و کاهش  
توان و اقتدار دولت  
در تنظیم‌گیری امور  
اقتصادی**



کافی است مروری گذرا بر عناوینی که رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای هر سال برای آن معین می‌کنند داشته باشیم؛ از سال ۱۳۸۷ به بعد تمام سال‌ها با شعار اقتصادی آغاز شده‌اند یا دست‌کم رنگ و بویی از اقتصاد داشته‌اند و شاید امروز که کشور با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند، چرایی اشاره انگشت رهبری به سوی «اقتصاد مقاومتی» را بیش از پیش درک کنیم. آبان ماه ۱۴۰۱ بود که روزنامه قدس در گفت‌وگویی مشروح با سیدیا سر جبرائیلی، رئیس مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی اجرای سیاست‌های کلی نظام، ابعاد مختلف وضعیت اقتصادی کشور را مورد واکاوی قرار داد و اکنون به بازخوانی بخش‌هایی از آن می‌پردازیم تا شاید پاسخ این پرسش را بیابیم: «چرا با وجود تأکیدهای ۱۵ ساله رهبر معظم انقلاب اسلامی بر ضرورت تقویت اقتصاد کشور، اما امروز در موضع ضعف اقتصادی قرار داریم؟» پرسش و پاسخ‌های پیش رویتان را بخوانید.

و به‌عنوان مثال از زاویه یک سند بالادستی، پیشرفت کشور را ارزیابی کنیم، من سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ را انتخاب خواهیم کرد؛ در نسبت با این سند، کشور دستاوردهای شگرفی در حوزه‌های علم و فناوری، سلامت و امنیت، استقلال و اقتدار، همبستگی ملی و الهام‌بخشی و تأثیرگذاری در جهان و منطقه به ثبت رسانده است، اما متأسفانه هنوز کاستی‌هایی در حوزه اقتصاد و عدالت اجتماعی وجود دارد که ناشی از عملکرد ضعیف دهه ۱۳۹۰ است. این عملکرد ضعیف دلایل متعددی دارد که بخشی از آن‌ها اجرایی و عملکردی و بخشی دیگر، فکری و رویکردی هستند که البته قاعداً قابل تفکیک هم نیستند چون عملکرد متأثر از رویکرد است. اگر بخواهم مهم‌ترین دلیل ناکامی‌های اقتصادی دهه ۹۰ را بیان کنم،

■ گفت‌وگو را از اتفاقات دهه ۹۰ و سقوط بسیاری از شاخص‌های اقتصادی کشور آغاز کنیم؛ موضوعی که مورد انتقاد رهبر معظم انقلاب هم قرار گرفت. به نظر شما علت شرایط اقتصادی دهه ۹۰ چه بود و آیا ریشه آن به سال‌های قبل‌تر از آن دهه هم برمی‌گردد؟ همان‌طوری که اشاره کردید، اقتصاد ایران در دهه ۹۰ شاخص‌های مطلوبی به یادگار نگذاشت. باید پذیرفت طبیعتاً وقتی در یک حوزه پراهمیت، ضعف پیدا می‌شود، قوت‌ها و دستاوردها در حوزه‌های دیگر، از نقطه تمرکز افکار عمومی دور می‌شود؛ آن هم در این جنگ شناختی تمام‌عیار امروز که دشمن به سبب مزیت مطلق که در حوزه رسانه دارد، در مسیر دسترسی حاکمیت به افکار عمومی مردم اختلال و انسداد ایجاد کرده است. اما اگر بخواهیم واقعی به صحنه نگاه کنیم

**مهم‌ترین دلیل ناکامی‌های اقتصادی دهه ۹۰ این بود که در این دوره به استحکام ساخت درونی قدرت توجه نشد و مسئله پیشرفت کشور از کانال نگاه به بیرون دنبال شد؛ یعنی آنچه باید عمل می‌شد، اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا بود ولی ما دنبال برون‌زایی اقتصاد بودیم**



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۲۳

فرایند پیشرفت است. بالاخره ما می‌خواهیم کدام الگو را برای پیشرفت انتخاب کنیم؟ با وجود روشن بودن مسئله در ساحت نظر، هنوز اراده‌ای برای پیاده‌سازی الگویی مستقل از اقتصاد دولتی یا اقتصاد بازار به چشم نمی‌خورد. بین مسئولان ما سردرگمی وجود دارد؛ یک عده قائل به اقتصاد دولتی دهه شصتی هستند، یک عده هم به تداوم مسیر رهاسازی اقتصاد و پیاده‌سازی ایده‌های نئولیبرالیستی که از دهه ۸۰ شروع شد.

■ **الگوی مطلوب برای اقتصاد ایران چه باید باشد؟ آیا نسخه نهادهای نئولیبرال مثل بانک جهانی یا سازمان تجارت جهانی که توسط آمریکایی‌ها تبلیغ، ترویج و پشتیبانی می‌شود، مناسب است؟**

کشورهای پیشرفته امروزی برای رسیدن به این مرحله، خودشان اصلاً این نسخه را پیاده نکردند. حتماً این جمله آقای فردریش لیست، اقتصاددان آلمانی را شنیده‌اید که می‌گوید این‌ها از نردبان حمایت از تولید داخلی بالا رفتند و عاقلانه‌تر از این نمی‌توانستند عمل کنند که این نردبان را برای دیگران واژگون کنند. هیچ‌کدام از کشورهای غربی از مسیری که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی تجویز می‌کنند به پیشرفت نرسیدند. به هیچ وجه این‌طور نبوده که همه‌چیز را خصوصی‌سازی کنند، مقررات‌زدایی و آزادسازی کنند و بعد محصول این سه‌گانه مقدس نئولیبرالیسم بشود پیشرفت کشورهای غربی! در واقع باید بگوییم نئولیبرالیسم در دوره پیش از توسعه، مانع توسعه است و در دوره پس‌توسعه، عامل شکاف طبقاتی. اگر اقتصاد به دست سرمایه‌داران رها شود این افراد روزبه‌روز بر سرمایه خود می‌افزایند. ظهور یک‌درصدی‌ها تجلی اجرای همین سیاست‌هاست. هرچه به این سیاست‌های نئولیبرال نزدیک شده‌ایم، هم در مسیر پیشرفت عقب افتاده‌ایم، هم در برقراری عدالت ناکام مانده‌ایم.

دو الگوی رایج و غالب از دوران پیش از جنگ سرد برای پیشرفت اقتصادی و عدالت وجود داشت؛ یکی از آن‌ها اقتصاد کمونیستی بود که در سال ۱۹۹۱ به فروپاشی عملی رسید و یکی هم سرمایه‌داری نئولیبرال که به گفته بنیان و صاحبانش ناکام بوده است. پس ما چه کنیم تا نه به سرنوشت کمونیسم دچار شویم و نه به سرنوشت نئولیبرالیسم؟ الگوی ما چیست؟ ما باید ابتدا این را بپذیریم که حتماً نباید یکی از این دو را انتخاب کنیم؛ می‌شود به ترکیب‌های متعددی از تعامل بخش خصوصی و دولتی فکر کرد. ما یک اقتدار مرکزی که بتواند مصالح عموم مردم را تشخیص دهد و همه ظرفیت‌های عمومی و خصوصی را در جهت منافع ملی هدایت کند، نداریم. ما دارایی‌ها را از دست دولت گرفتیم و به بخش خصوصی واگذار کردیم - البته تأکید می‌کنم ما با مالکیت و تصدی‌گری دولتی مخالف‌ایم - اما آیا به موازات کوچک شدن دولت، دولت باید ضعیف هم می‌شد؟ آیا اقتدار حاکمیتی او هم باید واگذار می‌شد؟ اما متأسفانه شد آنچه نباید می‌شد.

■ **پس فلسفه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ابلاغی توسط رهبر معظم انقلاب چه بود؟**

فلسفه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ خصوصی‌سازی به این شکل نبود؛ بلکه بازتعریف نقش دولت بود؛ یعنی دولت باید از نقش تصدی‌گر و مالک تبدیل به هادی، حامی و ناظر می‌شد؛ اما به خصوصی‌سازی صرف تقلیل یافت. امروز دولت ما برای بخش خصوصی برنامه‌ریزی نمی‌کند. اکنون نئولیبرال‌ها این سخن را در حد کفریات می‌دانند که بگوییم دولت بیاید برای بخش خصوصی برنامه‌ریزی کند؛ اما در اصل ۴۴ چنین کارکردی برای دولت در نسبت با بخش خصوصی پیش‌بینی شده است.

حضرت آقا یک فرمایشی دارند که فعالیت اقتصادی در اسلام

گفت‌وگو با سید یاسر جبرائیلی  
رئیس مرکز ارزیابی و نظارت راهبردی اجرای سیاست‌های  
کلی نظام که نجات اقتصاد را در بازگشت به سیاست‌های  
ابلاغی رهبر معظم انقلاب می‌داند

# احیای اقتدار حکمرانی اقتصادی فوری‌ترین نیاز کشور



خواهم گفت در این دوره به استحکام ساخت درونی قدرت توجه نشد و مسئله پیشرفت کشور از کانال نگاه به بیرون دنبال شد؛ یعنی آنچه باید عمل می‌شد، اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا بود ولی ما دنبال برون‌زایی اقتصاد بودیم. تلقی این بود توسعه یک امر وارداتی است و ما باید با ارائه امتیازاتی به دشمن، توافق هسته‌ای را به انجام برسانیم تا دیگران بیایند و توسعه را برای ما رقم بزنند؛ یا نسخه‌های تجویزی غرب را در اقتصاد اجرا کنیم و به پیشرفت برسیم. خب این تلقی اشتباه بود و اقتصاد ایران در یک دوره‌ای معطل امضای برجام، در دوره‌ای معطل اجرای آن و در دوره دیگری در انتظار احیای آن بود. اجرای نسخه‌های غربی نیز به مثابه لبه دیگر قیچی عمل کرد.

بحمدالله با روی کار آمدن دولت جدید، رویکرد، دیگر این نیست و اقتصاد ایران به مذاکرات گره نخورده است. کاستی‌های دهه ۹۰ باید از همان نقطه‌ای که منشأ انحراف بود، اصلاح شود؛ یعنی با تمرکز بر «استحکام ساخت درونی قدرت» و «نگاه درون‌زا به پیشرفت». در دهه‌های اخیر، هم سرمایه انسانی منحصر به فردی تربیت شده و هم دستاوردهای شگرفی در حوزه علم و فناوری تحصیل و انباشت شده که دستیابی به اهداف باقیمانده از سند چشم‌انداز، با بالفعل‌سازی این ظرفیت عظیم و برقراری پیوند میان داشته‌ها و مسئله‌ها، ممکن است. اما یک مسئله مهم دیگر که به نظر می‌رسد در دولت فعلی هم حل نشده، سردرگمی فکری مسئولان ما در زمینه نقش‌آفرینی دولت در

فلسفه سیاست‌های  
کلی اصل ۴۴  
خصوصی‌سازی به  
این شکل نبود؛ بلکه  
بازتعریف نقش دولت  
بود؛ یعنی دولت باید  
از نقش تصدی‌گر و  
مالک تبدیل به هادی،  
حامی و ناظر می‌شد؛  
اما به خصوصی‌سازی  
صرف تقلیل یافت

**در دوره استعمار  
فرانو، این ارزش‌های  
نئولیبرال هستند  
که این نقش را  
برای استعمارگر ایفا  
می‌کنند. دیگر حاکم  
نظامی اشغالگر  
یا دیکتاتور بومی  
دست‌نشانده،  
دروازه‌های کشور را  
به روی استعمارگر  
باز نمی‌کند؛ تفکر  
نئولیبرال است  
که کشور را برای  
غارت استعمارگر،  
«آزادسازی» می‌کند**

آزاد است، اما برای اشراف و نظارت دولت، اسلام هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد. اینکه ما نمی‌خواهیم به حسابتان سرک بکشیم و چون بخش خصوصی هستید به شما کاری نداریم، این‌ها مطرح نیست. یک جمله دیگر هم دارند که می‌فرمایند فعالیت اقتصادی در اسلام آزاد است ولی این‌طور نیست که هر کس هرطور دلش خواست تولید، توزیع یا مصرف کند؛ اسلام برای این‌ها قیود و چارچوبی دارد. فلسفه اصل ۴۴ این بود از انگیزه خلق ثروت بخش خصوصی که کمونیسیم آن را می‌گشود و نئولیبرالیسم رهاش می‌کند، برای تأمین منافع ملی و پیشرفت کشور استفاده کنیم. چنین کارکردی مستلزم این بود که فضا را برای فعالیت بخش خصوصی باز کنید، اما برای بخش خصوصی ریل‌گذاری کنید. آنجا که نیاز است از او حمایت کنید و هر جا لازم بود جلو انحرافش را بگیرید؛ در برنامه پیشرفت ملی برایش نقش تعریف کنید. این اعمال اقتدار نظام اسلامی روی دارایی‌های خصوصی، یک بحث مهم است که باید دنبال شود و ما از آن غافل شدیم.

حال ما چه کردیم؟ فعالیت بخش خصوصی را مجاز کردیم، دارایی‌های دولت را هم تا حد زیادی به بخش خصوصی واگذار کردیم. وقتی چنین شد، باید برای دولت اقتدار برنامه‌ریزی و نظارت بر بخش خصوصی را ایجاد می‌کردیم. ما آمدیم هم منابع را واگذار و هم ظرفیت‌های حکمرانی را تخلیه کردیم. برای مبحث «الزامات واگذاری» در بند «ج» سیاست‌های اصل ۴۴ ناظر به ایفای نقش حاکمیتی و سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر اقتصاد ملی نهادسازی نکردیم. اگر به همین بند دقت کنید؛ بر «تغییر وظایف حاکمیتی» تصریح شده، نه «حاکمیت‌زدایی» یا «مسئولیت‌زدایی و اقتدارزدایی از حاکمیت». نه تنها در این زمینه نهادسازی نکردیم بلکه اختیارات موجود در دست حاکمیت را هم تراشیدیم و واگذار کردیم. به‌عنوان مثال در حوزه تجارت خارجی، اختیار حاکمیت را تراشیدیم و به اتاق بازرگانی دادیم؛ در حوزه‌های دیگر هم همین‌طور. در پزشکی، پرستاری، وکالت، مهندسی، بانک‌داری و حتی ورزش، حاکمیت را خلع ید کردیم و اختیاراتش را به بخش خصوصی دادیم! حتی در بانک مرکزی هم در حال تراشیدن اختیارات حاکمیتی و واگذاری آن به متخصصان پولی و بانکی هستیم؛ یعنی حاکمیت دارد به یک موجودیتی تبدیل می‌شود که مطالبات مردم متوجهش است اما ابزار و امکان پاسخ‌گویی ندارد؛ اقتدار برای به‌کارگیری ابزارهای موجود در جهت پیشرفت کشور را هم ندارد. اگر بخواهم یک اولویت برای کشور ذکر کنم، احیای این اقتدار تحلیل‌رفته است.

■ **گفتید با مالکیت دولت موافق نیستیم. امروز بحث مالکیت انفال را داریم، اصلاً یکی از عوامل اقتدار دولت به همان مالکیت‌های عمومی است که دارد. وقتی مالکیت را واگذار کنید به چه طریقی می‌توانید اقتدارتان را اعمال کنید؟**

مالکیت بر انفال غیر از مالکیت بر ابزار تولید است؛ غیر از فعالیت در زمینه بهره‌برداری در جهت برنامه مالک. انفال دارایی عمومی و در دست ولی فقیه است و باید تحت حاکمیت اسلام باشد. اما آیا این مالکیت، بدین معنی است که مالک نمی‌تواند برای بهره‌برداری از منابع و هزینه‌کرد درآمد، از ابزار بخش خصوصی استفاده کند؟ اشکال در آنجا پیدا



می‌شود که شما مالکیت تام منابع عمومی را واگذار کنید به نحوی که امکان اعمال اقتدار بر آن را از دست دهید. حالا شاید این منابع عمومی را منحصر در نفت و معادن و این‌ها بدانید، اما من معتقدم حتی تسهیلات بانکی هم جزو این منابع عمومی است که باید اعمال اقتدار بر آن در اختیار حاکمیت باشد که کجا و چگونه هزینه شود. نباید این‌گونه باشد که چون بانک خصوصی است، بتواند تسهیلات را به هر بخشی که اراده کرد، تخصیص دهد. البته نئولیبرال‌ها این سخن را نمی‌پسندند. می‌گویند بانک یک بنگاه اقتصادی است و نباید برایش تعیین تکلیف کرد که به کجا تسهیلات دهد. نتیجه این می‌شود در شرایطی که تولید در کشور تشنه نقدینگی است، یک بانک ۷۰ درصد تسهیلاتش را به شرکت‌های زیرمجموعه‌اش می‌دهد.

■ **با این همه تجربه تاریخی و عوارض سیاست‌های نئولیبرال که خود کشورهای غربی به آن اعتراف می‌کنند، چرا بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول این مدل را به کشورهایی مثل ایران توصیه می‌کنند؟**

برگردیم به همان جمله فردریش لیست درباره پشت پا زدن به نردبان؛ چرا انگلیس وقتی از نردبان حمایت از تولید بالا رفت، می‌گوید باید آزادسازی تجاری کرد؟ به خاطر اینکه شرط تداوم استعمار، این آزادسازی‌هاست. استعمار هدفش چیست؟ استعمار دو هدف دارد؛ یکی تصرف بازار مستعمره است و یکی غارت منابع مستعمره. بقیه ابزارهایی که به کار می‌گیرد از جمله ابزارهای نظامی، سیاسی و فرهنگی در خدمت این دو مورد است که بیاید منابع تو را ببرد و بازار تو را تصاحب کند و این‌طور خودش ثروتش را بیشینه کند. استعمارگران زمانی اشغال نظامی می‌کردند - مثل هند - و بازاریش را تصرف و منابعش را غارت می‌کردند. در دوره استعمار نو، یک دیکتاتور بومی دست‌نشانده گذاشتند که در را به روی استعمارگران باز نگه دارد. این الگو، در واقع الگوی استعماری آمریکا است. می‌گویند درهای باز و مرزهای بسته؛ یعنی استقلال سیاسی کشور را به رسمیت می‌شناسند و مرزهای بسته و متعلق به خودت است؛ اشغال نظامی نمی‌کنیم، اما دروازه‌های کشور را برای من باز بگذار تا بتوانم بازار کشور را تصرف و منابعش را غارت کنم. در دوره استعمار فرانو، این ارزش‌های نئولیبرال هستند که این نقش را برای استعمارگر ایفا می‌کنند. دیگر حاکم نظامی اشغالگر یا دیکتاتور بومی دست‌نشانده، دروازه‌های کشور را به روی استعمارگر باز نمی‌کند؛ تفکر نئولیبرال است که کشور را برای غارت استعمارگر، «آزادسازی» می‌کند.

بازار یک عنصر بسیار مهم در پیشرفت است؛ یعنی دسترسی به بازار شرط لازم پیشرفت است. شما اگر بازاری برای عرضه محصول نداشته باشید، محصولی که تولید کنید روی دستتان می‌ماند. این‌ها می‌گویند در را برای من باز بگذارید تا بازاریتان را تصرف کنم و شما به واسطه از دست دادن بازار خود، عقب می‌مانی. چرا این کار را می‌کنند؟ چون اگر پیشرفت کنید منابعتان را خودتان مصرف می‌کنید و بازاریتان هم در اختیار خودتان است. نفت دارید، اگر پیشرفت کنید و زنجیره ارزش نفت را تکمیل کنید، نفت را خام صادر نمی‌کنید، خودتان مصرف می‌کنید. مواد معدنی دارید، آلومینیوم، مس یا فولاد دارید؛ زنجیره را تکمیل کنید دیگر منابع خام را صادر نمی‌کنید؛ خودتان مصرف می‌کنید. باید عقب بمانید تا استعمارگر بتواند منابعتان را غارت کند تا محتاج صادرات مواد خام برای تأمین مالی واردات مصنوعات استعمارگر بمانید.

■ **یک مثال نقض پیش روی ما صنعت خودروسازی است که رهبری معظم انقلاب هم حتی به آن اشاره کردند؛ درحالی‌که منابع دست‌خودمان و بازار هم در دست خودمان است نتیجه این‌گونه شده است؛ این شرکت‌ها خصوصی‌سازی هم نشده‌اند.**





ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۲۵

تحقیق کنیم و توسعه دهیم. یکی از مدیران ما متوجه نبود ما این را در چه فرایندی آورده‌ایم و چه هدفی داریم. برای همین یک نامه زده بود به پژو که سؤالی بپرسد. فرانسه قیامتی به پا کرد که شما غلط کردید تحقیق و توسعه می‌کنید؛ کلی برای ما دردسر درست شد. پس اشتباه نکنید که خودرو صنعت ملی بوده و حمایت‌شده است. فرانسوی‌ها چنین رفتاری با ما داشتند. یک بار رهبری معظم انقلاب مثالی زدند درباره صنعت هوایی؛ فرمودند قبل از انقلاب، آمریکایی‌ها حتی اجازه نمی‌دادند متخصصان نیروی هوایی یک قطعه هواپیما را برای تعمیر باز کنند. قطعه باید پلمب شده می‌رفت آمریکا، تعمیر می‌شد و پلمب شده برمی‌گشت؛ چرا؟ چون ایرانی نباید به دانش تعمیر و تولید آن قطعه دست پیدا می‌کرد. خب، تحریم و قطع رابطه بیگانه با صنعت هوایی، این ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها و سلطه را از صنعت هوافضای ما برداشت و ما توانستیم با تحقیق و توسعه، تحصیل دانش کنیم و به اینجا برسیم که می‌بینید نام موشک و پهپاد ایرانی لریزه بر اندام دشمن می‌اندازد. اما در صنعت خودرو، این سلطه بازدارنده پیشرفت، نه تنها قطع نشد، بلکه تداوم یافت تا سال ۹۷ که ترامپ از برجام خارج شد و این‌ها رفتند؛ البته در دولت وقت، اراده‌ای برای قطع این رابطه سلطه نبود؛ توفیق اجباری حاصل شد! یک‌بار یکی از مدیران یک شرکت زیرمجموعه یکی از خودروسازهای بزرگ ما می‌گفت ما در یک برهه‌ای در سنسور ترمز «ای‌بی‌اس» مشکل داشتیم. به تحریم خورده بودیم و وارداتش دچار اختلال شده بود. گفتم من این را می‌سازم. رفتم ساختم و استانداردهایش را هم گرفتم، ولی مدیرعامل این شرکت خودروسازی گفت بگذار ببینیم اگر این قطعه را دیگر به ما نمی‌دهند، برویم بسازیم که تا دیدند توانسته‌ایم بسازیم، عرضه را از سر گرفتند و آن پروژه تولید داخلی متوقف شد!

### ■ چرا فناوری که ما در حوزه هسته‌ای و موشک و پهپاد داریم در صنعت خودروسازی سرریز نمی‌شود؟

پس از اینکه خودروسازهای فرانسوی از ایران خارج شدند، این سرریز فناوری شروع شد؛ اینکه ما توانستیم سیستم‌های کامپیوتری خودرو موسوم به «ای‌سی‌یو» را بسازیم و نیاز خودروسازی را رفع کنیم، محصول تلاش وزارت دفاع و نتیجه همین سیاست سرریز فناوری بود؛ البته مثال‌های دیگری نیز هست. الان یکی از مشکلات صنعت خودرو ما شرکت کروز است که حاکم این صنعت است. آیا این شرکت خصوصی برای دولت ما تعیین تکلیف و اعمال اقتدار می‌کند یا دولت برای او؟ یا واردات را در بخش کشاورزی به بخش خصوصی واگذار کرده‌ایم؛ الان بخش خصوصی از وزیر ما حرف‌شنوی دارد، یا وزیر آویزان این بخش است که فلان جنس را وارد کن که من باید جوابگو باشم؟!

عرضم این بود که کار را به بخش خصوصی سپرده‌ایم، به وزیر مربوطه‌مان هم اقتدار لازم روی این بخش خصوصی نداده‌ایم، اما وزیر را پاسخگو می‌دانیم؛ پاسخگو وزیر ماست که باید برود التماس کند به بخش خصوصی که لطفاً بیايید مسئله را در این حوزه حل کنید. شرکت خصوصی شده برای ما سیاست‌گذار، ما یک «نهضت احیای حاکمیت» نیاز داریم؛ این فوری‌ترین نیاز کشور است. حال پرسش این است که آن الگوی مطلوب رابطه دولت و بخش خصوصی مد نظر ما چیست؟ من در کتاب دولت و بازار تحت عنوان نظریه «حمایت هوشمند» یک الگوی مبتنی بر عقل و نقل و تجربه ارائه کرده‌ام؛ ما در این الگو برمی‌گردیم به همان سیاست‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب که دولت باید حامی، هادی و ناظر باشد و اینکه فرمودند ما باید از انگیزه خلق ثروت بخش خصوصی برای تأمین منافع ملی استفاده کنیم.

این پیش‌فرض درست نیست که منابع و بازار خودرو در اختیار خودمان بوده است. من از شما سؤال می‌کنم: آیا ما صنعت خودرو بومی داشتیم؟ پاسخ خیر است! صنعت خودرو ما محصول کدام سیاست است؟ صنعت خودروسازی ما محصول سیاست تکیه به سرمایه‌گذاری خارجی برای پیشرفت است. ما قرار بود با سرمایه‌گذاری خارجی رنو و پژو فرانسه در ایران پیشرفت کنیم که وضع این شد. من معتقدم صنعت خودرو ایران سال ۱۳۹۷ و پس از خروج رنو و پژو از کشور متولد شده است.

دهه ۱۹۳۰ میلادی دو شرکت بزرگ خودروسازی جنرال موتورز و فورد در ژاپن خودرو تولید می‌کردند و در بازار ژاپن می‌فروختند؛ دقیقاً مثل پژو و رنو که ۴۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷ و ال ۹۰ را در ایران تولید و عرضه می‌کردند. دولت ژاپن گفت تا زمانی که این‌ها در کشور ما خودرو تولید می‌کنند، ما خودروساز نخواهیم شد؛ بنابراین این شرکت‌ها را از کشورشان بیرون کردند. شرکت تویوتا هم آن موقع اسمش تویوتا بود. تویوتا در صنعت ماشین‌آلات نساجی فعالیت می‌کرد. به او گفتند شما باید خودروساز شوید. ۲۵ سال این شرکت تویوتا تلاش می‌کند و موفق می‌شود خودرویی به نام «تویوپت» را تولید کند. خودشان می‌گفتند این یک «زیرسیگاری چهارچرخ» است! پروژه شکست می‌خورد. یک جریانی در ژاپن می‌گویند ما عرضه خودروسازی نداریم، برویم دوباره سراغ همان شرکت‌های آمریکایی تا بیايند برای ما خودرو تولید کنند؛ ولی دولت مقاومت می‌کند. دوباره ظرفیت‌های ملی را بسیج می‌کنند و چیزی که شکل‌گرفته را ادامه می‌دهند و الان می‌بینید که شرکت تویوتا یک شرکت پیشرو در عرضه خودروسازی است و دنیا را گرفته است. این محصول «لکسوس» که می‌بینید، محصول تلاش حدود ۹۰ سال پس از خروج سرمایه‌گذاران خارجی است؛ یک شبه تویوتا به اینجا نرسیده است.

سال ۶۸ شرکت پژو را وارد ایران کردند، با وعده اینکه ما به کمک پژو خودروساز بشویم. خیلی‌ها فکر می‌کنند که پژو ۴۰۵ یا ۲۰۶ یا پراید خودرو ایرانی است! در صورتی که پراید خودرو کره‌ای است. نفع خودروسازی خارجی که در بازار شما خودرو تولید می‌کند، این است که شما هرگز خودروساز نشوید. پیشتر خودرو را در اروپا مونتاژ و به ایران صادر می‌کرد، حالا زحمت سرهم کردن را به شما داده و خودش فناوری‌های مادر را در اختیار نگه داشته است. شما قطعات را وارد می‌کنید و سرهم می‌کنید و احساس کاذب تولید دارید. اما واقعیت این است که شما تولیدکننده نیستید. شما مونتاژکارید! از این‌رو معتقدم پس از خروج این شرکت‌ها از ایران، خودروسازان ما تازه کارشان را شروع کردند؛ البته اگر با سیاست‌های غلط مشابه دوباره به بیراهه روند. یک مثال برای شما می‌زنم؛ یکی از دوستان می‌گفت ما مشاهده کردیم که ایربگ‌ها عمل نمی‌کنند. علت را بررسی کردیم دیدیم چاشنی‌های ایربگ‌ها وارداتی است. این چاشنی ایربگ، مثل چاشنی مین است و بسیار حساس. در یک قسمتی از آن باید از فلز طلا استفاده شود تا زنگ نزنند. چون اگر زنگ زد، دیگر چاشنی عمل نمی‌کند. در چاشنی‌های وارداتی از آهن استفاده شده بود و آهن زنگ می‌زد و چاشنی عمل نمی‌کرد. حتماً خاطرتان هست که زمانی گفته می‌شد علت اینکه ایربگ عمل نمی‌کند این است که خودرو باید از یک جهت خاص ضربه بخورد تا ایربگ عمل کند؛ ولی قصه این بود. یک مجموعه‌ای همت گماشت و این چاشنی‌ها را با استفاده از طلا تولید کرد و مشکل حل شد.

الان می‌گویند صنعت خودروسازی مصداق تولید ملی و حمایت از تولید ملی است؛ در حالی که دولت ما اگر حمایتی هم کرده، حمایت از صنعت خودروسازی فرانسه بوده، نه خودروسازی ایران. یک روز مدیرعامل ایران خودرو به من می‌گفت ما یکی از موتورهای روز پژو را به طریقی، چند کشور را چرخاندیم آوردیم ایران تا روی آن

کار را به بخش خصوصی سپرده‌ایم، به وزیر مربوطه‌مان هم اقتدار لازم روی این بخش خصوصی نداده‌ایم، اما وزیر را پاسخگو می‌دانیم! پاسخگو وزیر ماست که باید برود التماس کند به بخش خصوصی که لطفاً بیايید مسئله را در این حوزه حل کنید



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۲۶

آسیب‌شناسی یحیی آل اسحاق از «عملکرد قوای کشور برای تحقق راهبردهای رهبر معظم انقلاب در جنگ اقتصادی» در گفت‌وگو با قدس

# در نقطه عطف تاریخی تحولات جهانی هستیم

گفت‌وگو

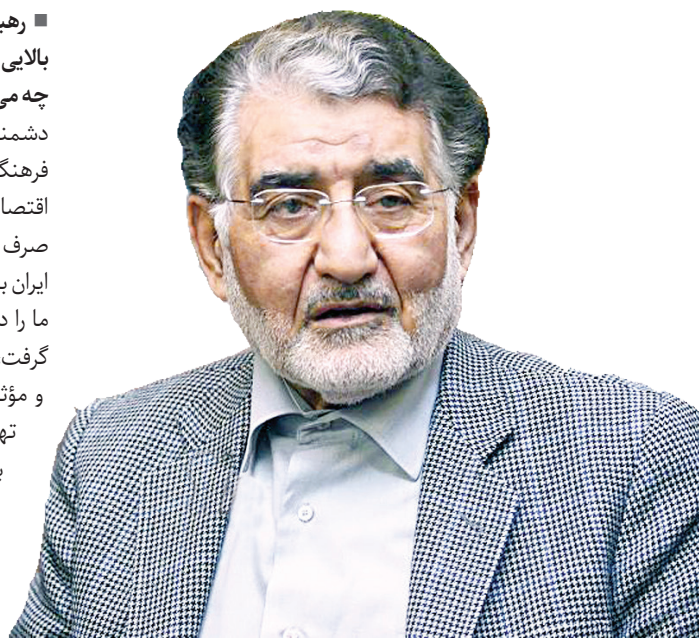
فرزانه غلامی

با توجه به تأکیدات ویژه رهبری معظم و با وجود فشار بالای وارد آمده از ناحیه جنگ اقتصادی به کشور، می‌توانستیم در اولویت‌بخشی و تقویت تولید ملی و استفاده کامل از ظرفیت‌های داخلی گام‌های بلندتری برداریم، اما متأسفانه در این زمینه‌ها به نقطه مطلوب نرسیده‌ایم و باید از مجموعه نظام قانون‌گذاری، اجرایی و دیگر ارکان کشور گلایه کرد، چون آن‌طور که باید پیام‌های هوشمندانه رهبر معظم انقلاب را دریافت نکرده‌اند.

نگاهی به عناوین انتخاب شده از سوی رهبر فرزانه انقلاب برای ۱۵ سال گذشته به وضوح نشان می‌دهد ایشان با هوشمندی، مدیران و دولت‌های مختلف را به سمت بهره‌گیری حداکثری از توان داخلی، حمایت از تولید ملی و افزایش اتکا به بُعد درون‌زای اقتصاد فراخوانده‌اند. نوآوری و شکوفایی، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، جهاد اقتصادی، تولید ملی؛ حمایت از کار و سرمایه ایرانی، حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی، اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی، دولت و ملت؛ همدلی و هم‌زبانی، اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل، اقتصاد مقاومتی؛ تولید - اشتغال، حمایت از کالای ایرانی، رونق تولید، جهش تولید، تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها، تولید؛ دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین، عناوین اعلام‌شده از سوی رهبر معظم انقلاب برای سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۴۰۱ است که با شروع دهه ۹۰ تأکید بر کلیدواژه «تولید» در این عناوین آشکارتر و پررنگ‌تر شده است. به انگیزه شروع سال ۱۴۰۲، با یحیی آل اسحاق، فعال اقتصادی، پیشکسوت و وزیر اسبق بازرگانی (سال‌های ۷۲ تا ۷۶) هم‌کلام شدیم تا تحلیل‌های او درباره ضرورت انتخاب این شعارها از سوی رهبری معظم هم‌زمان با تشدید جنگ اقتصادی علیه ایران، نقش آن در جلوگیری از وقوع شرایط فعلی اقتصاد کشور و عملکرد قوادر قبال این شعارها را بشنویم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

■ رهبر معظم انقلاب در ۱۵ سال گذشته برای انتخاب شعار سال، سهم بالایی به تولید داخل و درون‌زایی اقتصاد داده‌اند؛ دلایل این توجه ویژه را چه می‌دانید؟

دشمنان ما پس از تجربه زیاد و هزینه کردن ارقام سنگین در جبهه‌های فرهنگی، سیاسی، نظامی و رسانه‌ای، طی سال‌های اخیر با ما وارد جنگ اقتصادی شده‌اند و به قول ترامپ، ۷ هزار میلیارد دلار برای مقابله با ما صرف کرده و تمام توانشان را برای هماهنگی کامل نظام استکبار علیه ایران به کار برده‌اند. نظام استکبار فکر می‌کرد می‌تواند ظرف مدت کوتاهی ما را در مسیر ضعف قرار دهد اما از این همه تحرکات، جواب معکوس گرفت، چون ما در سطح منطقه و حتی جهان روز به روز نقش خود را بهتر و مؤثرتر ایفا می‌کنیم. بالطبع آنچه تاب‌آوری اقتصادی ما را در مقابل تهدیدهای ناشی از جنگ اقتصادی بالا می‌برد، توجه به توان داخلی و بالقوه اقتصاد است. من بارها گفته‌ام ما نه تنها در منابع و حوزه‌های





را دریافت نکرده‌اند. سربسته بگویم؛ نقاط اصلی این شعارها و پیام‌ها عملی نشده است. از جمله این پیام‌های عملی نشده، وحدت و اتحاد بین سه قوه به‌خصوص در شرایط جنگ اقتصادی است و اینکه در چنین شرایطی به یک نوع برخورد، رویه، خط‌مشی و راهبرد نیاز داریم، اما گاهی شاهدیم انسجامی که باید بین سه قوه و ارکان قانون‌گذاری و اجرایی کشور وجود داشته باشد، به دلیل اختلاف سلیقه‌ها و مسائل سیاسی و غیرسیاسی، شکل نگرفته است. متأسفانه در رابطه اقتصادی بین مردم و فعالان اقتصادی با حاکمیت چه در سیاست‌ها و چه در رفتارها، فرایندها و راهبردها اعتماد و همدلی قوی شکل نگرفته در حالی که یکی از ضرورت‌های فضای جنگ اقتصادی این است که مجموعه توان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک ملت به میدان بیاید تا بتوان به صورت «پد واحد» و هم‌جهت با تهدیدها مقابله کرد.

■ به طور مشخص، عملکرد سه قوه برای عمل به راهبردهای مدنظر معظم‌له در شعارهای سال به‌خصوص در حوزه تولید و اتکا به توان داخلی در یکی دو سال اخیر را چطور ارزیابی می‌کنید؟

با روی کار آمدن دولت سیزدهم، دورنمای دریافتی ما این بود که مجلس، دولت و قوه قضائیه همسو شده‌اند و البته شاهد افزایش هماهنگی‌ها هم بوده‌ایم اما عملاً و با نگاه جزئی‌نگرانه درمی‌یابیم که در این شرایط سخت جنگ اقتصادی گاهی دولت تصمیمی می‌گیرد که یکی دیگر از قوا در جهت عکس آن حرکت می‌کند. همچنین در مواردی می‌بینیم برخی جریان‌های سیاسی بدون توجه به منافع ملی و شرایط خاص اقتصاد کشور، منافع حزبی و گروهی خود را بر منافع کشور ارجح می‌دانند. این عدم هم‌جهتی در مواجهه با جنگ اقتصادی دشمن، تمام برنامه‌های کشور را به هم می‌ریزد و هزینه‌های زیادی به کشور تحمیل می‌کند. در این میان سوءمدیریت‌ها و انتخاب نکردن نیروها مبتنی بر اقتضائات زمان و مکان هم به وضوح دیده می‌شود. در شرایط جنگ اقتصادی باید افرادی مسئولیت امور را در دست بگیرند که به دو بازوی پایبندی و تعهد به آرمان‌های انقلاب و توان تجربی، علمی و حرفه‌ای مجهز باشند، چون دشمن برای ما جنگی حساب‌شده در حوزه اقتصادی و تجاری راه انداخته است و باید مجهز به این جنگ رفت. بی‌تردید وقتی مدیران اقتصادی به ریزه‌کاری‌های این حوزه مسلط نباشند، باوجود حسن‌نیت نمی‌توانند مسلط و مؤثر عمل کنند و این خلأ تا حدود زیادی اجازه نداده به اهداف اقتصادی مدنظر رهبر فرزانه انقلاب برسیم. با نگاه به آینده، معتقدم علاوه بر مسائل داخلی باید مهندسی جهانی و مسائل آن را هم مدنظر داشت. در این مقطع زمانی اگر خواهان ساماندهی مسائل داخلی، منطقه‌ای و جهانی هستیم باید بدانیم نظام جهانی نسبت به نیم قرن گذشته در حال تحول و تغییر جهت منحنی مبادلات است.

امروز در نقطه عطف تاریخی تحولات مهندسی جهانی هستیم و نقش ایران در این شرایط خاص با حفظ منافع، اقتضائات و آرمان‌ها از نظر ژئوپلیتیکی، نظامی، اقتصادی و سابقه تاریخی و تأثیرگذاری در منطقه، کلیدی است. ما در این تحولات یک کشور معمولی نیستیم چون هم نقش مؤثر داریم و هم جریان‌های حاکم امروز از ما انتظار دارند با تمام اقتضائات به نفع طرف مقابل حرکت نکنیم، پس عمل به رهنمون‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای باید به نحوی باشد که علاوه بر کاهش مشکلات داخلی، نقطه بهینه را در تحولات نظام جهانی برای ایران پیدا کند و رشد و توسعه را در همه حوزه‌ها رقم بزند. ما امروز یکی از بازیگران صاحب‌نام و مؤثر در نظام جهانی هستیم و اگر قدری صبورتر، جامع‌نگرتر و به دور از منافع فردی و جناحی باشیم، آتیه کشور نه فقط در شعار بلکه مبتنی بر واقعیت‌های موجود جهانی، روشن است. ایران اگر ضعیف و فاقد قدرت تاب‌آوری در برابر جنگ تحمیلی، تحریم و جنگ تمام‌عیار اقتصادی بود تا این حد برای نظام استکبار هزینه نمی‌تراشید پس باید این حضور مؤثر و قدرتمند در صحنه حکمرانی بین‌المللی را با حرکت عملی در مسیر راهبردهای هوشمندانه رهبر فرزانه انقلاب تقویت کرد.

مختلف اقتصادی، جغرافیایی و انسانی چیزی از اقران خود کم نداریم، بلکه در مواردی فراتر از منطقه و در سطح جهان قابلیت داریم. ما در منطقه‌ای حضور داریم که حجم تعاملات ۱۵ کشور همسایه سالانه هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار است و ظرفیتی دست‌کم ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار برای بهره‌گیری ایران از این منطقه وجود دارد. ایران به واسطه موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی، تسلط بر حوزه انرژی، هاب منطقه بودن و از همه مهم‌تر توان مقاومتی که طی چهار دهه در برابر فشارهای اقتصادی دشمن کسب کرده مثال‌زدنی است و تنها در یک مورد حدود ۳۰۰ کارشناس خزانه‌داری آمریکا به طور اختصاصی در حال برنامه‌ریزی برای یافتن «پاتک» متناسب با «تک»‌های ایران در حوزه‌های تولیدی، تجاری، مالی و بانکی هستند، اما با تمام این فشارها و باوجود هماهنگی بالای نظام استکبار جهانی علیه ایران، حجم تجارت خارجی، صادرات غیرنفتی و توان تأمین نیازهای کشور به واسطه اقتدار و تاب‌آوری بالای ایران روز به روز در حال افزایش است و نقش روشن‌تری در معادلات منطقه‌ای و جهانی پیدا کرده‌ایم. معظم‌له مبتنی بر این واقعیت‌ها از دهه ۸۰ تاکنون چه در شعارهای سال و تنظیم برنامه‌های توسعه و اسناد بالادستی و چه در بیانات معمول، نقاط قوت و ضعف و چالش‌ها و آسیب‌های اقتصادی کشور را به مسئولان گوشزد کرده و هدایت‌گری‌هایی داشته‌اند.

■ از نگاه آسیب‌شناسانه و صرف‌نظر از اینکه در ۱۵ سال گذشته چه دولت‌هایی و با چه نوع نگاه اقتصادی روی کار بوده‌اند، عملکرد قوا را در قبال شعارهای سال و عمل به راهبردهای هوشمندانه مدنظر رهبر معظم انقلاب چگونه ارزیابی می‌کنید؟

باوجود موفقیت‌های مختلف اقتصادی ایران در چهار دهه گذشته که شاخص‌ها هم آن را تأیید می‌کنند، نقاط آسیب جدی در عمل به وعده‌ها در حوزه‌های رفاه عمومی، تولید، توسعه و به فعل رساندن نقاط قوت اقتصادی داریم و همین عدم توفیق‌ها به نقطه فنی حساسی تبدیل شده که دشمنان روی آن متمرکز شده‌اند. بنده معتقدم با توجه به تأکیدات ویژه رهبری معظم و باوجود فشار بالای وارد آمده از ناحیه جنگ اقتصادی به کشور، می‌توانستیم در اولویت‌بخشی و تقویت تولید ملی و استفاده کامل از ظرفیت‌های داخلی گام‌های بلندتری برداریم تا هم شرایط اقتصادی و هم سطح تعاملات تجاری و منطقه‌ای و همچنین تأمین نیازهای مردم و اشتغال‌زایی را ارتقا دهیم، اما متأسفانه در این زمینه‌ها به نقطه مطلوب نرسیده‌ایم و باید از مجموعه نظام قانون‌گذاری، اجرایی و دیگر ارکان کشور گلایه کرد، چون آن‌طور که باید پیام‌های هوشمندانه رهبر معظم انقلاب

ما در این تحولات  
یک کشور معمولی  
نیستیم چون هم  
نقش مؤثر داریم و  
هم جریان‌های حاکم  
امروز از ما انتظار دارند  
با تمام اقتضائات  
به نفع طرف مقابل  
حرکت نکنیم، پس  
عمل به رهنمون‌های  
حضرت آیت‌الله  
خامنه‌ای باید به نحوی  
باشد که علاوه بر  
کاهش مشکلات و  
مسائل داخلی، نقطه  
بهینه را در تحولات  
نظام جهانی برای  
ایران پیدا کند و رشد  
و توسعه را در همه  
حوزه‌ها رقم بزند.



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۲۸



ارزیابی میزان تحقق راهبردهای کلان و شعارهای اقتصادی سال‌ها  
در گفت‌وگو با محمد جعفری‌نژاد؛ کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی

## در نبرد اقتصادی آرایش جنگی نداریم!

رهبر معظم انقلاب در ابتدای هر سال با نام‌گذاری سال جدید به نوعی مسیر حرکت کشور را ریل‌گذاری می‌کنند. بدین ترتیب مسائل و چالش‌های اقتصادی طی سال‌های اخیر موجب شده تا ایشان در این مدت همواره بر موضوعات اقتصادی تأکید داشته باشند و راهبردهای کلان اقتصادی را از طریق همین شعارها مطرح کنند. بر همین اساس، نام‌گذاری سال‌ها از سوی معظم‌له نقشه راهی را برای نهادهای مختلف ترسیم می‌کند تا بتوانند از طریق آن به چشم‌اندازهای اقتصادی کشور دست یابند و از حرکت در مسیر پیشرفت باز نمانند. همچنین اهمیت و ضرورت نام‌گذاری سال‌ها به دلیل مصروف ساختن توجه‌ها به جنبه‌هایی از مسائل اقتصادی است که بسیاری از دستگاه‌ها و مسئولان در روند فعالیت خود توجه چندانی بدان ندارند.

در همین راستا، در گفت‌وگو با محمد جعفری‌نژاد، کارشناس و تحلیلگر مسائل اقتصادی به بررسی ضرورت و دلایل تأکید رهبر معظم انقلاب بر نام‌گذاری اقتصادی سال‌ها، علل ناکامی در تحقق سیاست‌های تبیین‌شده و همچنین میزان توجه به راهبردهای مدنظر ایشان در حوزه گفتمان‌سازی پرداخته‌ایم.

گفت‌وگو

مینا افرازه

## ■ ضرورت و دلایل تأکیده‌های رهبر فرزانه انقلاب بر نام‌گذاری سال‌ها مطابق سیاست‌های کلان اقتصادی چیست؟

پس از تشکیل جمهوری اسلامی، دشمن در حوزه‌های مختلف در حال مواجهه مستقیم و غیرمستقیم با انقلاب است.

رهبری معظم با رصد دقیقی که از مسائل کشور و همچنین جبهه مقابل داشتند، این تعبیر را مطرح کردند که جنگ به خاکریزهای اقتصادی کشیده شده است. ایشان پیش از اینکه نتایج جنگ اقتصادی همانند امروز، در زندگی مردم یا عرصه مدیریت اقتصادی کشور مشاهده شود، به این مسئله ورود کرده و حتی نام‌گذاری سال‌ها را بر همین اساس در نظر گرفتند. بدین ترتیب ایشان اولویت‌های کشور را در قالب شعارهای سال و در یک منظومه اقتصادی تعریف کردند و پس از آن در سال ۸۹ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تدوین و ابلاغ شد.

پس از ابلاغ سیاست‌ها شاهد بودیم بسته جامع اقتصادی با محوریت رویکرد ایشان اجرایی شد تا اقتصاد کشور را به نحوی مدیریت و بازسازی کند که تحت تأثیر تکانه‌های خارجی قرار نگیرد. این موضوع نشان می‌داد سیاست‌های کلی که رهبر فرزانه انقلاب مطرح کردند بسیار دقیق بود و مبانی کار و دستورالعمل و راهبردها به نحو احسن از سوی ایشان برنامه‌ریزی شد. این در حالی است که شاهدیم شرایط اقتصادی چندان مطلوب و مطابق سیاست‌های مدنظر و اعلام شده ایشان نیست، در نتیجه اگر راهبردها و نام‌گذاری سال‌ها در همان دوره زمانی خود جدی گرفته می‌شدند امروز مردم با این مشکلات مواجه نبودند. متأسفانه همین موجب شده تا امروز بر سر بسیاری از خاکریزهای سیاسی، امنیتی، اجتماعی و... شاهد عقب‌نشینی و ناکارآمدی باشیم که آن هم به دلیل نقطه ضعف اقتصادی است. علت این مسائل نیز به این برمی‌گردد که به توصیه‌ها و رویکردهای آینده‌نگرانه رهبری معظم توجه و عمل نشد. در واقع گرچه کشور از راهبرد مورد نیاز برای موفقیت در جنگ اقتصادی برخوردار بود، اما در حوزه اجرایی به‌شدت دچار کاستی و کم‌کاری بود.

به‌گونه‌ای پیچیده و درهم تنیده است که عملاً هیچ تحول مثبت و ملموسی را نمی‌توان شاهد بود. برای مثال برای اجرای هر راهبرد و برنامه‌ریزی آنچنان زمان صرف می‌شود که خروجی نهایی آن با تصمیم اولیه تفاوت فاحش دارد.

در حوزه اجرایی نیز، سازمان‌ها به اندازه‌ای پیچیده و بروکراتیک شده‌اند که تا دستور به مرحله عملیاتی برسد کاملاً با اصل محتوای ابتدایی متفاوت و در تناقض است. در نتیجه روند اداری و مدیریتی کشور به هیچ وجه انعطاف‌پذیر و برای عملیات در شرایط جنگی نیست. گرچه امکان دارد در شرایط عادی بتوان این نوع بروکراسی را تحمل کرد، اما در شرایطی که هر روز در بازار ارز، سیاست‌های پولی و مالی، خرید محصولات اساسی، واردات اجناس و... مداخله‌ها و نوسان‌ها رخ می‌دهد، انتظار هیچ گام سازنده‌ای را نمی‌توان داشت.

نکته دیگر، نبود نگاه سیستمی است و هنوز مسئولان و دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری به صورت بخشی و جزیره‌ای عمل می‌کنند. برای مثال در ماجرای افزایش نرخ ارز، علت عمده آن ناشی از ثبت سفارش‌های بخشی وزارتخانه‌ها بود و متأسفانه وزیران نگاه سیستمی به مسائل نداشتند، در نتیجه موجب شد ثبت سفارش‌هایی بدون هماهنگی وزارتخانه‌ها با یکدیگر و همچنین بانک مرکزی صورت بگیرد. بنابراین تبعات این ناهماهنگی آثار خود را در حوزه اقتصادی نشان داد. در حوزه اقتصاد مقاومتی و اجرای شعار سال‌ها، باید با نگاه سیستمی پیش رفت، در غیر این صورت خروجی کار کاملاً غیرواقعی و کاریکاتوری خواهد بود. متأسفانه کشور امروز دچار روزمرگی شده که بخشی از آن به مسائل داخلی برمی‌گردد. مجلس به امور جزئی می‌پردازد و از توجه و تمرکز بر قوانین راهبردی غافل مانده است یا کل مجموعه دولت درگیر مسائل پیش پا افتاده هستند. البته بخشی از روزمرگی ناشی از عوامل بیرونی است و از سوی مخالفان کشور صورت می‌گیرد. در واقع این جنگ ترکیبی آنچنان کشور را درگیر مسائل حوزه‌های مختلف کرده که امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را نمی‌دهد.

## ■ به نظر تان در حوزه گفتمان‌سازی میزان توجه به دغدغه و تأکیده‌های

رهبر فرزانه انقلاب در نام‌گذاری سال‌ها چگونه است؟

در حوزه گفتمان‌سازی عمومی برای نهادینه‌سازی و تحقق شعارهای سال عملاً اقدام خاصی صورت نگرفته است و نتوانسته‌ایم سیاست‌ها و ضرورت آن را برای مردم شرح دهیم و تبیین کنیم. وقتی سخن از اصلاح الگوی مصرف یا ... می‌شود، بسیاری از مردم آن را جدی نمی‌گیرند.

البته در حوزه تولید ملی تا حدودی گفتمان ایجاد شده، اما در دیگر حوزه‌ها شاهد این گفتمان عمومی نیستیم. همچنین به صورت خاص نیز گفتمان‌سازی موفق در خصوص برنامه‌ها و این‌گونه راهبردها صورت نگرفته است. امروز سطوح دانشگاهی و علمی کشور کاملاً با این سیاست‌ها بیگانه‌اند و دانشجویان و دانشگاه‌ها هیچ کار علمی و مطالبه‌ای در این باره ندارند. سیاست‌ها در حد سخن باقی مانده و به یک گفتمان علمی و فراگیر تبدیل نشده‌اند. بنابراین نتیجه این شرایط هم این بوده که شاهدیم امروز هیچ برنامه‌ریزی و اقدامی در کشور ذیل گفتمان‌های اقتصادی نیست. در واقع چندان نتوانسته‌ایم بین اجرای سیاست‌ها و مجموعه نام‌گذاری سال‌ها ارتباط برقرار کنیم.

به نظر می‌رسد گاهی اوقات شعارهای سال برای مسئولان کشور فقط در حد اظهارات کلیشه‌ای و زینت‌المجالس باقی مانده و هر کدام تلاش می‌کنند از آن به نفع مصالح خود بهره ببرند.

## ■ علت نبود توجه کافی به راهبردهای کلان اقتصادی آیت‌الله

خامنه‌ای چه بود؟ این کم‌کاری و ناکامی در تحقق شعارهای سال آیا در حوزه ساختاری و تقنینی ایجاد شد یا در عرصه اجرایی و عملیاتی؟

عوامل متعددی در این مسئله نقش داشتند. بخشی از آن به این برمی‌گردد که قسمت بزرگی از بدنه مسئولان کشور قائل به جنگ اقتصادی نبودند و ادبیات مقاومت، اقتصاد مقاومتی و استحکام اقتصاد را قبول نداشتند. همچنین نوع برداشت از آموخته‌های آکادمیک نیز در بروز این مسئله نقش داشت و اذهان همواره به مقوله تجارت جهانی، بازار آزاد و تعامل با دنیا توجه داشتند. در چنین شرایطی افراد وابسته به چنین رویکردی هرگز اعتقاد نداشتند جنگ به خاکریز اقتصادی کشیده شده و به همین دلیل حاضر نبودند آرایش جنگی بگیرند.

در واقع ما وارد جنگی شدیم که فرماندهان آن آرایش جنگی نداشتند، زیرا قائل به چنین جنگی نبودند. علاوه بر این، ناتوانی این‌گونه مدیران و مسئولان نیز در بروز مشکلات اقتصادی مؤثر بود، بنابراین شاهد روی کار آمدن برخی مسئولان رده‌بالا همچون وزیران و حتی نمایندگان فاقد توانمندی‌های لازم بودیم و در نتیجه اقدام‌های مثبتی رخ نداد.

در واقع در بسیاری از دوره‌ها شاهد بودیم افرادی که قائل به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و راهبردهای رهبر معظم انقلاب بودند، در مرکزیت کارها قرار نگرفتند. همچنین بروکراسی پیچیده و زمانبر نیز کشور را فلج کرده است.

بدین ترتیب ساختارها و روندهای تصمیم‌گیری، اجرا و برنامه‌ریزی در سطح کشور



در واقع گرچه کشور از راهبرد مورد نیاز برای موفقیت در جنگ اقتصادی برخوردار بود، اما در حوزه اجرایی به‌شدت دچار کاستی و کم‌کاری بود. قسمت بزرگی از بدنه مسئولان کشور قائل به جنگ اقتصادی نبودند و ادبیات مقاومت، اقتصاد مقاومتی و استحکام اقتصاد را قبول نداشتند.



ویژه‌نامه قدس  
به‌مناسبت  
سخنرانی‌نوروزی  
رهبر معظم انقلاب  
در حرم مطهر رضوی

۳۰

گفت‌وگو

زهرا طوسی

گفت‌وگو با وحید ارشدی، عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی که معتقد است مسئولان نقش خود را در عمل به راهبردهای کلان کشور و نهادینه کردن بیانات تمدن‌ساز رهبر معظم انقلاب به درستی انجام نمی‌دهند

## نام‌گذاری سال‌ها

# برای بسیج ظرفیت‌ها

رهبر فرزانه انقلاب هر ساله در راستای تبیین سیاست‌های کلی و چشم‌اندازهای آتی کشور، با مطرح کردن شعار سال، فرصتی ایجاد می‌کنند تا فعالیت‌ها و گفت‌وگوها به فراخور اقتضائات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حول یک مسئله مهم شتاب بگیرند و هم‌افزایی رخ دهد؛ اما برخی در مورد «شعار سال» دیدگاه متفاوتی دارند و به‌عنوان نمونه این پرسش را مطرح می‌کنند که «چرا در فلان سال، شعار محقق نشد؟» در گفت‌وگو با دکتر وحید ارشدی، عضو هیئت علمی گروه اقتصاد اسلامی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، این پرسش را مطرح کرده‌ایم که آیا شعارهای سال تعیین می‌شوند تا در همان سال خاص محقق شوند و پس از آن، دیگر پرونده‌شان بسته شود یا بدون تاریخ انقضا، به دنبال ترسیم افق و مسیری برای شتاب گرفتن حرکت اقتصاد ایران هستند؟

فاصله دارند و چه حلقه‌های مفقوده‌ای وجود دارد تا سیاست‌گذار برای آن تدبیری بیندیشد.

### ■ شعارهایی برای اصلاح امور یا زینت سربرگ‌ها!

عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی توضیح می‌دهد: اشکال کار را باید در این جست‌وجو کرد که جامعه بین شعار و عمل فاصله ببیند و احساس کند هیچ تغییری و تحولی در یک‌سال گذشته رخ نداده است و در عمل شاخص‌های اول و آخر سال تفاوتی نکرده‌اند؛ پس نتیجه می‌گیرد شعارها فقط برای سربرگ‌هاست نه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی. بی‌تردید این کم‌کاری در حوزه‌های اجرایی، تقنینی و قضایی رخ می‌دهد و مردم هم نقش خود را در تحقق این شعارها پیدا نمی‌کنند.

او می‌افزاید: رمز تأثیرگذاری یک شعار در احساس ضروری بودن آن است و اینکه مردم و مسئولان بدانند اگر به این شعار توجه نشود، چه پیامدهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدتی برای جامعه دارد. به عبارتی مسئولان و مردم از بی‌توجهی به شعار سال احساس خسران کنند تا گفتارها، رفتارها، سیاست‌گذاری‌ها و... با عملیاتی کردن شعار همگرا شود.

### ■ تحقق شعارهای سال، نیازمند جهاد تبیین

ارشدی می‌گوید: چه بسا اگر امروز مردم از توجه نکردن به شعار «اصلاح الگوی مصرف» احساس خسران کنند، رفتارشان برای تحقق شعارهای «رونق تولید» و «جهش تولید» بهبود یابد و این نیازمند جهاد تبیین است؛ اینکه بدانیم شعار یک سال آغاز حرکت است و این شعار تا تحقق کامل برای سال‌های آینده نیز هست. چه بسا امروز بیش از گذشته به شعارهای «نوآوری و شکوفایی»، «اصلاح الگوی مصرف»، «همت مضاعف و کار مضاعف»، «جهاد اقتصادی»، «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی»، «اقتصاد مقاومتی»، «حمایت از کالای ایرانی»،

### ■ شعارهای سال، ابزار گفتمان‌سازی در جامعه

وحید ارشدی نام‌گذاری سال‌ها را یکی از ابزارهای گفتمان‌سازی در جامعه می‌داند و می‌گوید: بالاترین مقام عالی کشور به‌عنوان سکandar نظام اسلامی تلاش می‌کند با گفتار و رفتار خود جامعه را به مسیر مطلوب هدایت کند و برای این کار از ابزار گفتمان‌سازی استفاده می‌کند. منظومه فکری رهبری معظم در گذاشتن نام برای سال‌ها، برای توجه به یک موضوع حیاتی‌بخش اجتماعی است و این نام‌گذاری به شکلی است که منجر به حرکت عناصر مختلف اجتماعی اعم از مردم و مسئولان به سمت یک اقدام تعالی‌بخش اجتماعی شود.

به گفته او، آنچه مد نظر رهبر معظم انقلاب است این است که یک امر با اهمیت تبدیل به یک مسئله ضروری شود و جامعه نسبت به آن احساس مسئولیت کند. ولی سابقه بیش از دو دهه گذشته نشان داده است که بازیگران اصلی در سطوح مختلف مسئولان، نقش خود را در نهادینه‌سازی شعار در متن جامعه ایفا نکرده‌اند، چرا که اگر این اتفاق رخ داده بود امروز کمتر با معضلات اقتصادی و فرهنگی مواجه بودیم؛ اما با این حال چند پیامد مثبت را نمی‌توان نادیده گرفت:

نخست اینکه سطح اهمیت مسئله را می‌توان با توجه به مقتضیات زمانی از دیدگاه حاکم فهم کرد. این امر نشان‌دهنده این است که حاکم جامعه اسلامی با مشاوره‌هایی که از اهل فن می‌گیرد مهم‌ترین موتورهای محرکه برای حل معضلات اقتصادی و فرهنگی را در چه مواردی دیده است. دوم اینکه مسئولان موظف می‌شوند وضعیت موجود را در آن موضوع رصد کرده و هر وزارتی نسبت خود را با آن موضوع روشن کند. سوم؛ آن موضوع در رسانه‌های رسمی و حتی غیررسمی قابلیت ضریب خوردن پیدا می‌کند. چهارم؛ برای آن موضوع تولیدات متنوع علمی، هنری، ادبی و... شکل می‌گیرد که پیش از آن، این مسئله کمرنگ بوده و یا نبوده است و پنجم اینکه نشان می‌دهد چه مقدار ساختارهای کشور با تحقق شعار سال

اشکال کار را باید در این جست‌وجو کرد که جامعه بین شعار و عمل فاصله ببیند و احساس کند هیچ تغییری و تحولی در یک‌سال گذشته رخ نداده است و در عمل شاخص‌های اول و آخر سال تفاوتی نکرده‌اند؛ پس نتیجه می‌گیرد شعارها فقط برای سربرگ‌هاست نه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی

## مروری بر نام‌گذاری اقتصادی سال‌ها توسط رهبر معظم انقلاب



رهبر حکیم انقلاب  
با شعارهای سالانه  
خود بنیان‌های  
تمدن‌سازی و پایداری  
اقتصادی و اجتماعی  
یک جامعه مطلوب را  
نشان داده‌اند. وظیفه  
مادان‌شگایان،  
حوزویان،  
سیاست‌گذاران و...  
است که به تبیین این  
عناصر تمدن‌ساز توجه  
ویژه کنیم.

■ برخورد گزارشی با شعارهای تمدن‌ساز!  
عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی در پایان بیان می‌کند: آنچه مسلم است؛ رهبر حکیم انقلاب با شعارهای سالانه خود بنیان‌های تمدن‌سازی و پایداری اقتصادی و اجتماعی یک جامعه مطلوب را نشان داده‌اند. وظیفه ما دانشگایان، حوزویان، سیاست‌گذاران و... است که به تبیین این عناصر تمدن‌ساز توجه ویژه کنیم. متأسفانه وضعیت گذشته نشان می‌دهد عده‌ای تلاش کرده‌اند این شعارهای تمدن‌ساز را با نگاه گزارشی و ظاهرسازی پیش ببرند و این در حالی است که از منظر رهبر معظم انقلاب هر کدام از آن‌ها تکه‌ای از یک پازل است که باید در کنار هم مسائل اجتماعی و اقتصادی را از وضعیت نامطلوب به وضعیت مطلوب هدایت کند.

«رونق تولید» و «جهش تولید» و... نیاز پیدا کرده باشیم و اگر از گذشته به اصلاح امور می‌پرداختیم، امروز در این جنگ اقتصادی با چالش کمتری مواجه بودیم. او می‌افزاید: آنچه به نظر در پیاده‌سازی شعارها اهمیت دارد، هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها در سطوح مختلف است. نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری باید تکلیف خود را با رفتارهای متناقض با شعارهای سال روشن کند. شاخص‌سازی مسیر سنجش وضعیت موجود است که بدانیم با وجود شعارهای تمدن‌ساز معظم‌له آیا پیشرفت کرده‌ایم یا وضعیت بدتر شده است؛ مقصر مردم هستند یا مسئولان؟ ساختارها مشکل دارند یا عامل‌ها؟ بستر فراهم نبوده است یا بهره‌گیری از بسترها؟ به اعتقاد این اقتصاددان، شناخت از شعارها باید تبدیل به گرایش و رفتارها در سطوح مختلف شود و این نیازمند اعتمادسازی بین مردم و حاکمیت است.

# مروری اجمالی بر ۱۵ سال گفتمان‌سازی اقتصادی

رفتن تولید و ایجاد اشتغال است که مورد تأکید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفت. سال ۱۴۰۰ هم با عنوان «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها» از سوی رهبر معظم انقلاب نام‌گذاری شد. ایشان در پیام ابتدای آن سال بر تحقق شعار انقلابی جهش تولید با حمایت همه‌جانبه و رفع موانع تأکید کردند و فرمودند: «چه دولت کنونی و چه دولت آینده، باید با حمایت‌های همه‌جانبه قانونی، دولتی و حکومتی از تولید و رفع موانع آن، همت کنند که امسال جهش تولید به معنی واقعی تحقق یابد». رهبر معظم انقلاب سال ۱۴۰۱ را نیز «تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین» نام نهادند. ایشان معیار قرار دادن تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین را موجب حرکت رو به جلو و محسوس در همه اهداف اقتصادی دانستند و در این باره فرمودند: «امسال نیز همچنان بر مسئله تولید تأکید می‌کنم، البته بر لایه و چهره جدیدی از تولید یعنی تولید دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین».

در سال ۱۳۹۳ باز هم اقتصاد مورد توجه قرار گرفت و البته فرهنگ نیز که همیشه از دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب بوده، در نام‌گذاری این سال مورد تأکید قرار گرفت و این سال «اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی» نامیده شد. در سال ۱۳۹۴ معظم‌له با نام‌گذاری «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی» بر این موضوع و کم شدن شکاف بین مردم و مسئولان تأکید کردند. اما موضوع اقتصاد مقاومتی و تکیه بر توان داخلی که از سال‌ها پیش مورد توجه ایشان بود، این‌بار مشخصاً از سال ۱۳۹۵ در نام‌گذاری سال‌ها مورد تأکید قرار گرفت و به همین دلیل سال ۱۳۹۵ «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل»، سال ۱۳۹۶ «اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال»، سال ۱۳۹۷ «حمایت از کالای ایرانی» و سال ۱۳۹۸ «رونق تولید» نام گرفتند. نام‌گذاری سال ۱۳۹۹ هم با عنوان «جهش تولید» دقیقاً در راستای همان سیاست توجه به اقتصاد مقاومتی و درون‌زا، حمایت از کالای ایرانی و به دنبال آن بالا

محمدی اصل | رهبر معظم انقلاب اسلامی از سال ۱۳۸۷ به بعد در نام‌گذاری سال‌ها بر مسائل اقتصادی و ضرورت پیشرفت و تقویت اقتصاد کشور تأکید داشته‌اند. در این راستا، سال ۱۳۸۷ «نوآوری و شکوفایی» و سال ۱۳۸۸ با عنوان سال «حرکت مردم و مسئولین به سوی اصلاح الگوی مصرف» نامیده شد تا از همان زمان فرهنگ‌سازی‌های لازم برای اصلاح برخی عادات اشتباه صورت گیرد. در راستای تأکید بر خودکفایی اقتصادی و با توجه به فشارها و تحریم‌های بین‌المللی، سال ۱۳۸۹ با عنوان «همت مضاعف و کار مضاعف» و به دنبال آن، سال ۱۳۹۰ «جهاد اقتصادی» و سال ۱۳۹۱ «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نام‌گذاری شد. سال ۱۳۹۲ همزمان با انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری بود، اما رهبر فرزانه انقلاب با نام‌گذاری این سال به‌عنوان «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» باز هم بر ضرورت توجه به اقتصاد علاوه بر مشارکت سیاسی تأکید کردند.

مؤسسه فرهنگی قدس منتشر می‌کند

## به نام زن علیه زندگی

گزیده‌ای از مطالب منتشر شده در روزنامه قدس  
بیرامون رخدادهای پاییز ۱۴۰۱

در کتاب حاضر پاسخ این پرسش‌ها را خواهید یافت:

چرا هویت زن مسلمان ایرانی هدف قرار گرفته است؟

راهکارهای مواجهه صحیح با مسأله بدپوششی در جامعه اسلامی چیست؟

گفت‌وگو و ارتباط با نسل جدید؛ چرا و چگونه؟

جنش‌های زنان در طول تاریخ چگونه به انحراف کشیده شده‌اند؟

ظرفیت‌های قانونی اعتراض در کشور چیست و چقدر نسبت به آن اهتمام وجود دارد؟

تجارب کشورها در مواجهه با اعتراضات قانونی و غیرقانونی چیست؟

فریب‌خوردگان اغتشاشات ۱۴۰۱ چگونه وارد بازی لیدرها شدند؟

شبکه «ایران اینترنت‌نشال» به دنبال چیست و چگونه اداره می‌شود؟

چه گروه‌هایی وارد فاز تجزیه ایران شده‌اند و چه پیشینه‌ای دارند؟

